

آمریکا دربارۀ

قانون اساسی
ایالات متحده آمریکا
همراه با یادداشت های تکمیلی





قانون اساسی ایالات متحده، ابتکار چند تن از بزرگ ترین رهبران آمریکا پس از جنگ استقلال مستعمره نشینان، از زمان به اجرا در آمدن آن در ۲۱ ژوئیه ۱۷۸۸ تا کنون، از حقوق و آزادی های مردم آمریکا حمایت کرده است. این سند همچنین به عنوان منبعی الهام بخش برای میهن پرستان در هر کجا که به فکر ایجاد "یک دولت خردمند و عادل" هستند عمل کرده و هدفی است که توسط جورج میسون، نماینده برای کشاورزانی که در کنوانسیون مشروطه که در سال ۱۷۸۷ برگزار شد گرد هم آمده بودند، پایه گذاری شد.

برای خوانندگانی که علاقه مند به مطالعه این سند تاریخی و ارتباط آن با دولت دموکراتیک فعلی هستند، این نشریه کامل ترین و معتبرترین متن از قانون اساسی، منشور حقوق شهروندان، و سایر اصلاحیه هایی را که از زمان ده اصلاحیه نخست به تصویب رسیده است، ارائه می دهد. این سند شامل مقاله ای پیرامون تغییرات تاریخی است که منجر به تشکیل کنوانسیون قانون اساسی، مشاجرات و سازش های میان نمایندگان، و تصویب و روند اصلاحات شد. سر انجام، این سند توضیحات تشریحی را برای متن قانون اساسی و ۲۷ اصلاحیه آن فراهم می کند.

آمریکا

در باره

قانون اساسی
ایالات متحده آمریکا
همراه با یادداشت های تکمیلی

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۵ | I. مقدمه |
| ۶ | قانون عالی کشور |
| ۸ | ضرورت تدوین قانون اساسی |
| ۱۰ | مجمع قانون اساسی |
| ۱۵ | تصویب قانون اساسی |
| ۱۶ | قانون حقوق مدنی |
| ۱۷ | تشکیل قانون اساسی |
| ۲۱ | II. قانون اساسی ایالات متحده (متن) |
| | اصلاحیه های قانون اساسی ایالات متحده، |
| ۳۴ | (متن) |
| ۴۵ | III. قانون اساسی ایالات متحده (همراه با یادداشت ها) |
| | اصلاحیه های قانون اساسی ایالات متحده، |
| ۷۲ | (همراه با یادداشت ها) |

”یک کشور،
یک قانون اساسی،
یک سرنوشت.“

دانیل وبستر، سناتور ایالات متحده
۱۵ مارس، ۱۸۳۷

قوانین

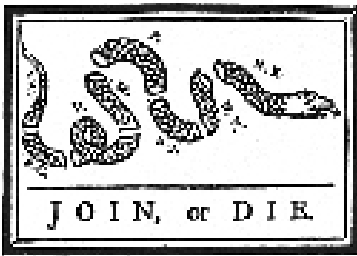
بنیادین کشور توسط قانون اساسی آمریکا شکل گرفته (و تبیین می شوند). قانون اساسی ساختار دولت مرکزی را تعیین می کند. حقوق و آزادی های مردم آمریکا را تعریف می کند و همچنین فهرستی از اهداف دولت مرکزی و روش های دستیابی به آنها را تهیه می نماید.

در گذشته، رهبران کشور مطابق با اولین قانون اساسی آمریکا پیمانی را میان ایالات مختلف در آمریکا ایجاد کرده بودند. اما کنگره ای که توسط همین قانون تشکیل شده بود فاقد قدرت لازم برای یکپارچه کردن ایالات به منظور حل و فصل مشکلات و مسایل کشور بود.

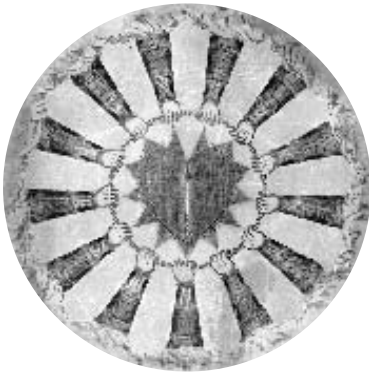
پس از اینکه ایالات در جنگی مشهور به جنگ انقلاب (استقلال) سال های ۱۷۷۵-۱۷۸۳ استقلال خود را به دست آوردند با مشکلاتی برخورد نمودند - مشکلاتی که دولتی در زمان صلح ممکن است با آنها مواجه شود: یعنی موظف شدند به اجرای قوانین و مقررات، جمع آوری مالیات، پرداخت دیون سنگین دولت و تعدیل تجارت داخلی.

همچنین باید به امور مربوط به قبایل سرخپوست رسیدگی و با دولت های دیگر مذاکره می کردند. (در چنین شرایطی) دولتمردان پیشگامی نظیر جورج واشنگتن و الکساندر همیلتون در مورد ضرورت ایجاد یک دولت مرکزی مقتدر مطابق با قانون اساسی جدید به بحث و تبادل نظر پرداختند.

همیلتون به تشکیل مجمع قانون اساسی که در فیلادلفیا، پنسیلوانیا در سال ۱۷۸۷ به منظور تجدید نظر در اولین قانون اساسی آمریکا گرد هم آمده بودند کمک کرد. این در حالی بود که اکثریت نمایندگان مجمع تصمیم به نگارش طرح جدید برای دولت با عنوان قانون اساسی ایالات متحده آمریکا گرفتند. هدف این قانون صرفاً هم پیمانی ایالت ها نبود، بلکه هدف تشکیل دولتی بود که بتواند اقتدارش را به طور مستقیم بر تمام شهروندان اعمال کند. قانون اساسی اختیاراتی که به دولت مرکزی اعطا شده را تعریف و از قدرت ها و اختیارات حقه ایالت ها و حقوق همه مردم حمایت می کند.



طرح سال 1754 بنجامین فرانکلین از درخواست های طاقت فرسا برای ایجاد وحدت میان مستعمره نشینانی که به همراه بریتانیا، با فرانسه در جنگ فرانسه و هند مقابله کردند.



درخواست بعدی برای اتحاد در این تصویر که در ژوئیه 1776 بر داشته شده است و در آن 13 دست دیده می شود آشکار است - این تصویر بیانگر اعلامیه استقلال مستعمره نشینان از بریتانیا است.

قانون عالی کشور

قانون اساسی شامل یک مقدمه، هفت ماده و بیست و هفت اصلاحیه است. قانون اساسی با تقسیم اختیارات بین دولت مرکزی و ایالتی، نظام فدرال را بنیان گذاشته است. همچنین با تفکیک قدرت میان سه قوه مستقل مجریه، مقننه و قضاییه دولت مرکزی متعادلی را پایه گذاری کرده است. قوه مجریه، رئیس جمهوری، قوانین ملی را به اجرا می گذارد؛ قوه مقننه، کنگره، قوانین ملی را وضع می کند و قوه قضاییه متشکل از دیوان عالی کشور و دیگر

دادگاه های فدرال، به هنگام تصمیم گیری در خصوص منازعات قانونی در دادگاه های فدرال به تفسیر و اعمال قوانین می پردازد. اختیارات ذکر شده در قانون اساسی شامل حق جمع آوری مالیات، اعلام جنگ و تنظیم تجارت های داخلی و خارجی است. علاوه بر این، اختیارات تفویض شده یا اعطا شده (که در قانون اساسی از آنها نام برده شده است)، دولت مرکزی دارای اختیارات ضمنی نیز است (اختیاراتی که به طور مستدل در خلال اختیارات دیگر به طور ضمنی اشاره شده اند). این اختیارات ضمنی، دولت را قادر به پاسخگویی به نیازهای متغیر کشور می سازد. به طور مثال، کنگره هیچ اختیار تفویض شده خاصی برای چاپ اسکناس ندارد. اما چنین اختیاری در سایر اختیارات تفویض شده ی مربوط به اخذ وام و ضرب سکه به صورت ضمنی ذکر شده است. در برخی موارد، دولت های مرکزی و ایالتی دارای اختیارات توافقی می باشند بدین معنا که هر دو در آن موارد می توانند عمل کنند. قوانین کشوری در صورت وجود هر گونه اختلاف نظر از بالاترین حد اعتبار برخوردار است. اختیاراتی که قانون اساسی به دولت مرکزی نداده یا برای ایالت ها ممنوع کرده است یعنی اختیارات محفوظ، در واقع متعلق به مردم یا ایالات است. اختیارات دولت شامل حق قانونگذاری در زمینه طلاق، ازدواج و مدارس دولتی می شود. اختیارات محفوظ برای مردم شامل حق مالکیت و محاکمه در حضور هیأت منصفه است. مرجع قانونی در تفسیر قانون اساسی، دیوان عالی است که می تواند هر قانونی، خواه فدرال، دولتی یا محلی را با اکثریت قضات مبنی بر تناقض آن با هر بخشی از قانون اساسی، ملغی اعلام کند.

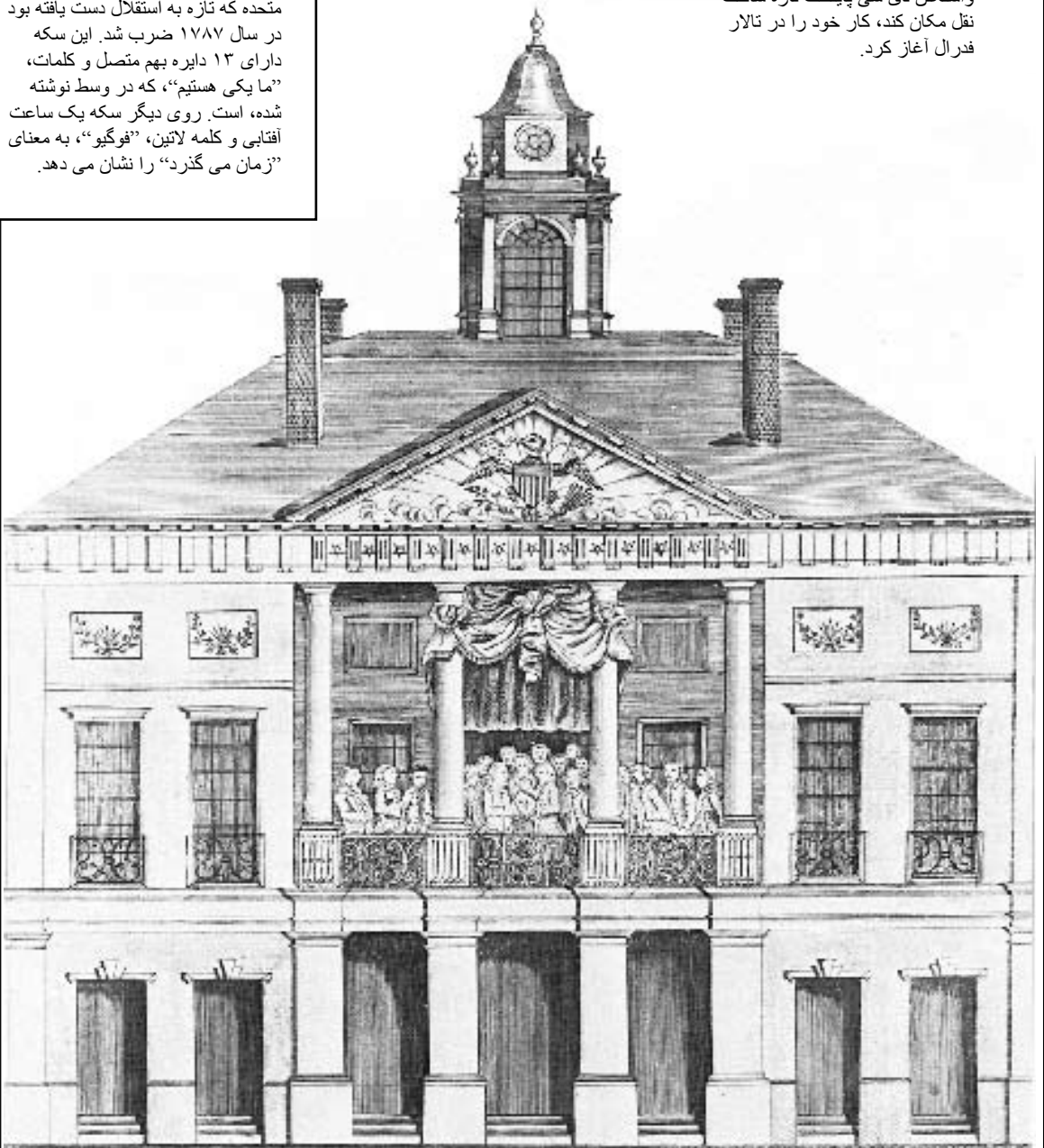


پیش از آنکه جان مارشال به عنوان چهارمین رئیس دیوان عالی کشور منصوب شود، مدت کوتاهی به عنوان وزیر امور خارجه ایالات متحده خدمت کرد. مارشال در مقام رئیس دیوان عالی کشور در مدت 34 سال، اساس بررسی قوانین را پایه گذاری کرد.



نخستین سکه های ملی توسط ایالات
متحده که تازه به استقلال دست یافته بود
در سال ۱۷۸۷ ضرب شد. این سکه
دارای ۱۳ دایره بهم متصل و کلمات،
”ما یکی هستیم“، که در وسط نوشته
شده، است. روی دیگر سکه یک ساعت
آفتابی و کلمه لاتین، ”فونگیو“، به معنای
”زمان می گذرد“، را نشان می دهد.

این طرح، تالار فدرال در نیویورک
سیتی را نشان می دهد، که جورج
واشنگتن، نخستین رئیس جمهوری
کشور، در روی بالکن آن در آوریل
سال ۱۷۸۹ طی تشریفاتی معرفی
و به کار گمارده شد. کنگره جدید
پیش از آنکه موقتاً به فیلادلفیا، ایالت
پنسیلوانیا، و سپس در سال ۱۸۰۰ به
واشنگتن دی سی پایتخت تازه ساخت
نقل مکان کند، کار خود را در تالار
فدرال آغاز کرد.



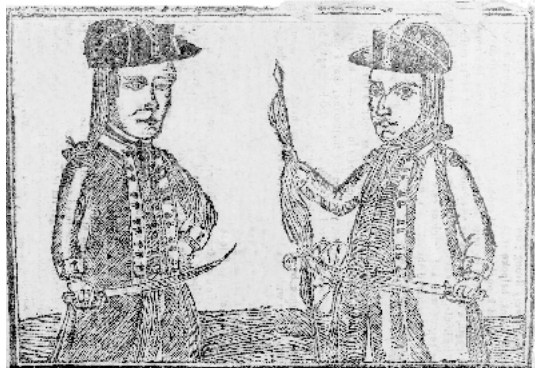
ضرورت تدوین قانون اساسی

بریتانیای کبیر از بازگشایی مسیرهای تجاری که مستعمرات برای سلامت اقتصادی خود به آنها وابسته بودند، امتناع می کرد. مجامع قانونگذاری ایالتی از بازپرداخت بدهی هایی که در طول جنگ استقلال متقبل شده بودند، سرباز زدند. بسیاری از ایالت ها، قوانینی را وضع کردند که راه را برای فرار بدهکاران از تعهدات خود هموار کرد.

از همه بدتر آنکه، برخی از مردم، مجدداً برای حل مشکلات خود به فکر استفاده از سلاح افتادند. در سال ۱۷۸۶ در ماساچوست غربی، صدها کشاورز تحت فرمان کاپیتان دانیل شیز علیه دولت ایالتی شورش کردند و در نهایت این قیام شیز توسط نیروهای ایالتی سرکوب شد، که جورج واشنگتن و رهبران دیگر را به این فکر انداخت که آیا قیام آنها علیه بریتانیای کبیر عبث بوده است. احساس آنها حاکی از این بود که وقت آن فرا رسیده تا به این مشکلات خاتمه داده و با ایجاد دولت مرکزی جدیدی صلح و آرامش را به کشور باز گردانند. حکومتی با آن درجه از قدرت که قادر به کسب اطاعت داخلی و احترام خارجی است. در سال ۱۷۸۶، نمایندگان از ۵ ایالت در آنابولیس در ایالت مریلند گرد هم آمده و پیشنهاد دادند که هر ایالت نمایندگان را جهت بررسی مواد و اصلاح اولین قانون اساسی به مجمعی در فیلادلفیا بفرستند. کنگره با این طرح موافقت کرد و پیشنهاد داد که هر ایالت هیأتی اعزامی را به مجمع قانون اساسی بفرستد.

حکومت تاسیس شده توسط اولین قانون اساسی آمریکا قدرت اجرایی کافی برای اداره کشور جدید را نداشت. برای مثال، این حکومت فاقد قوه مجریه و سیستم دادگاه های مرکزی بود و همچنین قادر به اداره قانون تجارت بین ایالت ها، مالیات بندی ایالت ها و شهروندان نبود. حکومتی که در واقع چیزی نبود جزء مجمع نمایندگان ۱۳ ایالت مستقل.

در سال ۱۷۸۳ پس از جنگ انقلاب (استقلال)، کشور وارد دوره ای از بی ثباتی سیاسی و اقتصادی شد. در صورت بهتر بودن شرایط، الکساندر همیلتون و حامیانش در تلاش برای دستیابی به قانون اساسی جدید از اقبال کمتری برخوردار می بودند. احتمالاً برخی از مورخان مشکلات و چالش های جمهوری جدید را پررنگ تر جلوه داده اند. به احتمال زیاد وضعیت پس از ۱۷۸۳ به تدریج رو به وخامت گذاشت و هر ایالت تقریباً مانند کشوری مستقل عمل می کرد که هر کدام از آنها در اداره امور به نفع خود عمل کرده و به نیازهای جمهوری توجه اندکی مبذول می داشتند. این ایالت ها دارای واحدهای پولی رایج متعددی با ارزش اندک بوده و بر واردات ایالت های مجاور مالیات می بستند.



دانیل شیز، در سمت چپ، و جاب شاتاک، دو فرد به تصویر کشیده شده در این حکاکی از "سالنامه بیکرستاف بوستون" سال ۱۷۸۷، رهبری کشاورزان مفروض را علیه دولت ایالت ماساچوست بر عهده داشتند. شورشیان نیاز به یک دولت مرکزی قوی تر را اعلام داشتند.

IN CONGRESS, July 3, 1776.

The unanimous Declaration of the thirteen united States of America.



در بالا، نمونه هایی از پول رایج دوره جنگ انقلابی، که اغلب ارزش کمی داشت، دیده می شود. قانون اساسی جدید به پول ارزش بخشید و آن را برای دولت مرکزی تنظیم کرد.

جورج واشنگتن (سمت راست)، فرمانده کل قوای ارتش آمریکای شمالی در طول جنگ انقلابی، به عنوان نخستین رئیس جمهوری ایالات متحده انتخاب شد.



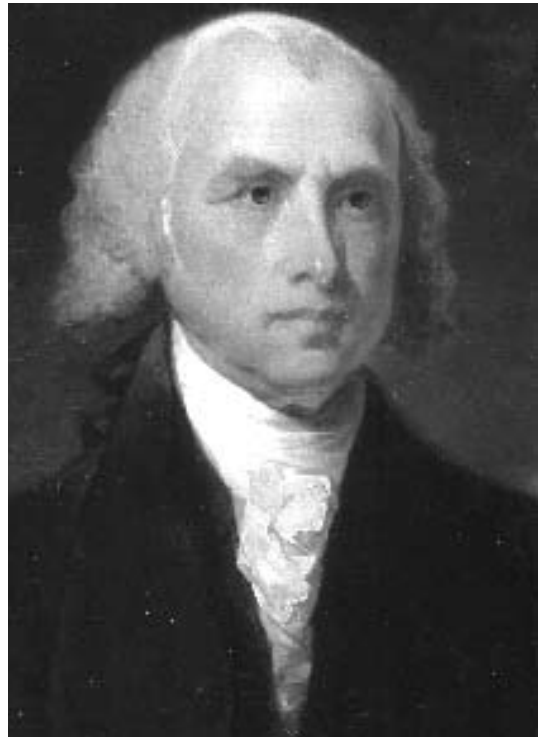
مجمع قانون اساسی

جانب خود برای امضای قانون اساسی برگزید. ویلیام جکسون، منشی مجمع، شاهد امضاء قانون اساسی بود. امضاء کنندگان را مردانی کارکشته و وطن پرست از جمهوری جدید تشکیل می دادند. جورج واشنگتن سمت رئیس مجمع را به عهده داشت. بنجامین فرانکلین هشتاد و یک ساله نماینده ایالت پنسیلوانیا بود. الکساندر همیلتون روشنفکر نیز به نمایندگی از ایالت نیویورک در مجمع حضور داشت. جیمز مدیسون از ایالت ویرجینا به واسطه نقش پررنگش در مذاکرات، نطق ها و تلاش هایش برای ایجاد و حفظ صلح و مصالحه به "پدر قانون اساسی" مشهور شد. مدیسون به نمایندگان گفت که آنها در صدد به کارگیری طرحی بودند که برای همیشه سرنوشت دولت جمهوری را رقم خواهد زد. او گزارشی از مباحث و تصمیمات نمایندگان به ثبت رسانید.

مردان دیگری که در نگارش قانون اساسی سهم داشتند، عبارت بودند از جان دیکینسون، گاورنه موریس، ادموند راندولف، راجر شرمان، جیمز ویلسون و جورج وایت. پس از مدیسون و واشنگتن، شاید موریس را بتوان پرتاثیرترین نماینده دانست. او وظیفه ویراستاری و ثبت تصمیمات و مصوبات مجمع را به عهده داشت. در واقع این موریس بود که قانون اساسی را به رشته تحریر در آورد. این نسخه اصلی قانون اساسی هم اکنون در ساختمان اسناد ملی امریکا در شهر واشنگتن دی سی نگهداری می شود. چند تن از چهره های شناخته شده آن زمان هم بودند که در مجمع حضور نیافتند. جان آدامز و توماس جفرسون به دلیل ماموریت های دولتی در خارج از کشور به سر می بردند. ساموئل آدامز و جان جی موفق به کسب نمایندگی از جانب ایالات متبوعشان نشدند. پاتریک هنری پس از انتصاب به نمایندگی به دلیل مخالفت با تفویض هر چه بیشتر قدرت به دولت مرکزی از حضور در مجمع سرباز زد. سه تن از چهره های شاخص مجمع به نام های البریج گری، جورج ماسون، و ادموند راندولف، به دلیل مخالفت با بخش هایی از قانون اساسی از امضاء آن خودداری کردند.

قرار بر این بود که این مجمع در تاریخ چهاردهم مه سال ۱۷۸۷ گشایش یابد. اما در آن تاریخ تنها تعداد اندکی از ۵۵ نماینده به فیلادلفیا رسیده بودند. سرانجام در بیست و پنجم ماه مه، مجمع به طور رسمی در تالار استقلال Independence Hall گشایش یافت. دوازده ایالت به فراخوان مجمع پاسخ داده بودند. ایالت رود آیلند از گسیل نمایندگان به مجمع خودداری کرد چرا که تمایل نداشت دولت مرکزی در امور این ایالت دخالت کند.

در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷، از ۵۵ نماینده حاضر، ۳۹ نماینده قانون اساسی ایالت متحده را به امضاء رساندند. یکی از امضاء کنندگان، جان دیکینسون از ایالت دلاور بود، وی خود از مجمع خارج شد اما نماینده ای به نام جورج رید را از



جیمز مدیسون که بعدها چهارمین رئیس جمهوری کشور شد، نقش مهمی را در مجمع قانون اساسی، که بعدها لقب "پدر قانون اساسی" را به او داد، ایفا کرد.



"پرچم اتحادیه بزرگ"، که نخستین بار در ۲ ژانویه ۱۷۷۶، در کامبریج، ماساچوست نشان داده شد. نیروهای نظامی تحت فرمان ژنرال جورج واشنگتن در آنجا جمع شده بودند تا "ارتش آمریکای شمالی" را تشکیل دهند.



بالا، حکاکی چوبی از مجمع عمومی تشکیل شده در جیمزتاون، ویرجینیا، در سال ۱۶۱۹، نمایندگان، یا "بورگس ها"، را در ملاقاتی با فرماندار ایالت و شورايش نشان می دهد. این مجمع نخستین مجلس مستعمره ای "دنیای جدید" را تشکیل داد.

سمت چپ، تصویری از اوراق قرضه ماساچوست سال ۱۷۷۵ که دلیل استقلال آمریکا را به فرمان "مگنا کارتای" بریتانیا در سال ۱۲۱۵ ربط می دهد، دیده می شود.



تاریخچه قانون اساسی:

نمایندگان اعزامی به مجمع تا حد فراوانی به تجارب پیشین خود در خصوص تاسیس دولت جدید اتکا داشتند. آنان حوادثی را که طی شکل گیری حکومت قانون اساسی رخ داده بودند، از نظر گذراندند. این رخدادها شامل اهدای سند قانون اساسی انگلیسی به ماگنا کارتا در سال ۱۲۱۵ و نیز نشست نمایندگان جیمز تاون در سال ۱۶۱۹ می شد. برخی مستعمره ها نیز به عنوان نمونه هایی از اشکال دولت قانون اساسی ایفای نقش می کردند. حکومت های مستعمره ای دارای نقاط ضعفی بودند

اما نسبت به دیگر حکومتها، در دستیابی به آزادی تحت لوای قانون به دستاوردهای بیشتری نائل شده بودند.

در آستانه جنگ انقلابی، چند ایالت به تاسیس حکومت قانون اساسی دست زدند. در سال ۱۷۷۷،

جان جی از ایالت نیویورک جهت نگارش قانون اساسی برای ایالت خود همکاری نمود. جان آدامز از ایالت ماساچوست مشوق نگارش قانون اساسی ۱۷۸۰ ماساچوست بود. نمایندگان حاضر در مجمع قانون اساسی در فیلادلفیا از بسیاری از ایده ها و عبارات به کار رفته در قانون اساسی ایالات خود سود جستند.

نمایندگان برای این منظور از تجارب شخصی خود نیز بهره می بردند. برای مثال بنیامین فرانکلین در کنگره سال ۱۷۵۴ در شهر آلبنی، مرکز ایالت نیویورک، پیشنهاد یکپارچه سازی مستعمرات را تحت لوای یک حکومت واحد داده بود. واشنگتن نیز مشکلاتی را به خاطر آورد که در زمان سمتش به



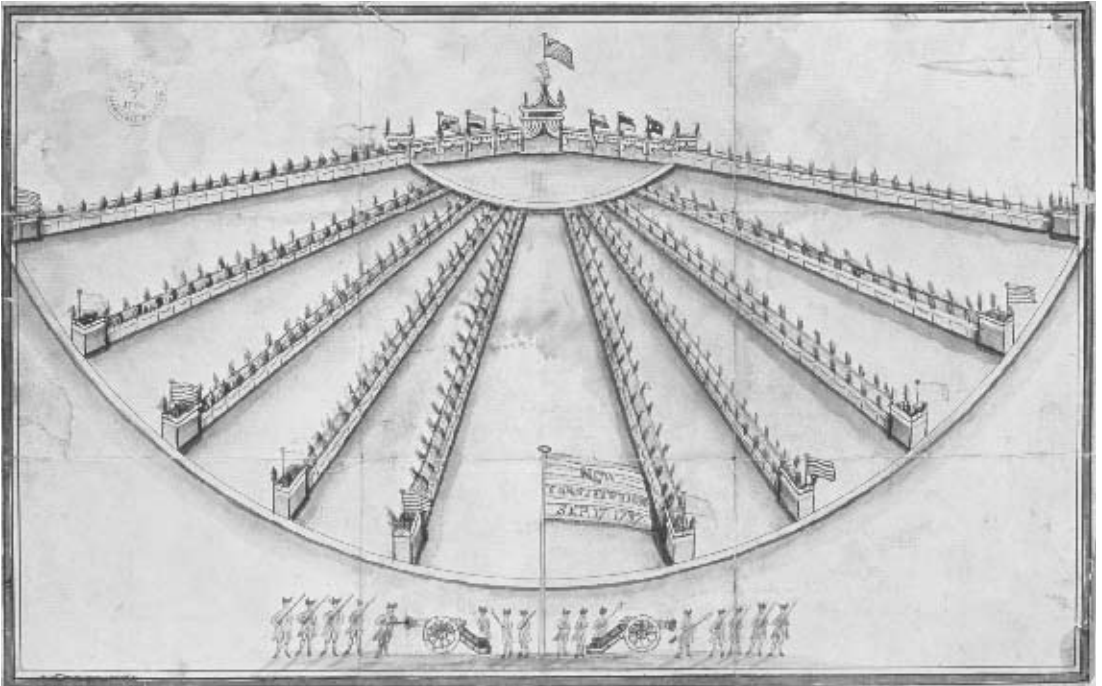
بنجامین فرانکلین، نماینده ایالت پنسیلوانیا در مجمع قانون اساسی، در به وجود آوردن به اصطلاح "سازش بزرگ" و برپاکردن کنگره دو حزبی مؤثر بود.

عنوان فرمانده کل قوا در مورد حکومت های هم پیمان ضعیف با آنان دست به گریبان بود. تقریباً هر نماینده اعزامی به مجمع یا به عنوان سرباز و یا مدیر اجرایی دولت خدمت کرده بود. نمایندگان اغلب در جزئیات توافق نظر نداشتند ولی در تمایل به تشکیل دولتی نوین که قدرت کافی برای حاکمیت بر کشور داشته ولی نه چندان که آزادی های ایالات و شهروندان آنها را سلب کند، متفق القول بودند.

مصالحات:

تاسیس دولت جدید چندان هم به سادگی میسر نشد. بحث و جدل های نمایندگان در چند مورد به ناتمام ماندن مذاکرات انجامید. برای مثال، نمایندگان ایالت های بزرگ و پرجمعیت بر سر تعداد نمایندگان در هیئت قانونگذاری ملی، با نمایندگان ایالت های کوچک تر در تعارض بودند. ایالت های بزرگتر از طرح ویرجینیا حمایت می کردند، که اعلام می داشت تعداد نمایندگان ایالت ها در هیئت قانونگذاری باید بر پایه جمعیت آنها تعیین شود، و در مقابل ایالات کوچک تر از طرح نیوجرسی حمایت می کردند که بر اساس آن تعداد نمایندگان هر ایالت در این هیئت باید برابر می بود. نمایندگان ایالت کانکتیکات با طرح یک مصالحه، به این مسئله پایان دادند. در طرح آنان، نمایندگان ایالات در مجلس سنا برابر اما در مجلس نمایندگان به نسبت جمعیت ایالات تعیین می شد. این طرح بعدها به عنوان "مصالحه کانکتیکات" و یا "مصالحه بزرگ" معروف شد.

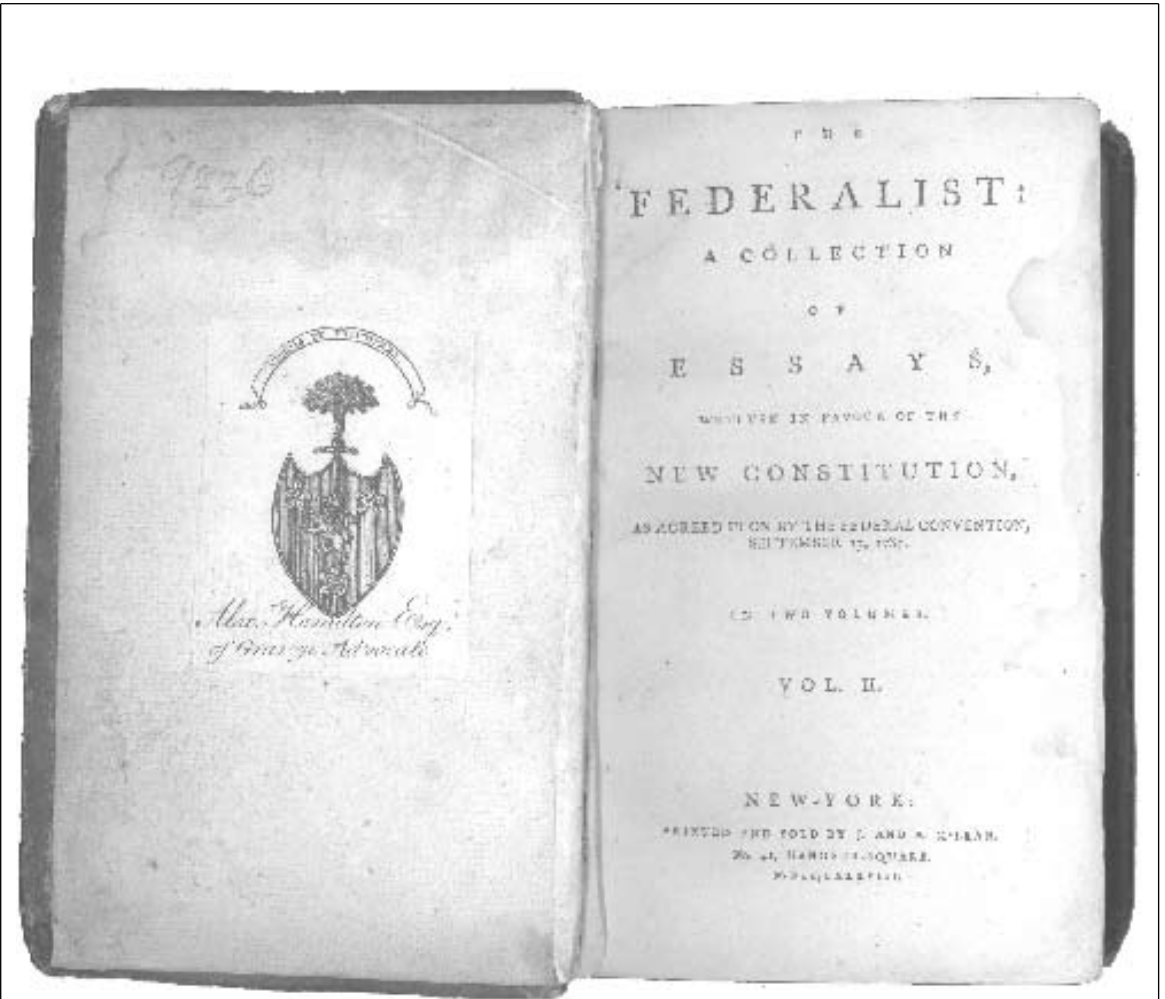
مصالحات و سازش ها همچنین به حل و فصل مسئله برده داری منجر شد. نمایندگان ایالات شمالی در پی اختیار کنگره برای ممنوع کردن تجارت برده خارجی و در نهایت از میان برداشتن برده داری بودند. اما از سوی دیگر، بسیاری از ایالات جنوبی مخالف چنین اختیاراتی برای کنگره بودند. طی مصالحه ای قرار بر این شد که کنگره تا سال ۱۸۰۸ اجازه کنترل تجارت برده خارجی را نداشته باشد. دیگر مصالحه بر سر این مسئله بود که شمار بردگان هر ایالت و تاثیر آن بر تعداد نمایندگان در کنگره باید به چه شکل باشد.



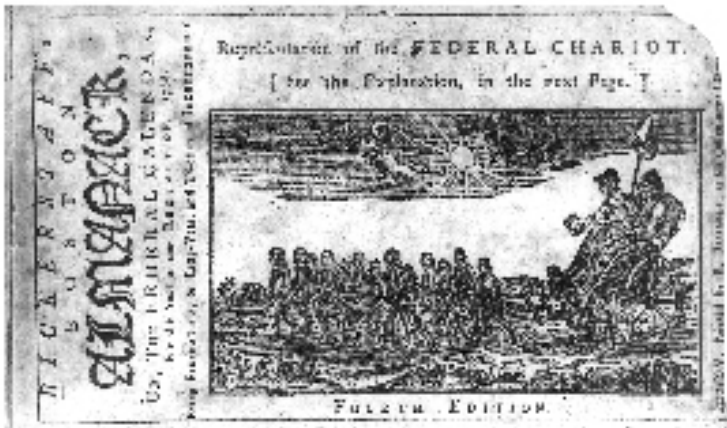
در بالا، مبارزه برای قانون اساسی: در سال ۱۷۸۸، "ماساچوست سنتینل" ستون‌های نشان‌دهنده روند پیشروی ایالات را به سوی تصویب قانون اساسی به تصویر می‌کشد. در اینجا، کارولینای شمالی و رودآیلند - دو ستون گرایش - هنوز تصویب نشده‌اند. در بالا، نقاشی جشنی را در "غرفه ضیافت دولتی" در نیویورک سیتی که برای کسانی که در حمایت از قانون اساسی جدید راهپیمایی کردند برگزار شد، نشان می‌دهد.

در ضمن، تصمیم گرفته شد، به محض تصویب قانون اساسی به وسیله نه ایالت، آن را به اجرا گذارده، و پس از آن، ایالات می‌توانستند حکومت جدید خود را سازماندهی کنند.

نمایندگان موافقت کردند که تمام ایالت‌ها باید دارای مجمع ویژه‌ای باشد تا در مورد رأی خود به قانون اساسی، مذاکرات و گفتگوهایی صورت دهند.



مقالات فدرالیست، منتشر شده در سال ۱۷۸۸، نشان دهنده یکی از مهمترین گام ها در جهت فرضیه قانون اساسی هستند.



این نقاشی در "سالنامه بیکرستاف بوستون" سال ۱۷۸۸ به چاپ رسید. در آن دولتمردان قدیمی جورج واشنگتن و بنجامین فرانکلین را در حال راندن "کالسکه دولتی" که توسط ۱۳ ایالت کشیده می شود و به سمت تصویب قانون اساسی پیش می رود، نشان می دهد.

تصویب قانون اساسی



الکساندر همیلتون، که بعدها نخستین وزیر خزانه داری شد، ۵۱ مقاله از ۸۵ مقاله فدرالیست را نوشت، که از پیشنویس جدید قانون اساسی دفاع کرده و خواستار تصویب آن شد.

نشد تا پیش از ضرب العجل تعیین شده، دست به این کار بزند) در ۴ فوریه، انتخاب کنندگان از جورج واشنگتن به عنوان نخستین رئیس جمهوری متحد آمریکا نام بردند. اولین کنگره نیز در ۴ مارس تحت لوای قانون اساسی در نیویورک تشکیل جلسه داد. واشنگتن در ۳۰ آوریل کار خویش را آغاز نمود، هر چند دو ایالت رود آیلند و کارولینای شمالی تا پیش از تصویب الحاقیه قانون حقوق توسط کنگره از تأیید قانون اساسی سرباز زدند و به حکومت جدید پیوستند.

در تاریخ ۷ دسامبر سال ۱۷۸۷ و کمتر از سه ماه پس از امضای قانون اساسی، دلاور به عنوان اولین ایالت، قانون اساسی را تصویب کرد، و در تاریخ ۲۱ ژوئن سال ۱۷۸۸ و پس از تصویب آن به وسیله نیوهمپشایر به عنوان ایالت نهم، قانون اساسی ایالات متحده لازم الاجرا شد. اما پدران بنیانگذار نمی توانستند اعتماد حاصل کنند که تا زمان تصویب قانون اساسی به وسیله ایالات مهم نظیر نیویورک و ویرجینیا، به مقبولیتی عمومی دست یابد. در این دو ایالت و نیز دیگر ایالات مخالفت هایی ریشه ای و سازماندهی شده ای در برابر قانون اساسی شکل گرفت. افرادی چون البریج گری، هنری، ریچارد هنری لی و جورج ماسون به ضدیت با تصویب قانون اساسی پرداختند.

منتقدان، به این مسئله معترض بودند که هیچ قانونی در خصوص حقوق افراد در قانون اساسی اتخاذ نشده بود، و اینکه رئیس جمهور دارای استقلال فراوانی بوده، و سنا بیشتر در خدمت طبقه بالای جامعه بود. آنها همچنین بر این باور بودند که طبق آن کنگره دارای قدرت فراوان و دولت مرکزی اختیارات بیش از حدی داشت. پشتیبانان قانون اساسی به جلب حمایت برای تصویب آن دست زدند. آنان فدرالیست، و رقیبانشان ضد فدرالیست ها لقب گرفتند. این دو گروه آرمان هایشان را در روزنامه ها، نشریه ها، و نشست های پیرامون تصویب یا عدم تصویب قانون اساسی در مجامع، مطرح می ساختند و به دفاع از آن می پرداختند. گروه ها در نهایت به شکل نخستین احزاب سیاسی آمریکا در آمدند.

در تاریخ ۲۵ ژوئن سال ۱۷۸۸ ویرجینا قانون اساسی را تصویب نمود و به دنبال آن در ۲۶ ژوئیه سال ۱۷۸۸ نیویورک نیز چنین کرد. در اوایل ژانویه سال ۱۷۸۹ به جز نیویورک تمام ایالات دیگری که قانون اساسی را تصویب نمودند، با انتخاب مستقیم مردم، انتخاب کنندگان رئیس جمهوری را در هیئت های قانونگذاری تعیین کردند. (نیویورک موفق

قانون حقوق مدنی

شاید اگر فدرالیست‌ها وعده الحاق قانون حقوق به قانون اساسی را نمی‌دادند، هرگز موفق به جلب حمایت ایالات برای تصویب آن نمی‌شدند. قانون اساسی بیشتر ایالات که طی انقلاب وضع شده بودند، دارای یک بیانیه روشن و واضح در خصوص حقوق همه افراد بود. اکثر مردم آمریکا بر این باور بودند که قانون اساسی کامل نخواهد بود مگر چنان بیانیه‌ای در آن ضمیمه شده باشد. جورج میسون از ایالت ویرجینیا زمینه‌ساز اولین و مشهورترین قانون حقوق مدنی آمریکا، یعنی بیانیه حقوق ویرجینیا در سال ۱۷۷۶ است. در صورتی که فدرالیست‌ها از تقاضای او و پاتریک هنری برای اصلاحاتی در قانون اساسی موافقت نمی‌کردند، شاید آنها نیز از

تصویب آن جلوگیری کرده بودند. در پیشنهاد اصلاحیه‌ها، جیمز مدیسون کار رهبری کنگره جدید را به عهده داشت. او ۱۵ اصلاحیه پیشنهاد کرد که ۱۲ عدد از آنها جهت ارسال برای تصویب به وسیله هیئت قانونگذاران ایالات تحت اقدامات اصلاحی قید شده در ماده پانزدهم قانون اساسی مورد موافقت قرار گرفت. تا تاریخ ۱۵ دسامبر سال ۱۷۹۱ آرای مثبت تعداد کافی قانونگذاران سه چهارم ایالات که برای این منظور لازم بود، ۱۰ اصلاحیه از ۱۲ اصلاحیه ارسالی را تصویب نمودند. این ۱۰ اصلاحیه به قانون حقوق مدنی مشهورند. یکی از دو اصلاحیه رد شده در مورد ظرفیت و اندازه مجلس نمایندگان بود. طبق این اصلاحیه تعداد کمتر از دو نماینده برای هر ۳۰ هزار نفر به کمتر از دو نماینده برای هر ۵۰ هزار نفر تغییر می‌یافت. دیگر اصلاحیه رد شده اعلام می‌داشت که کنگره حق تغییر حقوق و دستمزد اعضای خود را تا زمان انتخابات بعدی نمایندگان نداشت. این اصلاحیه ۲۰۲ سال بعد تصویب و اصلاحیه شماره ۲۷ قانون اساسی شد. پس از تصویب و استقرار قانون اساسی، ضد فدرالیست‌ها به شکست خود اذعان کردند، و خود را برای دستیابی به قدرت تحت لوای این قانون اساسی آماده کردند. اقدامات آنان روشی را در سیاست ایالات متحده به وجود آورد که پس از آن هرگز تغییر نیافت. مردم آمریکا گاه از سیاست‌ها و اقدامات حکمرانان خود احساس عدم رضایت می‌کنند. اما تعداد اندکی تا کنون نظام قانون اساسی خود را محکوم کرده و یا احساس کرده‌اند که یک مجمع قانون اساسی دیگر می‌توانست قانون اساسی بهتری را به وجود آورد.



جورج میسون، نویسنده منشور حقوق ویرجینیا، از امضاء قانون اساسی امتناع کرد، زیرا هیچ لایحه حقوق شهروندی را که آزادی‌های اولیه هر شهروند را تضمین کند، در بر نمی‌گرفت.

تشکیل قانون اساسی

اجرای مانند اداره هوانوردی فدرال و اداره پست را تاسیس نماید. کنگره همچنین قوانینی را تصویب نمود که بر آن اساس بتوان داد و ستد میان ایالت ها را کنترل، و بنابراین بسیاری جنبه های اقتصاد ایالات متحده را تحت کنترل خود در آورد.

مصوبات مربوط به دادگاه ها: قضات دولتی

و فدرال، در بسیاری از پرونده ها و دعوی ها از مفاد قانون اساسی استفاده می کنند. در تفسیر معنای و مفهوم مفاد قانون اساسی در موارد خاص، دادگاه عالی آخرین مرجع تصمیم گیرنده است. دادگاه حق تجدید نظر قضایی دارد، بدین معنا که می تواند قانونی را خلاف قانون اساسی اعلام کند. پس از رأی قاضی ارشد، جان مارشال در پرونده ماربوری در برابر مدیسون در سال ۱۸۰۳، اختیار دادگاه عالی در این خصوص حدود و دامنه فراوانی به خود گرفت. از آن زمان دادگاه عالی رأی به خلاف قانون اساسی بودن ۱۲۵ قانون فدرال و صدها قوانین ایالتی داده است.



جزییات طرح و نقشه سال ۱۷۹۲ برای شهر واشنگتن دی سی که برای ساختن شهری به عنوان پایتخت ایالات متحده طراحی شده بود.

جیمز مدیسون اعلام کرد که: «در تشکیل نظامی که مایلیم سالیان سال پایدار بماند، نباید از تغییرات حاصله از گذر زمان، غافل شد.» تدوین قانون اساسی به منظور تامین منافع همه افراد و اقشار انجام گرفته بود، از افراد فقیر، ثروتمند تا جنوبی ها، شمالی ها، کشاورزان، کارگران، و تاجرین. طی گذر سال ها، قانون اساسی به عنوان وسیله ای در جهت برآوردن نیازهای متغییر مردم تعبیر شده است.

نمایندگان حاضر در مجمع نمایندگان قویاً معتقد بودند که حق حاکمیت باید با اکثریت باشد، اما در عین حال در پی این نیز بودند که از اقلیت در برابر هرگونه بی عدالتی از سوی اکثریت دفاع کنند. آنان این امر را از طریق جداسازی و توزیع برابر قدرت دولت مرکزی به انجام رساندند. دیگر اهداف بنیادین قانون اساسی شامل احترام به حقوق افراد و ایالت هایی است که توسط مردمی اداره می شوند، جدایی دین از سیاست، و برتری دولت مرکزی است.

قانون اساسی بیست و هفت بار اصلاح شده

است، که اعلامیه حقوق مدنی از جمله همین

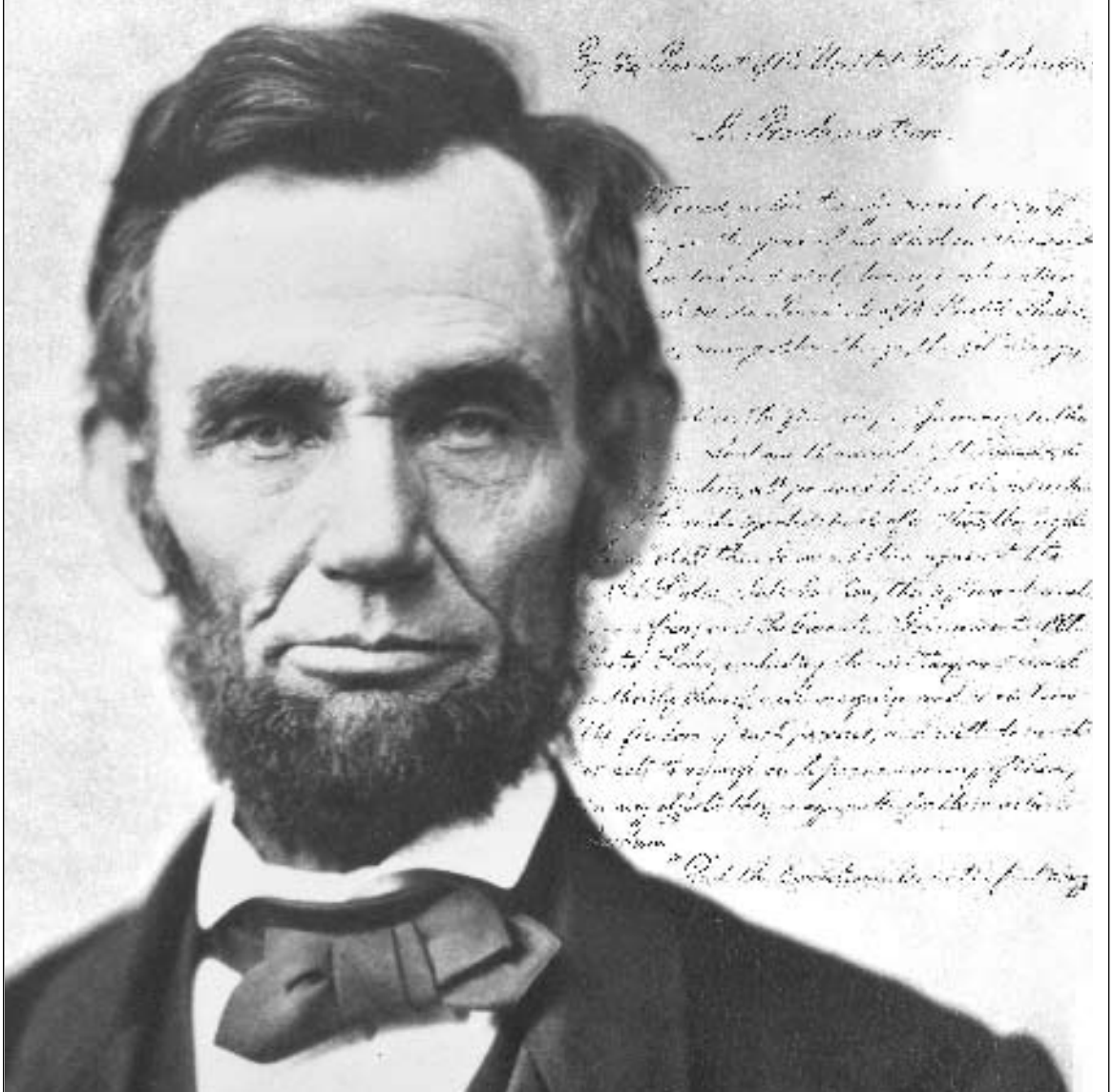
اصلاحات است. اصلاحات می توانند توسط دو سوم هر یک از دو مجلس کنگره و یا توسط مجمع ملی با پیشنهاد کنگره طرح شوند، مجلس ملی خود به وسیله کنگره و به موجب درخواست قانونگذاران دو سوم ایالات تشکیل می شود. پس از تصویب به وسیله قانونگذاران سه چهارم ایالات و یا مجامع سه چهارم ایالات، اصلاحیه طرح شده بخشی از قانون اساسی می شود. چگونگی و مدت زمان تصویب اصلاحیه به وسیله ایالات را کنگره تعیین می کند. در بسیاری موارد، کنگره یک دوره هفت ساله را بدین منظور در نظر می گیرد.

نمایندگان حاضر در مجمع قانون اساسی می دانستند که قادر نخواهند بود در خصوص تمام وقایع و حالات قانون بنویسند. بنابراین، به کنگره اختیار لازم جهت تصویب قوانین لازم و مقتضی برای اجرای اختیارات به رئیس جمهوری، کنگره، و دادگاه های فدرال از سوی قانون اساسی داده شد. کنگره قوانینی را به تصویب رسانید تا سازمان های



حکاکی اثر توماس
کلارکسون در جلد اول،
"تاریخ برپایی، پیشرفت،
و تحقق تجارت برده
آفریقایی"، در سال ۱۸۰۸

تصویری از آبراهام لینکلن در دوران جنگ داخلی؛
در پس زمینه اعلامیه آزادی بردگان سال ۱۸۶۳
که آزادی را به بردگانی که در ایالت های شورشی
علیه اتحادیه بودند، اعطا می کرد، دیده می شود. در
پایان، برده داری توسط سیزدهمین متمم اضافه شده
به قانون اساسی در سال ۱۸۶۵ برچیده شد.



اقدامات ریاست جمهوری: رئیس جمهورهای
 پر قدرت برای افزودن به قدرت و اختیارات ریاست
 جمهوری، سعی به هر چه گسترده تر کردن دامنه
 عبارت های ماده دوم قانون اساسی داشته اند.
 از جمله این رئیس جمهورها می توان به جورج
 واشنگتن، توماس جفرسون، اندرو جکسون، آبراهام
 لینکلن، تئودور روزولت، وودرو ویلسون، فرانکلین
 دی روزولت، و جورج دبلیو بوش اشاره کرد.
 برای مثال، واشنگتن رئیس جمهوری را بدل به
 چهره شماره یک در امور خارجه کرد. لینکلن از
 اختیارات مطروحه در این ماده جهت آزادی بردگان
 از ایالات جنوبی در حال شورش در طول جنگ
 داخلی در خلال سال های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ سود
 جست.

آداب و سنن: آداب و سنن، قانون اساسی را
 انعطاف پذیر کرده و بر همین اساس موجب افزایش
 اختیارات دولت مرکزی شده است. برای مثال،
 کابینه ریاست جمهوری به واسطه عبارت های

موجود در ماده دوم قانون اساسی تشکیل شد، این
 ماده به رئیس اجرایی کشور اجازه می دهد که: "از
 آرا و عقاید مقامات ارشد سازمان ها و حوزه های
 اجرایی، در خصوص موضوعات مرتبط با وظایف
 مأموران خود به صورت مکتوب آگاه شود."

اقدامات ایالتی و حزبی: قانون اساسی برای
 انتخاب رئیس جمهور مجموعه شرایط کلی را در
 نظر می گیرد و در آن نامی از احزاب سیاسی به
 میان نمی آید. اما قوانین ایالتی و فعالیت های احزاب
 سیاسی، نظام رأی دهی مبتنی بر قانون اساسی را به
 مبارزات و انتخابات امروزی تغییر داده است.
 قانون اساسی در پاسخ به نیازها و تقاضاهای
 فزاینده جامعه، کماکان دچار تغییر می شود. با این
 حال، روح و بیان قانون اساسی تا به امروز ثابت
 باقی مانده است. مردم هر عصر و زمان، مفاد آن
 را، چنان که خود معقول و منطقی می بینند، برای
 حل و فصل مشکلات خود به کار می گیرند.
 ویلیام ای گلدستون، سیاستمدار انگلیسی از
 قانون اساسی ایالات متحده به عنوان
 "خارق العاده ترین اثر برآمده از
 ذهن و مقصود آدمی در یک برهه
 زمانی خاص" یاد می کند. در دنیای
 پر کشمکش و پر تغییر امروز، مردم
 آمریکا هیچ داری پر ارزشی مگر این
 سند بزرگ ندارند. متن کامل قانون
 اساسی ایالات متحده و اصلاحیه های
 آن به همراه توضیحات کامل در صفحه
 بعد آورده شده است.



مدافعین دادن حق رأی به زنان در خیابان پنسیلوانیای واشنگتن دی سی در ۳ مارس
 ۱۹۱۳، راهپیمایی کردند. این راهپیمایی یکی از تظاهرات متعددی بود که طی سال ها
 برای به دست آوردن حق رأی زنان برپا شد. ساختمان کنگره آمریکا در پس زمینه دیده
 می شود.



این نقاشی هاروارد چندلر کریستی، مورخ سال ۱۹۴۰، نمایندگان را در مجمع ۱۷۸۷ فیلادلفیا در حال امضای قانون اساسی تازه نوشته شده نشان می دهد. این مردان اغلب پدران بنیانگذار نامیده می شوند.



نشان های ۱۳ ایالت (دایره ها)، به هم پیچیده با نشان بزرگ ایالات متحده آمریکا (بالا)، چهره جورج واشنگتن را در این حکاکی یادبود اثر آموس دولیتل احاطه کرده اند.

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

یادداشت‌های تکمیلی قانون اساسی ایالات متحده که در زیر آمده منعکس‌کنندهٔ املا و نحوهٔ کاربرد لغات به صورت اصلی است. بخش‌هایی که در گروه مشخص شده بخش‌های تغییر یافته یا به دلیل وجود متمم‌هایی، بخش‌های کنار گذاشته شده است.

ما مردم

ایالات متحده، برای تشکیل اتحادی کامل، برقراری عدالت، تضمین آرامش داخلی، تأمین قابلیت‌های دفاعی مشترک، ترویج رفاه عمومی، و تضمین نعمات آزادی برای خود و آیندگان، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا را تدوین و مقرر می‌کنیم.

اصل اول

ماده ۱

تمامی قدرت‌های قانونگذاری که در این جا اعطا گردیده، به کنگرهٔ ایالات متحده که متشکل از سنا و مجلس نمایندگان خواهد بود، واگذار می‌شود.

ماده ۲

مجلس نمایندگان متشکل از اعضای است که هر دو سال یک بار از سوی مردم ایالات مختلف انتخاب می‌شوند، و رأی‌دهندگان در هر ایالت باید واجد شرایط رأی‌دادن به پر تعدادترین شاخهٔ دستگاه قانونگذاری کشور باشند.

اشخاصی که دارای حد اقل ۲۵ سال سن نبوده و هفت سال از زمان تابعیت آن‌ها در ایالات متحده نگذشته است، نمی‌توانند به عضویت مجلس نمایندگان درآیند، و همین طور کسانی که، بعد از انتخاب شدن، در ایالتی که منتخب آن هستند، ساکن نباشند.

تعداد اعضای مجلس نمایندگان با تعداد افرادی که مالیات سرانه می‌پردازند باید در تناسب باشد [افرادی که به نسبت تعداد می‌توانند در این اتحاد حضور یابند، که شمار آن‌ها باید به تعداد کل اشخاص آزاد اضافه شود، از جمله کسانی که در خدمت دوساله هستند، و بدون احتساب سرخپوستان که مالیات نمی‌پردازند، و سه پنجم کل سایر افراد] شمارش فعلی باید تا سه سال بعد از تشکیل اولین جلسهٔ کنگرهٔ ایالات متحده صورت گرفته، و بعد از آن هر ده سال تکرار گردد، و چگونگی آن را قانون تعیین میکند. تعداد نمایندگان از یک نماینده برای هر ۳۰,۰۰۰ تن سکنه نباید تجاوز کند، اما هر ایالت دارای حد اقل یک نماینده است؛ و تا زمان انجام یافتن این شمارش، تعداد نمایندگان هر ایالت به شرح زیر خواهد بود، ایالت نیوهمپشایر مجاز به انتخاب سه نماینده، ماساچوست هشت، رود آیلند و پروویدنس پلانتیشنز یک، کانتیکات پنج، نیویورک شش، نیوجرسی چهار، پنسیلوانیا هشت، دلاور یک، مریلند شش، کارولینای شمالی پنج، کارولینای جنوبی پنج، و جورجیا سه.

در صورت خالی شدن کرسی نمایندگان ایالات، مقام مجریه دستور به برگزاری انتخابات برای جبران کرسی های خالی را می دهد.

مجلس نمایندگان، سخنگو و سایر مقامات مسئول خود را انتخاب می کند؛ و تنها دستگاهی است که دارای حق اعلام جرم یک مقام دولتی است.

ماده ۳

مجلس سنای ایالات متحده از دو سناتور به ازای هر ایالت تشکیل می شود. [که از سوی مجلس قانونگذاری و برای یک دوره شش ساله انتخاب می شوند؛ و هر سناتور دارای یک رأی است.]

آن ها بلافاصله بعد از اولین دور انتخابات باید تشکیل جلسه داده و باید به طور مساوی به سه طبقه تقسیم گردند. طبقه اول سناتور ها در پایان سال دوم خدمت، کرسی های خود را خالی می کنند، طبقه دوم سناتور ها در پایان سال چهارم، و طبقه سوم سناتور ها در پایان سال ششم؛ به این ترتیب، هر دو سال یک بار، برای انتخاب یک سوم از سناتور ها، مجدداً انتخابات برگزار می گردد؛ [و در صورتی که کرسی های خالی در پی استعفا یا غیر آن بر جای بماند، و این در دوره تعطیلی مجلس قانونگذاری ایالات باشد، تا تشکیل جلسه بعدی مجلس قانونگذاری، مقام اجرایی ایالت، برای پر کردن کرسی های خالی، اشخاصی را به طور موقت تعیین خواهد نمود.]

اشخاصی که دارای سی سال تمام نیستند و سابقه تابعیت آن ها در ایالات متحده کمتر از نه سال است و در زمان انتخاب به سناتوری در ایالت مربوط ساکن نباشند، نمی توانند سناتور شوند.

معاون رییس جمهور ایالات متحده، ریاست مجلس سنا را به عهده دارد اما دارای حق رأی نیست، مگر این که در موقع رأی گیری، تعداد آرا به صورت مساوی تقسیم شده باشد.

سنا می تواند در صورت غایب بودن معاون رییس جمهور، و یا انجام وظیفه به جای رییس جمهور، یک رییس موقت برای خود انتخاب نماید.

تنها سنا قدرت رسیدگی به پرونده های حقوقی مورد اتهام جرم را داراست: هنگامی که برای این مقصود جلسه تشکیل می دهند باید سوگند یاد کنند و یا شهادت بدون سوگند بدهند. اگر رییس جمهور ایالات متحده مورد محاکمه قرار گیرد، رییس دیوان عالی ریاست سنا را به عهده می گیرد: و بدون توافق دو سوم از اعضای حاضر در مجلس، کسی را نباید محکوم نمود.

رأی سنا در موارد اثبات اتهام نباید از انفصال از خدمت و سلب صلاحیت از تقبل سمت های دولتی و استفاده از مزایای دولتی ایالات متحده فراتر رود. اما فرد محکوم، طبق قانون مورد کیفرخواست، محاکمه، قضاوت و مجازات قرار خواهد گرفت.

ماده ۴

زمان، مکان و طریقه برگزاری انتخابات برای تعیین سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان در هر ایالت، از سوی مجلس قانونگذاری آن ایالت تعیین می گردد؛ اما طبق قانون، کنگره مجاز است در هر زمان این مقررات را تغییر داده یا مقررات دیگری تعیین کند، [مگر در محل مربوط به انتخاب سناتور ها].

کنگره باید حداقل یک بار در سال تشکیل جلسه دهد، [و این جلسه باید در اولین روز دوشنبه ماه دسامبر تشکیل گردد،] مگر طبق قانون، روز دیگری تعیین شود.

ماده ۵

هر یک از مجلسین، قضاوت در مورد چگونگی برگزاری انتخابات و تعیین صلاحیت اعضا را بر عهده دارد که هر یک با تشکیل جلسه ای با حضور اکثریت اعضا و رسیدن به حد نصاب این کار را انجام می دهد؛ اما تعداد کمتری از اعضا در حین مذاکرات می توانند حضور داشته باشند، و می توانند با استفاده از جرایم و مجازات هایی که هر یک از مجلسین خود تعیین می کند، اعضای غایب را مجبور به حضور نمایند.

هر یک از مجلسین می تواند صورت جلسات خود را وضع کرده و برای عدم رعایت نظم از سوی اعضای خود، مجازات هایی را در نظر بگیرد؛ و با حضور دو سوم از اعضا، نماینده ای را اخراج نماید.

هر یک از مجلسین باید گزارشی از صورت جلسه خود تهیه، آن را عیناً منتشر نماید، مگر در مورد مسائلی که به قضاوت آنان باید پوشیده بماند؛ و موارد موافقت و مخالفت اعضا، در صورت تمایل یک پنجم از حضار، در هر یک از دو مجلس باید در این گزارش گنجانیده شود.

هیچ یک از مجلسین در دوره کار کنگره نباید بدون موافقت دیگری بیش از سه روز تعطیل یا تشکیل جلسات آن به محل دیگری غیر از محل دو مجلس، انتقال یابد.

ماده ۶

سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان برای خدمات خود پاداشی دریافت می کنند که قانون آن را تعیین کرده و خزانه داری ایالات متحده آن را می پردازد. آن ها در همه موارد به غیر از خیانت، جنایت و برهم زدن صلح، از مصونیت باز داشت، هنگام حضور در مجلس یا هنگام رفتن به آن یا بازگشت از آن برخوردارند؛ آن ها به دلیل مباحث و سخنرانی های خود در هر یک از مجلسین، مورد سؤال قرار نمی گیرند.

هیچ یک از سناتور ها یا نمایندگان مجلس در زمان انتخاب در کنگره برای تصدی مقام دیگری تعیین نمی شود که درآمد و دستمزد بالاتری داشته باشد؛ و اشخاصی که در مناصب دیگر مشغول انجام وظیفه هستند، مجاز به عضویت در مجلس نمایندگان یا سنا در حین خدمت در سمت خود نیستند.

ماده ۷

قوانین مربوط به افزایش مالیات در مجلس نمایندگان به تصویب می رسد؛ اما سنا می تواند موافقت خود را با

آن اعلام یا مانند بقیه قوانین، متمم هایی به آن اضافه نماید.

هر لایحه ای که از مجلس نمایندگان و مجلس سنا گذشت، قبل از این که به قانون تبدیل شود باید از نظر رییس جمهوری ایالات متحده بگذرد؛ اگر او آن را تأیید کند به امضا می رسد، اما اگر تأیید نکند، همراه با ایرادات او به مجلسی که لایحه در آن تنظیم شده، عودت داده می شود که باید در گزارش آن ها قید گردد و در مورد آن تجدید نظر شود. اگر بعد از تجدید نظر، با موافقت دو سوم از اعضای آن مجلس تصویب گردد، همراه با ایرادات رییس جمهوری به مجلس دیگر فرستاده می شود که در آن جا نیز مورد تجدید نظر قرار گرفته و در صورتی که با رأی دو سوم از اعضا تصویب شود، به صورت قانون در می آید. در هر صورت، آرای هر دو مجلس با آری و نه مشخص می شود، و نام افرادی که له یا علیه آن رأی داده اند در صورت جلسه هر یک از مجلسین ثبت می گردد. هر لایحه ای که به رییس جمهوری ارائه شده و تا ده روز از سوی او برگشت داده نشود (به استثنای یکشنبه)، به منزله آن است که او آن را امضا نموده، تبدیل به قانون می گردد، مگر این که به علت دوره تعطیلی کنگره باز گشت داده نشود که در آن صورت به قانون تبدیل نمی شود.

هر حکم، قطعنامه یا رأیی که نیاز به توافق سنا و مجلس نمایندگان داشته باشد (مگر در مورد دوره تعطیلی) باید به استحضار رییس جمهوری ایالات متحده رسانده شود؛ و قبل از این که به اجرا درآید، باید از سوی او تأیید گردد، و یا اگر مورد تأیید او قرار نگیرد، طبق مقررات و محدودیت های مربوط به لوایح، باید از سوی دو سوم از اعضای سنا و مجلس نمایندگان مورد تصویب قرار گیرد.

ماده ۸

کنگره در موارد زیر اختیار دارد:

وضع و جمع آوری مالیات، حقوق گمرکی، مالیات بر واردات و مالیات غیر مستقیم، پرداخت دیون، تأمین بودجه تدافعی مشترک و تأمین رفاه عمومی ایالات متحده؛ اما میزان کلیه حقوق گمرکی، مالیات بر واردات و مالیات های غیر مستقیم باید در سراسر ایالات متحده یکسان باشد؛

در خواست وام به اعتبار ایالات متحده؛

تنظیم تجارت با کشورهای خارجی، و میان ایالات متعدد، و با قبایل سرخپوستان؛

ایجاد قوانین یکسان بر ای تابعیت، و قوانین یک شکل در مورد ورشکستگی در سراسر ایالات متحده؛

ضرب سکه [و چاپ اسکناس]، تعیین ارزش آن و ارزش ارز خارجی، و تثبیت استاندارد مربوط به اوزان و مقیاسات؛

اعمال مجازات در موارد جعل اسناد و پول رایج ایالات متحده؛

ایجاد دفاتر پستی واحداث راه ها؛

ترویج پیشرفت علم و هنرهای کاربردی، از طریق تضمین حفظ حقوق معنوی نوشته ها و اختراعات برای نویسندگان و مخترعان؛

ایجاد دادگاه های بدوی؛

تشخیص حدود دزدی های دریایی و جنایاتی که در آب های بین المللی صورت می گیرد، و ارتکاب جرم بر علیه قوانین کشورها، و مجازات آن؛

اعلام جنگ، اعطای مجوز ورود به جنگ و اقدامات تلافی جویانه، و تعیین مقررات بازداشت در دریا و خشکی؛

تشکیل ارتش و حمایت از آن، اما اختصاص پول به آن امر نباید از دو سال طولانی تر شود؛

ایجاد و نگه داری نیروی دریایی؛

تهیه قوانین مربوط به اداره و مقررات نیروهای زمینی و دریایی؛

فراخوان نیروهای شبه نظامی برای به اجرا درآوردن قوانین کشور، سرکوب شورش و دفع تهاجم؛

تأمین تشکل، مسلح کردن و انضباط نیروهای شبه نظامی، و اداره بخشی از آنان که به خدمت ایالات متحده در می آیند، و تعیین افسران و اختیار تربیت و آموزش نیروهای شبه نظامی طبق مقررات مصوب کنگره، به ایالات سپرده می شود؛

اختیار انحصاری در اجرای قانون در این منطقه (که فراتر از ۱۰ مایل مربع نمی رود) که با واگذاری بخش هایی از برخی ایالات و پذیرفتن کنگره صورت می گیرد، مقرر دولت ایالات متحده خواهد بود، و در کلیه مکان هایی که برای ایجاد و برپایی قلعه های نظامی، پایگاه های دریایی، انبار مهمات، زرادخانه، تعمیرگاه کشتی، و سایر بناهای مفید در نظر گرفته می شود، اعمال قدرت و نفوذ دارد؛ و

ایجاد و وضع کلیه قوانین ضروری و مناسب برای به اجرا درآوردن این اختیارات، و دیگر اختیاراتی که از سوی این قانون اساسی به کنگره واگذار گردیده در مورد دولت ایالات متحده یا هر اداره و مقام آن.

ماده ۹

مهاجرت یا وارد کردن این گونه اشخاص در صورتی که ایالات فعلی آن را قبول دارند، نباید از سوی کنگره تا قبل از سال یک هزار و هشتصد و هشت ممنوع اعلام گردد، اما مجاز است مالیات یا عوارض گمرکی

برای وارد کردن این اشخاص در نظر گرفته شود که از ۱۰ دلار تجاوز نکند.

امتیاز داشتن حکم احضار به دادگاه نباید معلق شود، مگر هنگام شورش یا هجوم که مستلزم امنیت عمومی گردد.

هیچ لایحه ای برای محرومیت از حقوق اجتماعی یا قانونی که عطف به ما سبق نماید، نباید تصویب گردد.

هیچ مالیات سرانه ای [یا سایر مالیات های مستقیم] وضع نمی شود، مگر در تناسب با سرشماری یا شمارش برای اخذ آن.

کالاهای صادره از ایالات، مشمول پرداخت مالیات و حقوق گمرکی نیستند.

مقررات تجارت یا مالیات نباید امتیازی برای یک ایالت در برابر دیگر ایالات منظور کند: و کشتی هایی که روانه ایالتی می شوند یا از ایالتی می آیند، مشمول پرداخت مالیات نیستند.

هیچ پولی از خزانه بیرون آورده نمی شود، مگر قانون مجوز آن را صادر کرده باشد؛ و گزارش منظم دریافت ها و پرداخت ها از محل بودجه دولتی هر چند گاهی باید منتشر شود.

عناوین نجیب زادگی و اشراف زادگی از سوی ایالات متحده اعطا نمی شود: و هیچ شخصی مادامی که مسئولیت مقامی را به عهده دارد نباید بدون موافقت کنگره به پذیرفتن هر گونه هدیه، پول، مقام یا عنوان از سوی شاه، شاهزاده یا دولت خارجی مبادرت نماید.

ماده ۱۰

ایالات حق ورود به پیمان، اتحادها یا کنفدراسیون؛ اعطای مجوز ورود به جنگ و اقدامات تلافی جویانه؛ ضرب سکه؛ صدور اسناد اعتباری؛ پرداخت بدهی با غیر از طلا یا نقره؛ تصویب لایحه برای محرومیت از حقوق اجتماعی یا قانونی که عطف به ما سبق نماید؛ یا قانونی برای مخدوش کردن تعهدات قراردادهای، یا اعطای عناوین نجیب زادگی را ندارند.

هیچ ایالتی حق ندارد بدون موافقت کنگره به وضع مالیات پرداخته یا برای واردات و صادرات مطالبه حقوق گمرکی نماید، مگر این که برای اجرای قوانین بازرسی، ضروری باشد؛ سود خالص ناشی از حقوق گمرکی و مالیات که از سوی ایالت وضع شده و به صادرات و واردات تعلق می گیرد، به استفاده خزانه داری ایالات متحده می رسد؛ و کلیه این قوانین باید توسط کنگره کنترل و باز بینی شوند.

ایالات بدون موافقت کنگره مجاز به درخواست مالیات کرایه، داشتن ارتش یا کشتی های جنگی در زمان صلح، ایجاد توافقات یا پیمان با سایر ایالات یا یک قدرت خارجی، یا درگیری در جنگ، مگر این که مورد تجاوز قرار گرفته باشند، یا در برابر خطری که صبر مجاز نباشد، قرار داشته باشند، نیستند.

اصل دوم

ماده ۱

قدرت اجرایی به رییس جمهور ایالات متحده آمریکا سپرده می شود. او در یک دوره چهار ساله، عهده دار وظیفه خود است، و به همراه معاون خود، که او هم برای یک دوره چهار ساله انتخاب می شود، به طریقه زیر انتخاب می شود:

هر ایالت، طبق قوانینی که مجلس قانونگذاری آن تعیین می کند، تعدادی از رأی دهندگان را تعیین می کند، که این تعداد برابر تعداد کل سناتور ها و اعضای مجلس نمایندگان هستند که از سوی آن ایالت به کنگره فرستاده خواهند شد؛ اما افرادی که سناتور یا نماینده مجلس هستند، یا دارای مشاغل و مناصب دولتی می باشند، به عنوان رأی دهنده تعیین نمی شوند.

[رأی دهندگان در ایالات خود گرد هم می آیند و با استفاده از برگه های رأی به دو تن رأی می دهند، که حد اقل یکی از آن ها نباید ساکن آن ایالت باشد. آن ها فهرستی از افرادی که به آن ها رأی داده می شود و همین طور تعداد رأی کسب شده، تهیه می کنند؛ این فهرست از سوی آن ها امضا و تأیید می شود، و بعد از مهر و موم شدن به مقر دولت ایالات متحده ارسال و تسلیم رییس مجلس سنا می گردد. رییس مجلس سنا، در حضور سناتور ها و اعضای مجلس نمایندگان، این گواهی را گشوده و رأی آن شمارش می شود. شخصی که دارای بیشترین تعداد آراست، به ریاست جمهوری انتخاب می شود، این در صورتی است که تعداد رأی او، اکثریت کل رأی رأی دهندگان تعیین شده باشد؛ در صورتی که دو نفر حائز اکثریت آرا بوده و تعداد رأی آن ها مساوی باشد، مجلس نمایندگان بلافاصله و با استفاده از برگه های رأی گیری یکی از آن دو را به ریاست جمهوری انتخاب می کند؛ و چنان چه هیچ کس دارای اکثریت آرا نباشد، مجلس نمایندگان به طریقی که توضیح داده شد، از میان پنج نفر اول که دارای بیشترین تعداد آرا هستند، به انتخاب رییس جمهور می پردازد. اما در انتخاب رییس جمهور، رأی گیری توسط ایالات انجام می شود، به این ترتیب که نماینده هر ایالت دارای یک رأی است؛ حد نصاب برای این مقصود، حضور عضو یا اعضای منتخب دو سوم از ایالات است، و اکثریت ایالات برای انتخاب ضرورت دارد. به هر جهت، بعد از انتخاب رییس جمهور، فردی که دارای بالاترین تعداد رأی رأی دهندگان است، به عنوان معاون رییس جمهور انتخاب می شود. اما در صورتی که دو نفر یا بیشتر رأی برابر داشته باشند، سنا از طریق برگه های رأی گیری به انتخاب معاون رییس جمهوری مبادرت می کند.]

کنگره زمان گزینش هیئت انتخابی، و روز رأی دادن را تعیین می کند؛ چنین روزی در سراسر ایالات متحده، یک روز واحد است.

هیچ کس مگر افرادی که در ایالات متحده متولد شده یا در زمان به اجرا درآمدن این قانون اساسی شهروند ایالات متحده بوده اند، واجد شرایط به عهده گرفتن ریاست جمهوری، نیست؛ افرادی که دارای سی و پنج سال تمام نبوده و کمتر از چهارده سال در ایالات متحده اقامت داشته اند نیز واجد شرایط احراز این مقام نیستند.

در صورت برکناری رییس جمهوری، یا فوت او، یا استعفای او یا عدم توانایی در تقبل وظایف و اختیارات این مقام، معاون رییس جمهوری جایگزین او می شود، و کنگره طبق قانون در صورت برکناری، فوت، استعفا یا عدم توانایی هر یک از این دو مقام، اعلام می کند کدام شخصیت باید به عنوان رییس جمهوری و بر همان قرار انجام وظیفه کند، تا زمانی که ناتوانی برطرف شده و رییس جمهوری دیگری انتخاب گردد.

رییس جمهوری، در مواقع معین، پاداشی برای خدماتی که ارائه می دهد، دریافت می دارد، مبلغ این پاداش در دوران ریاست جمهوری او نه کاهش و نه افزایش می یابد، و او در دوران خدمت خود به عنوان رییس جمهوری مجاز نیست از حق الزحمه دیگری از سوی ایالات متحده برخوردار شود.

قبل از آغاز به کار، او باید این گونه سوگند یاد کند: "من سوگند یاد می کنم (یا شهادت می دهم) که با وفاداری به عنوان رییس جمهوری ایالات متحده انجام وظیفه کرده، و در نهایت قابلیت، به صیانت، حمایت و دفاع از قانون اساسی ایالات متحده بپردازم."

ماده ۲

رییس جمهوری، زمانی که به خدمت ایالات متحده گماشته می شود، فرمانده کل قوا و نیروی دریایی ایالات متحده، و نیروهای شبه نظامی ایالات متعدد است؛ او مجاز است نظر کتبی مقامات اصلی هر یک از بخش های اجرایی در مورد هر موضوعی که مربوط به انجام وظایف آن ها می شود را درخواست نماید. او دارای قدرت لغو حکم اعدام و اعطای عفو در مواردی است که جرمی علیه ایالات متحده واقع شده، مگر در موارد اتهام یک مقام دولتی.

او با صلاحدید و مشورت سنا، و کسب دو سوم آرای موافق نمایندگان حاضر، اختیار عقد معاهدات را دارد؛ او با صلاحدید و مشورت سنا اختیار تعیین سفیران، قضات دیوان عالی، و سایر مقامات ایالات متحده را که انتصاب آن ها به صورت دیگری ممکن نیست، را داراست. اما کنگره می تواند طبق قانون، اختیار انتصاب مقامات جزء، مانند مقامات دادگاه ها و رؤسای وزارت خانه ها را تنها به او بدهد.

رییس جمهوری اختیار دارد در دوره تعطیلی سنا، با مأموریت دادن به اشخاصی به صلاحدید خود کرسی های خالی سنا را پر کند، اما این افراد در پایان دوره کار سنا، کرسی خود را از دست می دهند.

ماده ۳

او هر چند یک بار موظف است وضعیت کشور را به کنگره گزارش دهد، و از توصیه ها و نظرات آنان در مواقعی که مقتضی شناخته شود، استفاده نماید؛ او در مواقع استثنایی می تواند دستور به تشکیل هر دو مجلس، یا هر یک از آن ها را بدهد، و در صورت عدم توافق میان آن ها، با در نظر گرفتن زمان تعطیلی موقت، می تواند برای تأمل بیشتر، آن ها را برای مدتی موقت تعطیل اعلام نماید؛ رییس جمهور اختیار پذیرفتن سفرا و سایر نمایندگان دولتی را دارد؛ او باید مراقب اجرای دقیق قوانین باشد؛ او اختیار دارد به همه مأموران دولت اختیارات لازم را داده و وظایفی به آن ها محول کند.

ماده ۴

رئیس جمهوری، معاون رئیس جمهوری و کلیه مقامات ایالات متحده در صورت اتهام و یا محکومیت به خیانت، قبول رشوه، یا سایر جرم ها و خطا های سنگین، از کار بر کنار می شوند.

اصل سوم

ماده ۱

اختیارات قوه قضاییه ایالات متحده به دیوان عالی، و دادگاه های بدوی که کنگره به تشکیل و ایجاد آن ها مبادرت می کند، سپرده می شود. قضات دیوان عالی و دادگاه های بدوی تا زمانی که کار خلافی از آن ها سر نزنند در مقام خود ابقا می شوند؛ آن ها در فواصل زمانی تعیین شده، از دستمزد خدمات خود برخوردار می شوند که در طول خدمت آن ها نباید از میزان آن کاسته شود.

ماده ۲

قوه قضاییه در همه موارد تحت قانون ایالات متحده و مساوات در برابر قانون که در محدوده این قانون اساسی قید شده، عمل می کند، و این موارد شامل معاهدات منعقد شده، معاهداتی که بعداً منعقد می شود، موارد مربوط به سفیران، سایر نمایندگان و کنسولها، موارد مربوط به فرماندهی نیروی دریایی و حوزه قضایی دریایی، اختلافاتی که یکی از طرفین را ایالات متحده تشکیل می دهد، اختلافات میان دو یا چند ایالت، [میان یک ایالت و شهروندان ایالت دیگر]، میان شهروندان ایالات مختلف، میان شهروندان یک ایالت که ادعای مالکیت زمین های تحت اختیار ایالتی دیگر را دارند، و میان یک ایالت و شهروندان آن با دول خارجی، [شهروندان یا تبعه های آن]، می شود.

در مواردی که مربوط به سفیران، نمایندگان دولتی و کنسول ها می شود، و در مواردی که یکی از طرفین دعوا را ایالت تشکیل می دهد، دیوان عالی دارای صلاحیت قضایی است. در سایر مواردی که قبلاً ذکر شد، دیوان عالی، در محدوده استثناها و مقرراتی که از سوی کنگره تعیین می شود، بعد از دادگاه های بدوی اظهار نظر می کند.

محاکمه کلیه جرائم، به استثنای اتهام یک مقام دولتی، باید با حضور هیئت منصفه انجام گیرد؛ این محاکمه در ایالتی برگزار می شود که جرم در آن وقوع یافته است؛ اما اگر در هیچ یک از ایالات واقع نشده باشد، محاکمه در مکان یا مکان هایی برگزار می شود که کنگره از طریق قانون تعیین کند.

ماده ۳

خیانت به ایالات متحده، به معنای جنگیدن علیه آن، یا پیوستن به صفوف دشمن، و کمک به آن است. هیچ کس مگر با شهادت دو شاهد بر انجام گرفتن خیانت، یا اعتراف به آن در دادگاه علنی، نباید محکوم به خیانت گردد.

کنگره اختیار تعیین مجازات برای فرد محکوم به خیانت را دارد، اما محکومیت فرد خطاکار به بستگان او بسط نمی یابد، و فقط متوجه او در زمان حیاتش می شود.

اصل چهارم

(بخش های متعددی از این اصل، واژه به واژه از اصول کنفدراسیون اقتباس شده است)

ماده ۱

ایالات باید قوانین و مصوبات، اسناد و مدارک، و حکم های قضایی یک دیگر را محترم بدانند. و کنگره با استفاده از قوانین، توضیح می دهد که این مصوبات، اسناد و مدارک و احکام چگونه اثبات پذیر هستند.

ماده ۲

شهروندان هر ایالت دارای امتیازات و مصونیت شهروندان دیگر ایالات هستند.

اگر شخصی در یکی از ایالات به خیانت، جنایت یا جرم های دیگر محکوم شده و از دست قانون بگریزد، و در ایالت دیگری دستگیر شود، باید طبق درخواست مقام اجرایی ایالتی که از آن گریخته است، به ایالتی که جرم در محدوده قضایی آن واقع شده، تحویل داده شود.

[هیچ فردی که به کار و خدمت در ایالتی، و تحت قوانین آن ایالت اشتغال دارد، در صورتی که به ایالتی دیگر بگریزد مجاز نیست که طبق قوانین و مقررات ایالت دوم، از کار و خدمتش منفصل گردد، بلکه باید به طرف مدعی این کار و خدمت، مسترد شود.]

ماده ۳

اعطای مجوز ورود ایالات جدید در اتحادیه، با کنگره است؛ اما هیچ ایالت جدیدی نباید در حوزه قضایی ایالات دیگر شکل بگیرد؛ یا ایالتی از الحاق دو یا چند ایالت، یا بخش هایی از ایالات، بدون موافقت و تأیید مجالس قانونگذاری ایالات مربوط و همین طور کنگره، تشکیل شود.

کنگره دارای اختیار وضع یا لغو قوانین و مقررات مربوط به سرزمین و مایملک ایالات متحده است؛ و این قانون اساسی نباید طوری تعبیر گردد که در مورد ادعای ایالات متحده یا هر کدام از ایالات موجب پیش داوری گردد.

ماده ۴

ایالات متحده برای هریک از ایالات خود متضمن یک دولت جمهوری است، و از آن ها در برابر تهاجمات دفاع می کند؛ و برای رویارویی با خشونت های داخلی از طریق قوه قانونگذاری یا مجریه (در صورتی که مجلس قانونگذاری تشکیل نشود) اقدام می کند.

اصل پنجم

کنگره هنگامی که دو سوم از نمایندگان هر دو مجلس ضروری تشخیص دهند، صلاحیه هایی به قانون اساسی اضافه خواهد کرد، یا در به اجرا درآوردن قوانین دو سوم از ایالات، برای پیشنهاد متمم ها، کنوانسیون تشکیل می دهد که در هر دو حال، زمانی که از سوی سه چهارم از قانونگذاران ایالات، یا توسط

سه چهارم از کنوانسیون های تشکیل شده در ایالات، هر طور که کنگره دستور دهد، تصویب شود، از هر لحاظ معتبر بوده و بخشی از این قانون اساسی شمرده می شود؛ به شرطی که [متمم هایی که قبل از سال یک هزار و هشتصد و هشت تصویب می شوند، شامل بندهای اول و چهارم ماده نهم در اصل اول نباشند؛ و] هیچ ایالتی بدون موافقت خود از حق رأی برابر در سنا محروم نشود.

اصل ششم

کلیه بدهی ها و تعهداتی که قبل از تصویب این قانون اساسی تنظیم شده اند، طبق این قانون اساسی و طبق اصول کنفدراسیون، معتبر هستند.

قانون اساسی، و قوانین ایالات متحده که با رعایت آن وضع می شود، و تحت اختیارات ایالات متحده، همه پیمان های منعقد و یا آن هایی که بعداً منعقد می گردد؛ و قضات هر ایالت محدود به همان ایالت هستند، و هر مورد در قانون اساسی یا قوانین هر ایالت، مطیع قانون اساسی که قانون برتر کشور است، هستند.

سناتورها و نمایندگان که قبلاً به آنها اشاره شد، و اعضای مجالس قانونگذاری ایالات، و کلیه مقامات اجرایی و قضایی ایالات متحده و ایالات، باید در حمایت از این قانون اساسی سوگند یاد کنند؛ اما برای تعیین صلاحیت مقامات ایالات متحده هیچ آزمایش مذهبی جایز نیست.

اصل هفتم

تصویب کنوانسیون نه ایالت، برای تثبیت این قانون اساسی میان ایالاتی که آن را به تصویب رسانده اند بسنده می کند.

کلمه "the" که میان خطوط هفتم و هشتم صفحه اول نوشته شده، کلمه "Thirty" که بخشی از آن در پاک شدگی خط پانزدهم صفحه اول است. کلمات "is tried" در میان خطوط سی و دوم و سی و سوم صفحه اول و کلمه "the" در میان خطوط چهل و سوم و چهل و چهارم صفحه دوم نوشته شده است.

به گواهی ویلیام جکسون، منشی

تنظیم شده در کنوانسیون به اتفاق آرای ایالات حاضر در روز هفدهم سپتامبر سال میلادی یک هزار و هفتصد و هشتاد و هفت و استقلال ایالات متحده آمریکا دوازدهمین

به عنوان شاهد ما در این جا اسامی خود را ثبت می کنیم،

جورج واشنگتن - رئیس جمهوری و نماینده ویرجینیا

دلاور

جورج رید - Geo: Read
گانینگ بدفورد جونیور -

Gunning Bedford jun

جان دیکینسون - John Dickinson

ریچارد باست - Richard Bassett

جکوب بروم - Jaco: Broom

مریلند

جیمز مک هنری - James McHenry

دان اف سنت توماس جنیفر -

Dan of St Thos. Jenifer

دانیل کارول - Danl Carroll

ویرجینیا

جان بلر - John Blair

جیمز مدیسون جونیور - James Madison Jr

کارولینای شمالی

ویلیام بلونت - Wm. Blount

ریچارد دوبز اسپیت - Richd. Dobbs Spaight

هیو ویلیامسون - Hu Williamson

کارولینای جنوبی

جان روتلج - J. Rutledge

چارلز کوتسورت پینکنی -

Charles Cotesworth Pinckney

چارلز پینکنی - Charles Pinckney

پیرس باتلر - Pierce Butler

جورجا

ویلیام فیو - William Few

ابراهام بالدوی - Abr Baldwin

نیوهمشایر

جان لنگدون - John Langdon

نیکلاس گیلمن - Nicholas Gilman

ماساچوست

ناتانیل گورهام - Nathaniel Gorham

روفوس کینگ - Rufus King

کاتیکات

ویلیام ساموئل جانسون -

Wm. Saml. Johnson

راجر شرمن - Roger Sherman

نیویورک

الکساندر هامیلتون - Alexander Hamilton

نیوجرسی

ویلیام لیوینگ استون - Wil: Livingston

دیوید بریرلی - David Brearley

ویلیام پاترسون - Wm. Paterson

جانانان دیتون - Jona: Dayton

پنسیلوانیا

بنجامین فرانکلین - B Franklin

توماس میفلین - Thomas Mifflin

رابرت موریس - Robt Morris

جورج کلایمر - Geo. Clymer

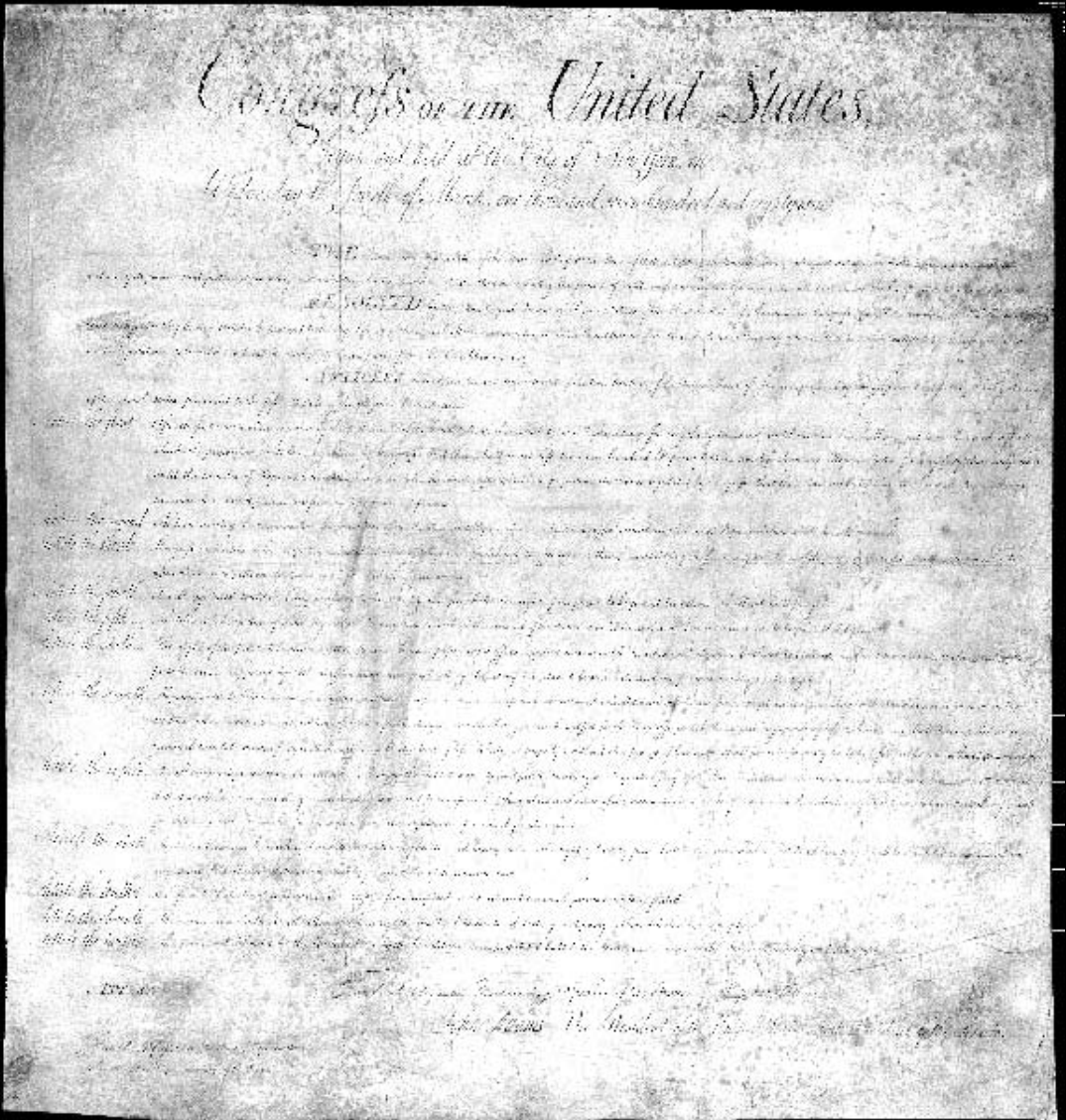
توماس فیتزسیمونز - Thos. FitzSimons

جارد اینگرسول - Jared Ingersoll

جیمز ویلسون - James Wilson

فرماندار موریس - Gouv Morris

همانطور که در اینجا نشان داده شده، منشور حقوق شهروندی در ابتدا شامل ۱۲ ماده بود، ولی ایالات تنها ۱۰ عدد از آنها را تصویب کردند.



اعلامیه حقوق

۱۰ اصلاحیه نخستین قانون اساسی که به اعلامیه حقوق معروفند، در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۱۷۸۹ طرح و در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱ از تصویب گذشتند. این اصلاحیه ها در ابتدا تنها برای دولت مرکزی (فدرال) محدودیت هایی به وجود آوردند. اما در اصلاحیه چهاردهم اعلام شده که هیچ ایالتی بدون ”انجام مراحل قانونی مقتضی“ حق سلب آزادی، مالکیت و زندگی از افراد را ندارد. تعبیر دادگاه عالی از این اصلاحیه اینگونه است که بخش اعظم اعلامیه حقوق برای ایالات و نیز دولت های محلی آنان محدودیت هایی ایجاد می کند.

اصلاحیه های قانون اساسی ایالات متحده

(منشور حقوق: اصلاحیه ۱ تا ۱۰)

مقدمه ای بر منشور حقوق

کنگره ایالات متحده

در شهر نیویورک در روز چهارشنبه، چهارم مارس یک هزار هفتصد و هشتاد و نه آغاز و برگزار شد.

گردهمایی تعدادی از ایالت ها، در هنگام پذیرش قانون اساسی، به منظور جلوگیری از ساختار غلط و یا سوء استفاده از قدرت نهاده در آن، ابراز تمایل کردند که عبارت های بازدارنده و گویای بیشتری به آن افزوده شود: و به منظور وسعت بخشیدن به زمینه های اعتماد عمومی، در جهت منافع کسانی که از آن سود می برند.

در کنگره، دو سوم مجلس نمایندگان و سنا گرد هم آمدند و این قانون را به تصویب رساندند که اصول زیر را می توان به قانونگذاران در چند ایالت به عنوان اصلاحیه های قانون اساسی ایالات متحده پیشنهاد نمود که بر اساس آن، همه یا برخی از این اصول در صورتی که به وسیله سه چهارم قانونگذاران به تصویب برسند، در برابر تمامی اهداف و مقاصد به عنوان بخشی از قانون اساسی معتبر خواهند بود.

اصول افزوده شده بر قانون اساسی ایالات متحده آمریکا و اصلاحیه ها که توسط کنگره پیشنهاد شد و به تصویب قانونگذاران چند ایالت رسید، ادامه اصل پنجم قانون اساسی نخستین است.

اصلاحیه شماره ۱

کنگره در خصوص استقرار مذهب، سلب پیروی آزادانه از آن، یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات، یا حق افراد در برگزاری اجتماعات آرام، و دادخواهی مردم از حکومت برای جبران خسارات، حق قانونگذاری ندارد.

اصلاحیه شماره ۲

از وجود يك نیروی منظم شبه نظامی ضروری برای امنیت ایالت آزاد و نیز حق مردم برای حمل و نگهداری اسلحه جلوگیری به عمل نمی آید.

اصلاحیه شماره ۳

هیچ سربازی چه در زمان صلح چه در زمان جنگ بدون رضایت صاحب خانه نمی تواند در خانه ای سکنی گزیند، مگر قانون اجازه این عمل را داده باشد.

اصلاحیه شماره ۴

حق مصونیت اشخاص به صورت فردی، در خانه، در نامه ها، اوراق و اسناد آنان و مصونیت دارایی های آنان به واسطه تفتیش و توقیف غیر موجه نباید مورد تعرض قرار گیرد، و هیچ حکمی نباید در این خصوص صادر گردد مگر بر پایه دلیلی محتمل و متکی به سوگند و یا تائید رسمی و به ویژه با شرح و توضیح در باره محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شوند.

اصلاحیه شماره ۵

هیچ شخصی به سبب ارتکاب جرم سنگین یا به نحو دیگری ناهنجار، گناهکار شناخته نخواهد شد، مگر بر اساس کیفر خواست یا اعلام جرم هیئت عالی منصفه، مگر در موارد مربوط به نیروهای زمینی، دریایی یا نیروهای شبه نظامی که عملاً در حال خدمت در زمان جنگ یا مخاطرات عمومی باشند. همچنین هیچ کس برای يك جرم دوبار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ کس در هیچ مورد کیفری به اقرار به تخلف خود مجبور نمی شود، و هیچکس بدون طی مراحل قانونی مقتضی از حق زندگی، آزادی و دارایی خویش محروم نخواهد شد. همچنین اموال خصوصی افراد بدون پرداخت غرامت عادلانه برای استفاده عمومی مصادره نمی شود.

اصلاحیه شماره ۶

در تمامی دادرسی های کیفری، متهم از حق محاکمه سریع و علنی توسط هیئت منصفه ای بی طرف از ایالت و منطقه ای که جرم در آن رخ داده برخوردار است، منطقه مذکور باید پیشاپیش از سوی قانون تعیین شده باشد، وی همچنین از حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام خود، حق مواجهه با شهودی که علیه وی شهادت می دهند، داشتن وقت و امکان لازم جهت احضار شهود به نفع خود، و داشتن وکیل به منظور دفاع از خود برخوردار است.

اصلاحیه شماره ۷

در دعاوی مربوط به حقوق غیرمدون، زمانی که که ارزش موضوع مورد اختلاف بیش از بیست دلار باشد، حق دادرسی از سوی هیئت منصفه محفوظ است و هر جرمی که مورد رسیدگی هیئت منصفه قرار گیرد، در هیچ دادگاه دیگری در ایالات متحده به هر روش دیگری مورد رسیدگی مجدد قرار نخواهد گرفت مگر بر اساس موازین ناشی از حقوق غیرمدون.

اصلاحیه شماره ۸

دریافت وجه الضمان سنگین، جزای نقدی بیش از حد معمول و یا مجازات ناعادلانه یا غیر متعارف مجاز نیست.

اصلاحیه شماره ۹

برشمردن برخی حقوق در قانون اساسی به مفهوم نفی یا انکار سایر حقوق مردم نیست.

اصلاحیه شماره ۱۰

اختیاراتی که به موجب قانون اساسی به ایالات متحده اعطا نگشته و یا برای ایالات ممنوع نشده باشد، به ترتیب برای ایالات و یا برای مردم محفوظ خواهد ماند.

اصلاحیه شماره ۱۱ (۱۷۹۵)

اختیارات قضایی ایالات متحده به مفهوم تجاوز از حدود و سوء استفاده در دعوی قانونی از سوی شهروندان یک ایالت دیگر یا یک دولت خارجی علیه شهروندان ایالات متحده نیست.

اصلاحیه شماره ۱۲ (۱۸۰۴)

رای دهندگان در ایالات متبوع خود گرد هم می آیند و با رای خود، رئیس جمهوری و معاون وی را که حداقل یکی از آن دو از اهالی ایالت رای دهنده نباشد، انتخاب می کنند. رای دهنده در يك برگه، نام شخصی که به عنوان رئیس جمهوری و در برگه ای دیگر نام شخصی که به عنوان معاون رئیس جمهوری مد نظر دارد قید می کند. فهرستی از اسامی کسانی که به عنوان رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری به آنان رای داده می شود همراه با تعداد آراء هر يك تهیه و با امضا و گواهی، مهور شده به مهر حکومت ایالات متحده به رئیس مجلس سنا ارسال می گردد. رئیس سنا در حضور اعضای سنا و مجلس نمایندگان همه تائیدیه را می گشاید و سپس آرا شمارش می شوند. شخصی که بیشترین تعداد آراء را برای تصدی ریاست جمهوری به دست آورده، به عنوان رئیس جمهوری معرفی می شود، مشروط بر آنکه وی اکثریت مجموع آراء تمامی رای دهندگان تعیین شده را به دست آورده باشد. چنانچه هیچ فردی حائز اکثریت آراء نباشد، در فهرست کسانی که به آنان به عنوان رئیس جمهوری رای داده شده است، و از میان حداکثر سه نفر که بالاترین تعداد آراء را به دست آورده اند، مجلس نمایندگان بی درنگ با رای گیری رئیس جمهوری را انتخاب می کند. اما در انتخاب رئیس جمهوری باید از ایالات رای گیری شود و نماینده هر ایالت دارای يك رای است. حد نصاب لازم برای این منظور حضور عضو یا اعضای دو سوم همه ایالات است و رای اکثریت تمام ایالات برای این انتخاب ضروری است. اگر مجلس نمایندگان هنگامی که حق انتخاب به آن تفویض می شود (تا روز چهارم ماه مارس

بعد) رئیس جمهوری را انتخاب نکند، به موجب قانون اساسی، معاون رئیس جمهوری همانند مواقع فوت یا سایر ناتوانی های ذکر شده در قانون اساسی، به عنوان جانشین رئیس جمهور انجام وظیفه خواهد کرد. فردی که بیشترین تعداد آراء را به عنوان معاون رئیس جمهوری به دست آورده باشد، دارای این سمت خواهد شد، و چنانچه هیچ کس حائز چنین اکثریتی نشود، مجلس سنا از میان دو نفر از دارندگان بیشترین آراء مربوط به مقام معاونت رئیس جمهوری، يك نفر را انتخاب خواهد کرد. حد نصاب لازم برای این منظور حضور دو سوم از کل اعضای سنا است. برای این انتخاب اکثریت کل آرا ضروری است. اما فردی که از نظر قانون اساسی برای مقام ریاست جمهوری دارای صلاحیت نباشد، برای سمت معاونت ریاست جمهوری ایالات متحده نیز دارای صلاحیت نیست.

اصلاحیه شماره ۱۳ (۱۸۶۵)

بخش ۱

در ایالات متحده یا هر مکان دیگری در حوزه قضایی آن، بردگی و کار اجباری جز به عنوان مجازات جرمی که شخص طبق قانون بدان محکوم شده باشد، مجاز نخواهد بود.

بخش ۲

کنگره با تصویب قوانین مقتضی، قدرت اجرای این اصل را دارا خواهد بود.

اصلاحیه شماره ۱۴ (۱۸۶۸)

بخش ۱

تمام کسانی که در ایالات متحده متولد شده اند یا تابعیت آن را دارا هستند و شامل قوانین قضایی آن می گردند، تبعه ایالات متحده و ایالت محل اقامتشان محسوب می شوند. هیچ ایالتی قانونی را وضع یا اعمال نخواهد کرد که امتیازات یا مصونیت های اتباع ایالات متحده را کاهش دهد. هیچ ایالتی بدون طی مراحل قانونی مقتضی، فردی را از حق زندگی، آزادی، و یا مالکیت، و نیز، برخورداری از حمایت مساوی قانون محروم نمی کند.

بخش ۲

تعداد کل افراد يك ایالت به جز سرخپوستان معاف شده از مالیات، تعیین کننده تعداد نمایندگان آن ایالت هستند. اما هر گاه در انتخابات گزینش هیئت انتخاب کنندگان رئیس جمهوری، معاون رئیس جمهوری ایالات متحده، نمایندگان کنگره، مقامات اجرایی و قضایی يك ایالت، یا اعضای مجلس قانونگذاری آن، حق رای مردان بیست و یکساله تبعه ایالات متحده که ساکن ایالتی هستند به هر طریق سلب شود، به جز در موارد مربوط به شرکت در شورش یا سایر جرایم، تعداد نمایندگان به نسبت تعداد مردان آن ایالت، به تعداد کل مردان بیست و يك ساله در این ایالت کاهش می یابد.

بخش ۳

شخصی که به عنوان یکی از مقامات ایالات متحده یا به عنوان عضو مجلس قانونگذاری يك ایالت یا در مقام

يك مسئول اجرائی یا قضایی ایالتی، برای حمایت از قانون اساسی ایالات متحده قبلاً سوگند ادا کرده باشد، ولی بعداً علیه ایالت خود شورش کند یا به دشمنان وابسته آن یاری دهد، نمی تواند به عنوان نماینده سنا یا نماینده کنگره یا عضو هیئت انتخاب کننده رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری انتخاب شود، یا هر گونه سمت کشوری و لشکری را در ایالات متحده یا در هر يك از ایالات آن تصدی کند. هر چند کنگره می تواند با رای دو سوم اعضای هر يك از دو مجلس، به عدم صلاحیت فرد مذکور پایان دهد.

بخش ۴

قوت قانونی بدهی های عمومی ایالات متحده که قانون مجاز شناخته است، از جمله بدهی های ناشی از پرداخت حقوق بازنشستگی و جبران اعتبارات مربوط به سرکوب شورش یا طغیان مورد پرسش قرار نمی گیرد. اما ایالات متحده یا هیچ يك از ایالات آن هیچ نوع بدهی یا تعهدی را که برای کمک به شورش که ضد ایالات متحده انجام شده پرداخت نمی کنند و هیچ گونه طلبی را بابت از دست دادن یا آزدسازی برده تقبل نخواهد کرد، کلیه بدهی ها، تعهدات و مطالبات فوق غیر قانونی و بی اعتبار خواهند بود.

بخش ۵

کنگره با وضع قوانین مقتضی، قدرت اعمال مفاد این اصل را دارا است.

اصلاحیه شماره ۱۵ (۱۸۷۰)

بخش ۱

ایالات متحده یا هر يك از ایالات آن اجازه سلب یا محدود کردن حق رای شهروندان ایالات متحده را به سبب نژاد، رنگ پوست یا شرایط گذشته بردگی، ندارند.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، قدرت اعمال مفاد این اصل را دارا است.

اصلاحیه شماره ۱۶ (۱۹۱۳)

کنگره قدرت وضع و وصول مالیات بر درآمد را از تمام منابع حاصله، بدون تخصیص و تقسیم در میان ایالت های مختلف و بدون در نظر گرفتن هر گونه آمار نفوس یا سر شماری دارا است.

اصلاحیه شماره ۱۷ (۱۹۱۳)

سنای ایالات متحده مرکب از دو نماینده از هر ایالت است که مردم آن ایالت برای مدت شش سال انتخاب می کنند. هر عضو سنا دارای يك حق رای است. رای دهندگان هر ایالت باید از شرایط رای دهندگان برای تعیین نمایندگان در شاخه ای از قوه مقننه بیشترین تعداد نماینده داراست، برخوردار باشند.

هر گاه کرسی نمایندگی ایالتی در سنا بلاتصدی شود، مقام اجرایی ایالت مذکور فرمان انتخابات را برای تصدی کرسی خالی صادر می کند، مشروط بر اینکه مجلس قانونگذاری هر ایالت بتواند به مسئولان اجرایی تابع خود اختیار دهد که تا زمان انتخاب فردی از سوی مردم برای کرسی خالی شده به شیوه تحت هدایت قوه قانونگذاری، کسانی را به طور موقت منصوب کنند.

اصلاحیه حاضر به مفهوم باطل شدن انتخاب یا دوره نمایندگی هر عضو سنا که پیش از تنفیذ اصلاحیه قانون اساسی برگزیده شده، نیست.

اصلاحیه شماره ۱۸ (۱۹۱۹)، با اصلاحیه شماره ۲۱ جایگزین شد

بخش ۱

یک سال پس از تصویب این اصل، تولید، خرید و فروش و حمل و نقل مشروبات الکلی، واردات یا صادرات آن، به و از ایالات متحده و کلیه نقاط واقع در حوزه قضایی آن، به منظور مصارف نوشیدنی، ممنوع است.

بخش ۲

با وضع قوانین مقتضی، کنگره و چندین ایالات از قدرت موازی برای اجرای اصل حاضر، برخوردارند.

بخش ۳

اصل حاضر قابل اجرا نیست مگر آنکه ظرف هفت سال از تاریخ تسلیم آن توسط کنگره به هر یک از ایالات، از سوی قانونگذاران چندین ایالت به ترتیب تعیین شده در قانون اساسی، به عنوان اصلاحیه قانون اساسی تصویب شود.

اصلاحیه شماره ۱۹ (۱۹۲۰)

بخش ۱

ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن حق رای شهروندان ایالات متحده را به لحاظ جنسیت آنان، سلب یا محدود نمی کند.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، قدرت اعمال این اصل را دارا است.

اصلاحیه شماره ۲۰ (۱۹۳۳)

بخش ۱

دوره تصدی رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری در ظهر روز بیستم ژانویه، و دوره نمایندگی اعضای سنا و نمایندگان مجلس در ظهر روز سوم ژانویه سال هایی که دوره های مذکور در صورت عدم تصویب

اصل حاضر، پایان می پذیرفت، خاتمه می یابد، و از آن پس دوره ماموریت جانشینان آنان آغاز می شود.

بخش ۲

کنگره حداقل يك بار در سال تشکیل جلسه می دهد و در صورت عدم تعیین روزی خاص بر اساس قانون، جلسه مذکور در ظهر روز سوم ژانویه آغاز می شود.

بخش ۳

در صورتی که در تاریخ تعیین شده برای آغاز دوره تصدی ریاست جمهوری، رئیس جمهوری منتخب فوت کند، معاون رئیس جمهوری منتخب، به جای او منصوب می شود. چنانچه رئیس جمهوری قبل از موعد مقرر برای آغاز دوره ماموریت انتخاب نشده باشد و یا اگر رئیس جمهوری منتخب حائز شرایط لازم نباشد، معاون رئیس جمهوری منتخب تا زمانی که رئیس جمهوری واجد شرایط لازم شود به عنوان رئیس جمهوری انجام وظیفه خواهد کرد. هر گاه رئیس جمهوری شرایط انتخاب را واجد شود، به عنوان رئیس جمهوری شروع به انجام وظیفه می کند. هر گاه رئیس جمهوری منتخب و نیز معاون رئیس جمهوری منتخب حائز شرایط لازم نباشند، کنگره می تواند به موجب قانون، شخص رئیس جمهوری و نیز نحوه انتخاب وی را اعلام کند. شخص مذکور تا زمانی که رئیس جمهوری یا معاون رئیس جمهور واجد شرایط شوند، بر اساس قانون مذکور انجام وظیفه می کند.

بخش ۴

به موجب قانون و در صورت فوت هر يك از افرادی که مجلس نمایندگان در صورت ضرورت باید يك نفر را از میان آنان به عنوان رئیس جمهور انتخاب کند، و در صورت فوت هر يك از افرادی که مجلس سنا، هنگام ضرورت باید يك نفر را از میان آنان به عنوان معاون رئیس جمهوری انتخاب کند، کنگره اقدام قانونی لازم را به عمل می آورد.

بخش ۵

بخش های ۱ و ۲ از پانزدهم اکتبر پس از تاریخ تصویب این اصل، لازم الاجرا می شوند.

بخش ۶

اصل حاضر به اجرا در نمی آید مگر آنکه ظرف هفت سال از تاریخ ارائه آن، قانونگذاران سه چهارم ایالات آن را به عنوان اصلاحیه قانون اساسی تصویب کنند.

اصلاحیه شماره ۲۱ (۱۹۳۳)

بخش ۱

بدین وسیله اصل هجدهم اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده ملغی می گردد.

بخش ۲

بدین وسیله حمل و نقل یا واردات مشروبات الکلی به منظور استفاده یا تحویل آنها در ایالات، قلمرو، یا مناطق تحت تملک ایالات متحده بر خلاف قوانین موجود در آنها، ممنوع می‌گردد.

بخش ۳

اصل به اجرا در نمی‌آید مگر آنکه ظرف مدت هفت سال پس از تسلیم آن از طرف کنگره به ایالات، از سوی مجامع قانونگذاری چندین ایالت به ترتیبی که در قانون اساسی پیش بینی شده است، به عنوان یک اصلاحیه در قانون اساسی تصویب شود.

اصلاحیه شماره ۲۲ (۱۹۵۱)

بخش ۱

هیچ کس بیش از دو بار به سمت ریاست جمهوری انتخاب نخواهد شد، و شخصی که بیش از دو سال تصدی سمت ریاست جمهوری را در غیاب شخصی که به عنوان رئیس جمهور دوره مذکور انتخاب شده بود به عهده داشته باشد، نمی‌تواند بیش از یک بار به سمت ریاست جمهوری انتخاب شود. اصل حاضر در مورد شخصی که در زمان طرح این اصل توسط کنگره عهده دار سمت رئیس جمهوری است لازم الاجرا نیست، و این اصل مانع از نیست که شخصی که طی مدت لازم الاجرا شدن این اصل در سمت ریاست جمهوری یا کفالت ریاست جمهوری است، بقیه دوره را در سمت خود باقی بماند.

بخش ۲

اصل حاضر باطل است مگر اینکه ظرف مدت هفت سال پس از تاریخ آن از سوی کنگره به ایالات، از سوی مجالس قانونگذاری سه چهارم ایالات به عنوان اصلاحیه قانون اساسی تصویب شود.

اصلاحیه شماره ۲۳ (۱۹۶۱)

بخش ۱

ناحیه ای که مقر حکومت ایالات متحده است به شیوه تعیین شده به وسیله کنگره، به شرح زیر کسانی را منصوب می‌کند:

تعدادی افراد برای انتخاب رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری به شمار مساوی با تعداد نمایندگان که حوزه در سنا و نمایندگان مجاز به داشتن آنها خواهد بود، اما تعداد افراد فوق در هیچ حال نباید از تعداد رای دهندگان کم جمعیت ترین ایالات بیشتر باشد؛ با وجود این افراد مذکور برای انتخاب رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری در نظر گرفته شوند. آنها درحوزه گرد هم می‌آیند و وظایف محوله را به موجب اصلاحیه دوازدهم قانون اساسی را به انجام می‌رسانند.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، از قدرت اجرای اصل حاضر برخوردار است.

اصلاحیه شماره ۲۴ (۱۹۶۴)

بخش ۱

حق رای شهروندان ایالات متحده در انتخابات مقدماتی یا انتخابات ریاست جمهوری یا معاون ریاست جمهوری برای انتخاب رئیس جمهور یا معاون رئیس جمهور یا نمایندگان سنا یا نمایندگان کنگره، نباید به دلیل عدم پرداخت مالیات سرانه یا مالیات های دیگر، به وسیله ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن سلب یا محدود شود.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، از قدرت اجرای اصل حاضر برخوردار خواهد بود.

اصلاحیه شماره ۲۵ (۱۹۶۷)

بخش ۱

در صورت عزل، فوت یا استعفای رئیس جمهوری از سمت خود، معاون وی به جای او خواهد نشست.

بخش ۲

هر گاه سمت معاونت ریاست جمهوری بلا تصدی شود، رئیس جمهوری یک نفر را به عنوان معاون خود نامزد می کند و وی در صورت کسب اکثریت آرای هر دو مجلس کنگره، سمت مذکور را عهده دار خواهد شد.

بخش ۳

هر زمانی رئیس جمهوری به رئیس موقت سنا و سخنگوی مجلس نمایندگان کتباً اعلام کند که توان انجام وظایف محوله را ندارد، و تا هنگامی که اطلاعیه کتبی [دیگری] مبنی بر لغو اطلاعیه پیشین ارسال ارائه نکند، معاون وی به عنوان کفیل وظایف مذکور را عهده دار خواهد شد.

بخش ۴

در صورتی که معاون رئیس جمهوری و اکثریتی متشکل از مقامات ارشد بخش های اجرایی یا هر مرجع دیگری که کنگره به موجب قانون پیش بینی کند، طی اعلامیه ای کتبی به رئیس موقت سنا و رئیس مجلس نمایندگان اطلاع دهند که رئیس جمهوری توان استفاده از اختیارات و انجام وظایف ریاست جمهوری را ندارد، معاون رئیس جمهوری بی درنگ به عنوان کفیل ریاست جمهوری اختیارات و وظایف وی را عهده دار می شود. از آن زمان در صورتی که رئیس جمهوری با اعلامیه ای کتبی به رئیس موقت سنا و سخنگوی مجلس نمایندگان اطلاع دهد که ناتوانی وی مرتفع گشته است، وی می تواند بار دیگر اعمال اختیارات و

انجام وظایف ریاست جمهوری را عهده دار شود، مگر اینکه معاون رئیس جمهوری و اکثریتی متشکل از مقامات ارشد بخش های اجرایی، یا مراجع دیگری که کنگره به موجب قانون پیش بینی می کند، ظرف مدت چهار روز طی اعلامیه ای کتبی به رئیس موقت سنا و سخنگوی مجلس نمایندگان اطلاع دهند که رئیس جمهوری توان استفاده از اختیارات و انجام وظایف ریاست جمهوری را ندارد. در این صورت، چنانچه کنگره در اجلاس نباشد باید ظرف مدت چهل و هشت ساعت تشکیل جلسه دهد و در این خصوص تصمیم گیری کند. چنانچه کنگره ظرف بیست و یک روز پس از دریافت اعلامیه کتبی اخیر و در صورت نداشتن جلسه، ظرف مدت بیست و یک روز پس از درخواست تشکیل جلسه، با دو سوم آراء هر دو مجلس تشخیص دهد که رئیس جمهوری توان استفاده از اختیارات و انجام وظایف را ندارد؛ آنگاه معاون رئیس جمهوری به سمت جانشینی رئیس جمهوری کار وی را ادامه خواهد داد، در غیر این صورت رئیس جمهور وظایف و اختیارات خود را دوباره عهده دار خواهد شد.

اصلاحیه شماره ۲۶ (۱۹۷۱)

بخش ۱

حق رای شهروندان ایالات متحده که هجده سال یا بیشتر دارند، نباید توسط ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن سلب یا محدود شود.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، اختیار به اجرا گذاشتن اصل حاضر را دارا است.

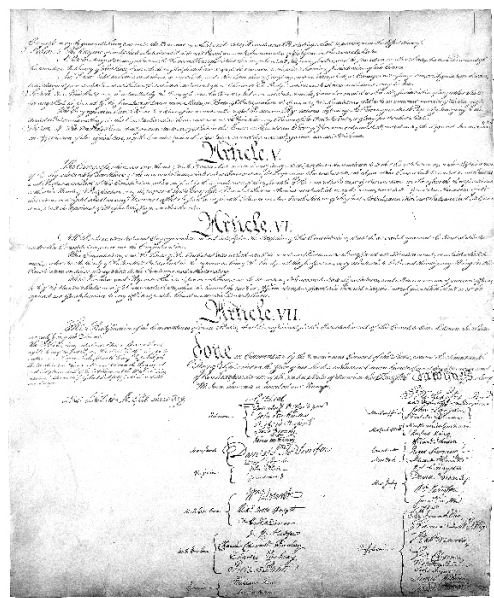
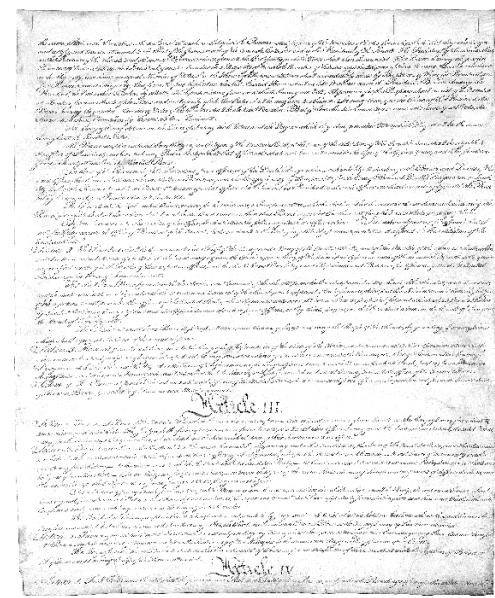
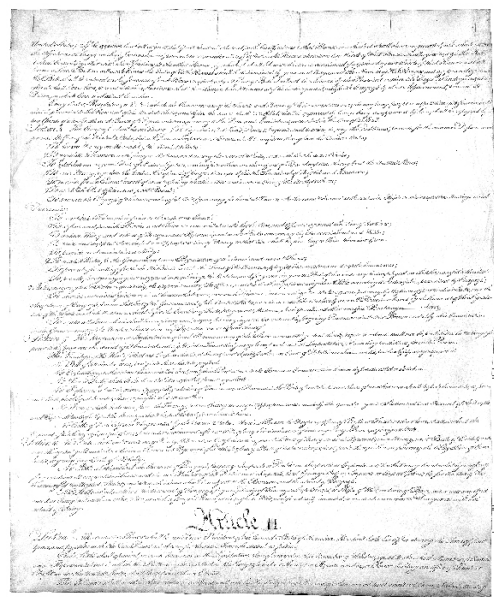
اصلاحیه شماره ۲۷ (۱۹۹۲)

هیچ قانونی در خصوص تغییر میزان مقرری نمایندگان سنا و مجلس نمایندگان در ازاء خدماتشان لازم الاجرا نخواهد بود مگر بعد از انجام انتخابات.

مجلس ایالتی، در
مرکز، در فیلادلفیا،
پنسیلوانیا، که بعدها به
عنوان تالار استقلال
شناخته شده؛ اعضای
مجمع قانون اساسی
در آنجا ملاقات کرده
و قانون اساسی را
در سال ۱۷۸۷ تدوین
کردند.



رونوشت اصل قانون
اساسی ایالات متحده
آمریکا در بایگانی های
ملی در واشنگتن دی سی
نگهداری می شود.



قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

همراه با یادداشت های تکمیلی

یادداشت های تکمیلی قانون اساسی ایالات متحده که در زیر آمده منعکس کننده املا و نحوه کاربرد لغات به صورت اصلی است. بخش هایی که در گروه مشخص شده بخش های تغییر یافته یا به دلیل وجود متمم هایی، بخش های کنار گذاشته شده است. بند های اضافی که با واژه "تفسیر" آغاز می شود، به متن قانون اساسی تعلق ندارند، بلکه برای توضیح معنای برخی از قسمت های متن اصلی یا کاربرد عملی آن ضمیمه شده است.

دیباچه:

ما مردم

ایالات متحده، برای تشکیل اتحادی کامل، برقراری عدالت، تضمین آرامش داخلی، تأمین قابلیت های دفاعی مشترک، ترویج رفاه عمومی، و تضمین نعمات آزادی برای خود و آیندگان، این قانون اساسی را برای ایالات متحده آمریکا تدوین و مقرر می کنیم.

اصل اول

ماده ۱

قوه مقننه

تمامی قدرت های قانونگذاری که در این جا اعطا گردیده، به کنگره ایالات متحده که متشکل از سنا و مجلس نمایندگان خواهد بود، واگذار می شود.

تفسیر:

سه اصل اول قانون اساسی به تفکیک قوا در دولت ایالات متحده و تعیین سه قوه اختصاص دارد: (۱) قوه مقننه، که معرف آن کنگره است؛ (۲) قوه مجریه، که معرف آن رییس جمهوری است؛ و (۳) قوه قضاییه که معرف آن دیوان عالی است. این تقسیم قانون اساسی که تفکیک قوا نامیده می شود، برای جلوگیری از اقتدار بیش از حد هر یک از شاخه های دولت طراحی شده است. علاوه بر آن، در قانون اساسی کنترل اختیارات سه قوه هم پیش بینی شده به این ترتیب، نحوه عملکرد هر یک از قوا در رابطه با دو قوه دیگر در پیشبرد وظایف خود، مشخص است. به عنوان مثال، قضات فدرال از سوی رییس جمهور منصوب می شوند اما سنا باید انتصاب آن ها را تأیید نماید.

کنگره - متشکل از دو مجلس - یکی از مهمترین موارد توافق در مجلس مؤسسان قانون اساسی بود. در مجلس مؤسسان، ایالات کوچک تر از برنامه نیوجرسی حمایت می کردند، که طبق آن همه ایالات از تعداد برابر نماینده برخوردار می شوند. ایالات وسیع تر طرفدار برنامه ویرجینیا بودند که تعداد نمایندگان را بر

حسب جمعیت تعیین می کرد. برای سازش در این مورد، مقرر شد هر یک از مجالس طبق یکی از این دو برنامه عمل کند.

اصل اول

ماده ۲

مجلس نمایندگان

(۱) مجلس نمایندگان متشکل از اعضای است که هر دو سال یک بار از سوی مردم ایالات مختلف انتخاب می شوند، و رأی دهندگان در هر ایالت باید واجد شرایط رأی دادن به پر تعداد ترین شاخه دستگاه قانونگذاری کشور باشند.

تفسیر:

اعضای مجلس نمایندگان برای مدت دو سال انتخاب می شوند. در صورتی که فردی دارای شرایط لازم برای رأی دادن به "پر تعداد ترین شاخه دستگاه قانونگذاری" باشد، او برای رأی دادن به اعضای کنگره هم واجد شرایط لازم هست. (همه ایالات به استثنای نبراسکا دارای دستگاه مقننه متشکل از دو مجلس هستند). این که چه کسانی می توانند به قانونگذاران ایالتی رأی دهند، بسته به ایالت، و طبق محدودیت های قانون اساسی و قوانین فدرال، مانند مصوبه حقوق رأی دادن متعلق به سال ۱۹۶۵ است. متمم های ۱۵، ۱۹، ۲۴، و ۲۶، قانون اساسی، مقرر می دارند که محروم کردن شهروندان از حق خود در رأی دادن بر مبنای نژاد، جنس، یا نپرداختن مالیات، یا سن، در صورتی که شخص دارای حد اقل ۱۸ سال باشد، ممنوع است.

(۲) اشخاصی که دارای حد اقل ۲۵ سال سن نبوده و هفت سال از زمان تابعیت آن ها در ایالات متحده نگذشته است، نمی توانند به عضویت مجلس نمایندگان در آیند، و همین طور کسانی که، بعد از انتخاب شدن، در ایالتی که منتخب آن هستند، ساکن نباشند.

تفسیر:

هر ایالت شرایط لازم خود را در مورد ساکن بودن یا نبودن افراد اعمال می کند، که باید در محدوده قانون اساسی باشد. غالب اعضای مجلس قانونگذاری نه تنها ساکن ایالت مربوط، بلکه ساکن منطقه ای که از آن انتخاب می شوند هم هستند.

(۳) تعداد اعضای مجلس نمایندگان با تعداد افرادی که مالیات سرانه می پردازند باید در تناسب باشد [افرادی که به نسبت تعداد می توانند در این اتحاد حضور یابند، که شمار آن ها باید به تعداد کل اشخاص آزاد اضافه شود، از جمله کسانی که در خدمت دوساله هستند، و بدون احتساب سرخپوستان که مالیات نمی پردازند، و سه پنجم کل سایر افراد] شمارش فعلی باید تا سه سال بعد از تشکیل اولین جلسه کنگره ایالات متحده صورت گرفته، و بعد از آن هر ده سال تکرار گردد، و طریقه آن را قانون تعیین می کند. تعداد نمایندگان از یک نماینده برای هر ۳۰,۰۰۰ تن سکنه نباید تجاوز کند، اما هر ایالت دارای حد اقل یک نماینده است؛ و تا

زمان انجام یافتن این شمارش، تعداد نمایندگان هر ایالت به شرح زیر خواهد بود، ایالت نیوهمپشایر مجاز به انتخاب سه نماینده، ماساچوست هشت، رود آیلند و پراویدنس پلانیشنز یک، کانتیکات پنج، نیویورک شش، نیوجرسی چهار، پنسیلوانیا هشت، دلاور یک، مریلند شش، کارولینای شمالی پنج، کارولینای جنوبی پنج، و جورجیا سه.

تفسیر:

محتوای این بند، چه با اضافه شدن متمم ها و چه با در نظر گرفتن شرایط جدید، دستخوش تغییرات زیادی گشته است. واکنون سه مورد در آن لحاظ شده: (۱) تعداد نمایندگان هر ایالت برحسب میزان جمعیت آن محاسبه می شود؛ (۲) کنگره باید نظارت کند که سرشماری در ایالات متحده هر ده سال یک بار صورت گیرد؛ و (۳) هر ایالت از داشتن حد اقل یک نماینده برخوردار است. وازه های "مالیات سرانه" به معنی مالیات بر درآمد است. متمم شانزدهم به کنگره مجوز بستن مالیات به افراد را بر مبنای درآمدشان می دهد نه بر مبنای جمعیت ایالتی که در آن مقیم هستند. در مورد "سه پنجم کل سایر افراد"، منظور از "سایر افراد"، برده ها بودند. از آن جا که برده داری ملغی شده است، این بخش از بند مذکور، دیگر معنایی ندارد. شرط فقط یک نماینده در مقابل هر ۳۰,۰۰۰ تن سکنه ضامن اجرایی ندارد. در سال ۱۹۲۹، کنگره تعداد ثابت نمایندگان را ۴۳۵ تن مقرر کرد و از آن زمان به همین شکل باقی مانده است.

(۴) در صورت خالی شدن کرسی نمایندگان ایالات، مقام مجریه دستور به برگزاری انتخابات برای جبران کرسی های خالی را می دهد.

تفسیر:

در صورت خالی شدن یکی از کرسی های مجلس نمایندگان، فرماندار ایالت مربوطه، انتخابات ویژه ای برای جبران آن برگزار می کند. با این حال، در صورتی که تاریخ انتخابات عادی بعدی فاصله چندانی با آن نداشته باشد، فرماندار به جای برگزار کردن انتخابات ویژه، بهتر است تا انتخابات بعدی، آن کرسی را خالی باقی گذارد.

(۵) مجلس نمایندگان، سخنگو و سایر مقامات مسئول خود را انتخاب می کند؛ و تنها دستگاهی است که دارای حق اعلام جرم یک مقام دولتی می باشد.

تفسیر:

مجلس نمایندگان به انتخاب مقامی برای به عهده گرفتن ریاست جلسات مبادرت می کند. تنها این مجلس است که حق دارد مقامات دولت فدرال را مورد اتهام قرار دهد. این مجلس تا به حال علیه ۱۶ مقام فدرال اعلام جرم کرده است که شامل دو رییس جمهور، اندرو جانسون در سال ۱۸۶۸ و ویلیام جفرسون کلینتون در سال ۱۹۹۸ می شود. رسیدگی به پرونده حقوقی متهمان از سوی مجلس نمایندگان، بر عهده سنا است.

اصل اول

ماده ۳

مجلس سنا

(۱) مجلس سنای ایالات متحده از دو سناتور به ازای هر ایالت تشکیل می شود. [که از سوی مجلس قانونگذاری و برای یک دوره شش ساله انتخاب می شوند؛ و هر سناتور دارای یک رأی است.]

تفسیر:

در قانون اساسی ابتدا مقرر شده بود که مجلس قانونگذاری هر ایالت به انتخاب دو سناتور ایالت بپردازد. با افزودن متمم هفدهم به قانون اساسی، این امر تغییر کرده و انتخاب سناتورها با رأی مردم ایالت صورت می گیرد.

(۲) آن ها بلافاصله بعد از اولین دور انتخابات باید تشکیل جلسه داده و باید به طور مساوی به سه طبقه تقسیم گردند. طبقه اول سناتورها در پایان سال دوم خدمت، کرسی های خود را خالی می کنند، طبقه دوم سناتورها در پایان سال چهارم، و طبقه سوم سناتورها در پایان سال ششم؛ به این ترتیب، هر دو سال یک بار، برای انتخاب یک سوم از سناتورها، مجدداً انتخابات برگزار می گردد؛ [و در صورتی که کرسی های خالی در پی استعفا یا غیر آن بر جای بماند، و این در دوره تعطیلی مجلس قانونگذاری ایالات باشد، تا تشکیل جلسه بعدی مجلس قانونگذاری، مقام اجرایی ایالت، برای پر کردن کرسی های خالی، اشخاصی را به طور موقت تعیین خواهد نمود.]

تفسیر:

سناتورها برای یک دوره شش ساله انتخاب می شوند. هر دو سال، یک سوم از آن ها انتخاب می شوند و دو سوم از دوره قبل بر جا می مانند. این نظم موجب می شود سنا از موجودیتی مستمر برخوردار باشد، بر خلاف مجلس نمایندگان که کل اعضای آن هر دو سال یک بار از نو انتخاب می شوند. به موجب متمم هفدهم، روش جبران کرسی های خالی تغییر کرد. تا قبل از برگزاری انتخابات سنا با رأی مردمی، فرماندار فردی را منصوب می کند.

(۳) اشخاصی که دارای سی سال تمام نیستند و سابقه تابعیت آن ها در ایالات متحده کمتر از نه سال است و در زمان انتخاب به سناتوری در ایالت مربوط ساکن نباشند، نمی توانند سناتور شوند.

تفسیر:

در سال ۱۸۰۶، هنری کلی از کنتاکی برای احراز یکی از کرسی های خالی سنا تعیین شد. او تنها ۲۹ سال داشت که چند ماه کمتر از حداقل سن لازم بود، اما کسی این موضوع را مورد سؤال قرار نداد. در سال ۱۷۹۳، آلبرت گالاتین به عنوان سناتور از پنسیلوانیا انتخاب شد. اما از تصدی مقام او به دلیل این که کمتر از نه سال شهروند ایالات متحده بوده است، ممانعت به عمل آمد.

(۴) معاون رییس جمهور ایالات متحده، ریاست مجلس سنا را به عهده دارد اما دارای حق رأی نیست، مگر این که در موقع رأی گیری، تعداد آرا به صورت مساوی تقسیم شده باشد.

تفسیر:

معاون رییس جمهور، ریاست سنا را به عهده دارد. او فقط زمانی می تواند رأی دهد که تعداد آرای دو طرف برابر باشد. و قدرت او برای بر هم زدن این تساوی از اهمیت زیادی برخوردار است. برای مثال، در سال ۱۷۸۹ رأی جان آدامز، معاون رییس جمهور موجب تصویب قانونی گشت که به موجب آن رییس جمهور بدون نیاز به تأیید مجلس سنا مجاز است وزرای کابینه را تغییر دهد.

(۵) سنا می تواند در صورت غایب بودن معاون رییس جمهور، و یا انجام وظیفه به جای رییس جمهور، یک رییس موقت برای خود انتخاب نماید.

تفسیر:

سنا در صورت عدم حضور معاون رییس جمهور، شخصی را به عنوان رییس موقت برای اداره جلسات انتخاب می کند.

(۶) تنها سنا قدرت رسیدگی به پرونده های حقوقی مورد اتهام جرم را دارا است: هنگامی که برای این مقصود جلسه تشکیل می دهند باید سوگند یاد کنند و یا شهادت بدون سوگند بدهند. اگر رییس جمهور ایالات متحده مورد محاکمه قرار گیرد، رییس دیوان عالی ریاست سنا را به عهده می گیرد: و بدون توافق دو سوم از اعضای حاضر در مجلس، کسی را نباید محکوم نمود.

تفسیر:

پیش بینی مربوط به اینکه رییس دیوان عالی به جای معاونت رئیس جمهوری که در این گونه موارد، یعنی وقتی رئیس جمهوری تحت محاکمه است، ریاست سنا را به عهده می گیرد به این دلیل است که در صورت محکومیت رییس جمهوری، معاون او باید عهده دار وظایف او گردد. جمله "سوگند خورده یا شهادت بدون سوگند" به این معناست که سناتورها در موارد رسیدگی به اتهامات باید سوگند یاد کنند، درست مانند اعضای هیئت منصفه در جریان دادرسی.

(۷) رأی سنا در موارد اثبات اتهام نباید از انفصال از خدمت و سلب صلاحیت از تقبل بسمت های دولتی و استفاده از مزایای دولتی ایالات متحده فراتر رود. اما فرد محکوم، طبق قانون مورد کیفرخواست، محاکمه، قضاوت و مجازات قرار خواهد گرفت.

تفسیر:

در صورتی که فرد، گناهکار تشخیص داده شود، از خدمت منفصل شده و مجاز به احراز هیچ گونه منصب دولتی نمی باشد. سنا از اعمال مجازات های دیگر معاف است، اما به پرونده این شخص در محاکمه عادی رسیدگی خواهد شد. سنا تا به حال هفت تن را محکوم کرده که همگی از قضات بوده اند. همه این افراد

از خدمت منفصل شدند، اما فقط از دو تن از آنان برای احراز مشاغل دولتی سلب صلاحیت شد.

اصل اول

ماده ۴

تشکیلات کنگره

(۱) زمان، مکان و طریقه برگزاری انتخابات برای تعیین سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان در هر ایالت، از سوی مجلس قانونگذاری آن ایالت تعیین می گردد؛ اما طبق قانون، کنگره مجاز است هر زمان این مقررات را تغییر داده یا مقررات دیگری تعیین کند، [مگر در محل مربوط به انتخاب سناتورها].

تفسیر:

تا زمانی که انتخاب سناتورها به عهده قانونگذاران ایالتی باشد، کنگره در تعیین محل انتخاب دخالت نمی کند. این ممکن بود قدرت تعیین محل پایتخت ایالت را هم به کنگره واگذار کند. جمله "مگر در محل مربوط به انتخاب سناتورها" با اضافه شدن متمم هفدهم، کنار گذاشته شد.

(۲) کنگره باید حداقل یک بار در سال تشکیل جلسه دهد، [و این جلسه باید در اولین روز دوشنبه ماه دسامبر تشکیل گردد]، مگر طبق قانون، روز دیگری تعیین شود.

تفسیر:

در اروپا، حاکمان مطلق این قدرت را داشتند که از تشکیل جلسات مجالس، حتی برای چند سال ممانعت به عمل آورند. به همین مناسبت این ماده بر تشکیل کنگره یک بار در سال تأکید می کند. طبق متمم بیستم، این روز به سوم ژانویه تغییر یافت، تا کنگره طبق قانون روز دیگری را تعیین نماید.

اصل اول

ماده ۵

(۱) هر یک از مجلسین، قضاوت در مورد نحوه برگزاری انتخابات و تعیین صلاحیت اعضا را بر عهده دارد که هر یک با تشکیل جلسه ای با حضور اکثریت اعضا و رسیدن به حد نصاب این کار را انجام می دهد؛ اما تعداد کمتری از اعضا در حین مذاکرات می توانند حضور داشته باشند، و می توانند با استفاده از جرایم و مجازات هایی که هر یک از مجلسین خود تعیین می کند، اعضای غایب را مجبور به حضور نمایند.

تفسیر:

هر یک از مجلسین باید خود، تعیین صلاحیت اعضا، و صحت نحوه انتخاب شدن آن ها را به لحاظ قانون اساسی مشخص نماید. در قضاوت در مورد صلاحیت اعضا، مجلسین باید فقط شرط سنی، شرایط تابعیت، و اقامت را که در قانون اساسی عنوان شده در نظر بگیرند. در صورت اقدام به اخراج یکی از اعضا، مجلسین

کنگره باید مواردی دیگر را برای اثبات عدم صلاحیت فرد مذکور به ادامه انجام وظیفه، عنوان نمایند. مباحثات بدون رسیدن تعداد اعضا به حد نصاب می تواند در جریان باشد، اما برای رأی گیری نهایی، تعداد نمایندگان حاضر باید به حد نصاب برسد.

(۲) هر یک از مجلسین می تواند صورت جلسات خود را وضع کرده و برای عدم رعایت نظم از سوی اعضای خود، مجازات هایی را در نظر بگیرد؛ و با حضور دو سوم از اعضا، نماینده ای را اخراج نماید.

تفسیر:

هر مجلس مقررات داخلی خود را وضع می کند. برای مثال، مجلس نمایندگان برای صرفه جویی در وقت، برای بحث در مورد هر موضوعی محدودیت زمانی تعیین می کند. به پایان بردن مباحثات در سنا بسیار دشوارتر است. طبق قوانین سنا، سناتورها می توانند تا زمانی که مایل باشند، صحبت کنند، مگر سنا رأی به کفایت مذاکرات بدهد. در بیشتر موارد، برای کفایت مذاکرات به رأی ۶۰ تن از سناتورها، یا سه پنجم اعضای سنا نیاز می باشد. هر یک از مجلسین با کسب دو سوم از آرای اعضای خود می تواند به اخراج یکی از آنان مبادرت کند.

(۳) هر یک از مجلسین باید گزارشی از صورت جلسه خود تهیه، و آن را عیناً منتشر نماید، مگر در مورد مسائلی که به قضاوت آنان باید پوشیده بماند؛ و موارد موافقت و مخالفت اعضا، در صورت تمایل یک پنجم از حضار، در هر یک از دو مجلس باید در این گزارش گنجانده شود.

تفسیر:

گزارش صورت جلسه های مجلس نمایندگان و مجلس سنا، در پایان هر دوره کاری کنگره منتشر می شود. تمامی قوانین و مصوبات هر دوره و تمامی آرا در آن منعکس می گردد. این گزارش شامل پیام های رییس جمهوری به کنگره هم می شود. مهمتر این که، گزارش های کنگره هر روزه انتشار می یابد و نسخه کتبی همه مباحثات را کلمه به کلمه در بر می گیرد.

(۴) هیچ یک از مجلسین در دوره کار کنگره نباید بدون موافقت دیگری بیش از سه روز تعطیل یا تشکیل جلسات آن به محل دیگری غیر از محل دو مجلس، انتقال یابد.

اصل اول

ماده ۶

(۱) سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان برای خدمات خود پاداشی دریافت می کنند که قانون آن را تعیین کرده و خزانه داری ایالات متحده آن را می پردازد. آن ها در همه موارد به غیر از خیانت، جنایت و برهم زدن صلح، از مصونیت باز داشت، هنگام حضور در مجلس یا حین رفتن به آن یا بازگشت از آن

برخوردارند؛ آن‌ها به دلیل مباحث و سخنرانی‌های خود در هر یک از مجلسین، مورد سؤال قرار نمی‌گیرند.

تفسیر:

امتیاز برخوردار بودن از مصونیت (مصونیت از حکم دستگیری) در هنگام رفت و آمد به محل کنگره، امروزه اهمیت چندانی ندارد. اعضای کنگره، مانند هر شخص عادی به دلیل نقض قانون ممکن است بازداشت شوند. آن‌ها در مواقع لزوم محاکمه، محکوم و زندانی می‌شوند. مصونیت اعضای کنگره از اتهام افترا و تهمت مهم است. این‌ها گفته‌ها و یا نوشته‌هایی هستند که آبروی شخص را به خطر می‌اندازند. مصونیت در نطق‌ها و سخنرانی‌های مجلس به این معناست که اعضای کنگره مجاز هستند در مورد کار کنگره هر چیزی را بیان کنند بدون ترس از آنکه علیه آن‌ها اقامه دعوی شود. این مصونیت شامل آن‌چه در طول مباحثات مجلس گفته می‌شود، و آن‌چه در گزارش‌های رسمی می‌آید یا هنگام رأی دادن است.

(۲) هیچ‌یک از سناتورها یا نمایندگان مجلس در زمان انتخابش در کنگره برای تصدی مقام دیگری تعیین نمی‌شود که درآمد و دستمزد بالاتری داشته باشد؛ و اشخاصی که در مناصب دیگر مشغول انجام وظیفه هستند، مجاز به عضویت در مجلس نمایندگان یا سنا در حین خدمت در سمت خود نیستند.

تفسیر:

این پیش‌بینی‌ها موجب می‌شود اعضای کنگره نتوانند با استفاده از موقعیت خود، مشاغلی ایجاد کنند که بعداً خود برای تصدی آن تعیین شوند، یا در زمانی که در کنگره مشغول هستند با بالا بردن دستمزد کار، خود بعداً از آن بهره‌مند شوند، و از اشتغال آن‌ها در دیگر ادارات دولتی هم ممانعت به عمل می‌آید. در سال ۱۹۰۹، سناتور فیلاندر ک. ناکس، از سنا استعفا داد تا وزیر امور خارجه گردد. اما هنگامی که او در سنا مشغول انجام وظیفه بود، حقوق وزیر امور خارجه افزایش یافته بود. برای این‌که ناکس بتواند آن مقام را در زمانی که هنوز دوره کاریش در سنا به پایان نرسیده بود کسب کند، مبلغ مابه‌التفات آن را از حقوق او کسر کردند.

اصل اول

ماده ۷

(۱) قوانین مربوط به افزایش مالیات در مجلس نمایندگان به تصویب می‌رسد؛ اما سنا می‌تواند موافقت خود را با آن اعلام یا مانند بقیه قوانین، متمم‌هایی به آن اضافه نماید.

تفسیر:

قوانین مالیاتی در مجلس نمایندگان مطرح می‌شوند. این سنت که قوانین مربوط به مالیات از مجلس نمایندگان نشئت بگیرد، سنتی است که از انگلستان سرچشمه می‌گیرد. در آن‌جا، مجلس عوام، از آن‌جا

که نمایندگان آن را مردم انتخاب می کنند، بیشتر منعکس کننده خواست های آنان است. مردم در انتخاب نمایندگان مجلس اعیان یا لردها دخالتی ندارند. در ایالات متحده، از زمان تصویب متمم هفدهم، این قانون اهمیت چندانی ندارد، زیرا مردم در انتخاب نمایندگان مجلس و سنا، هر دو دخیل هستند. به علاوه، سنا می تواند لایحه ای را تا حدی اصلاح کند که حتی تمامی آن از نو نوشته شود.

(۲) هر لایحه ای که از مجلس نمایندگان و مجلس سنا گذشت، قبل از این که به قانون تبدیل شود باید از نظر رییس جمهوری ایالات متحده بگذرد؛ اگر او آن را تأیید کند به امضا می رسد، اما اگر تأیید نکند، همراه با ایرادات او به مجلسی که لایحه در آن تنظیم شده، عودت داده می شود که باید در گزارش آن ها قید گردد و در مورد آن تجدید نظر شود. اگر بعد از تجدید نظر، با موافقت دو سوم از اعضای آن مجلس تصویب گردد، همراه با ایرادات رییس جمهوری به مجلس دیگر فرستاده می شود که در آن جا نیز مورد تجدید نظر قرار گرفته و در صورتی که با رأی دو سوم از اعضا تصویب شود، به صورت قانون در می آید. در هر صورت، آرای هر دو مجلس با آری و نه مشخص می شود، و نام افرادی که له یا علیه آن رأی داده اند در صورت جلسه هر یک از مجلسین ثبت می گردد. هر لایحه ای که به رییس جمهوری ارائه شده و تا ده روز از سوی او برگشت داده نشود (به استثنای یکشنبه)، به منزله ای که او آن را امضا نموده، تبدیل به قانون می گردد، مگر این که به علت دوره تعطیلی کنگره باز گشت داده نشود که در آن صورت به قانون مبدل نمی شود.

تفسیر:

لایحه ای که به تصویب کنگره برسد برای امضا نزد رییس جمهوری ارسال می شود. اگر رییس جمهوری این لایحه را تأیید نکند، تا ۱۰ روز، به استثنای یکشنبه، مهلت دارد که آن را همراه با ایرادات خود، به مجلسی که لایحه در آن تقدیم شده است، باز گرداند. این اقدام، وتو خوانده می شود. کنگره با رأی دو سوم از اعضای حاضر در هر یک از مجلسین می تواند لایحه وتو شده از سوی رییس جمهوری را تصویب کرده و به آن جنبه قانونی دهد. رییس جمهوری نیز بدون امضاء کردن لایحه و تنها با گذشت ۱۰ روز از زمان ارائه آن از سوی کنگره، می تواند آن لایحه را مبدل به قانون نماید. اما لایحه ای که هنگام ۱۰ روز پایانی یک دوره از کار کنگره برای رییس جمهور ارسال شود، تا زمانی که امضای رییس جمهوری را نداشته باشد به قانون تبدیل نمی شود. در صورتی که لایحه ای در پایان دوره کاری کنگره به دست رییس جمهوری برسد و او با آن لایحه موافق نباشد، آن لایحه می تواند امضا نشده باقی بماند. وقتی کنگره به دوره تعطیلی وارد می شود، لایحه از بین می رود. به این اقدام وتوی غیرمستقیم گفته می شود.

(۳) هر حکم، قطعنامه یا رأیی که نیاز به توافق سنا و مجلس نمایندگان داشته باشد (مگر در مورد دوره تعطیلی) باید به استحضار رییس جمهوری ایالات متحده رسانده شود؛ و قبل از این که به اجرا درآید، باید از سوی او تأیید گردد، و یا اگر مورد تأیید او قرار نگیرد، طبق مقررات و محدودیت های مربوط به لوایح، باید از سوی دو سوم از اعضای سنا و مجلس نمایندگان مورد تصویب قرار گیرد.

اصل اول

ماده ۸

اختیارات کنگره:

کنگره در موارد زیر اختیار دارد:

(۱) وضع و جمع آوری مالیات، حقوق گمرکی، مالیات بر واردات و مالیات غیر مستقیم، پرداخت دیون، تأمین بودجه تدافعی مشترک و تأمین رفاه عمومی ایالات متحده؛ اما میزان کلیه حقوق گمرکی، مالیات بر واردات و مالیات های غیر مستقیم باید در سراسر ایالات متحده یکسان باشد؛

تفسیر:

حقوق گمرکی مالیات کالاهایی است که به ایالات متحده وارد می شود. مالیات غیر مستقیم، مالیاتی است که به فروش، استعمال، تولید و گاهی به روند کسب و کار و امتیازات تعلق می گیرد. مالیات های شرکتی، مالیات سیگار، و مالیات تفریحات از این نوع هستند. مالیات بر واردات اصطلاحی کلی است که شامل مالیات گمرکی و مالیات غیر مستقیم می شود.

(۲) در خواست وام به اعتبار ایالات متحده؛

(۳) تنظیم تجارت با کشورهای خارجی، و میان ایالات متعدد، و با قبایل سرخپوست؛

تفسیر:

این ماده که به آن بند تجارت گفته می شود، حاوی مهمترین اختیارات کنگره است. برداشت دیوان عالی از تجارت، نه تنها خرید و فروش، بلکه کلیه فعالیت های بازرگانی است. دیوان عالی مقرر کرده است که "تجارت میان ایالات متعدد" - تجارت میان ایالتی - نه تنها شامل فعالیت های فراسوی مرزی هر ایالت، بلکه دربرگیرنده فعالیت های تجاری در بیش از یک ایالت است. اختیار در تنظیم این روابط تجاری، یعنی اختیار در تشویق، بهبود، حمایت، ممنوعیت، یا محدودیت آن ها. در نتیجه کنگره با تصویب قوانینی می تواند برای بهبود آبراه ها، اتخاذ تدابیری برای امنیت هوایی تأمین بودجه نموده و از حمل و نقل بعضی کالاها از ایالتی به ایالت دیگر ممانعت به عمل آورد. اختیار دارد جا به جایی مردم، قطارها، بورس سهام و اوراق بها دار، سیگنال های تلویزیونی و اینترنتی را تنظیم کند. گریختن از دست پلیس محلی یا ایالتی از طریق مرزهای ایالات، و استفاده از تجارت میان ایالتی در طیف وسیعی از قانون شکنی ها، از نظر کنگره جرم فرار محسوب می شود. کنگره افرادی را که در خدمات میان ایالتی کار می کنند یا با مسافران میان ایالتی سر و کار دارند، از رفتار غیر عادلانه با مشتریان به خاطر نژاد، جنسیت، خاستگاه ملی، کهولت سن، یا معلولیت جسمانی، منع کرده است.

(۴) ایجاد قوانین یکسان برای تابعیت، و قوانین یک شکل در مورد ورشکستگی در سراسر ایالات متحده؛

(۵) ضرب سکه [و چاپ اسکناس]، تعیین ارزش آن و ارزش ارز خارجی، و تثبیت استاندارد مربوط به اوزان و مقیاسات؛

تفسیر:

با استفاده از این ماده، و ماده مربوط به اختیارات کنگره در تنظیم تجارت و درخواست وام، کنگره حق اعطای مجوز به بانک های ملی برای ایجاد بانک مرکزی را دارد.

(۶) اعمال مجازات در موارد جعل اسناد و پول رایج ایالات متحده؛

تفسیر:

منظور از اسناد، اوراق بهادار دولتی است.

(۷) ایجاد دفاتر پستی واحداث راه ها؛

(۸) ترویج پیشرفت علم و هنرهای کاربردی، از طریق تضمین حفظ حقوق معنوی نوشته ها و اختراعات برای نویسندگان و مخترعان؛

تفسیر:

کتاب، آثار موسیقی، عکس، نوارهای ویدئویی، دیسک های ویدئویی دیجیتال، و فیلم ها با استفاده از این مقررات دارای حقوق محفوظ هستند.

(۹) ایجاد دادگاه های بدوی؛

تفسیر:

نمونه دادگاه های بدوی فدرال، دادگاه های منطقه ای و دادگاه استیناف آمریکا است.

(۱۰) تشخیص حدود دزدی های دریایی و جنایاتی که در آب های بین المللی صورت می گیرد، و ارتکاب جرم بر علیه قوانین کشورها، و مجازات آن؛

تفسیر:

در مورد جرم هایی که در دریاها اتفاق می افتد، کنگره دارای اختیارات قانونی است، و نه ایالات.

(۱۱) اعلام جنگ، اعطای مجوز ورود به جنگ و اقدامات تلافی جویانه، و تعیین مقررات بازداشت در دریا و خشکی؛

تفسیر:

فقط کنگره اختیار اعلام جنگ را دارد. با این حال، رییس جمهوری به عنوان فرمانده کل قوا، ایالات متحده را در جنگ هایی درگیر نموده که بدون اجازه رسمی کنگره صورت گرفته است. جنگ های اعلام نشده شامل جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، جنگ ویتنام (۱۹۷۵-۱۹۵۷)، و جنگ های خلیج فارس (۲۰۰۳-۱۹۹۱) است.

مجوز ورود به جنگ و اقدامات تلافی جویانه اسنادی هستند که به موجب آن کشتی های خصوصی مجوز حمله به کشتی های دشمن را دریافت می کنند. این مجوز دیگر صادر نمی شود.

(۱۲) تشکیل ارتش و حمایت از آن، اما اختصاص پول به آن امر نباید از دو سال طولانی تر شود؛

(۱۳) ایجاد و نگه داری نیروی دریایی؛

(۱۴) تهیه قوانین مربوط به اداره و مقررات نیروهای زمینی و دریایی؛

(۱۵) فراخوان نیروهای شبه نظامی برای به اجرا درآوردن قوانین کشور، سرکوب شورش و دفع تهاجم؛

تفسیر:

کنگره به رییس جمهور اختیار داده است تا در مورد مواقع تهاجم یا شورش تصمیم بگیرد. در این مواقع، رییس جمهوری نیروهای شبه نظامی، که به آن ها گارد ملی اطلاق می شود، و نیروهای منظم ارتش را می خواند.

(۱۶) تأمین تشکل، مسلح کردن و انضباط نیروهای شبه نظامی، و اداره بخشی از آنان که به خدمت ایالات متحده در می آیند، و تعیین افسران و اختیار تربیت و آموزش نیروهای شبه نظامی طبق مقررات مصوب کنگره، به ایالات سپرده می شود؛

تفسیر:

دولت فدرال در حفظ و نگه داری نیروهای شبه نظامی که گارد ملی خوانده می شوند، به ایالات کمک می کند. تا سال ۱۹۱۶، کنترل نیروهای شبه نظامی تماماً به عهده ایالات قرار داشت. از آن سال، مصوبه دفاع ملی تأمین بودجه گارد ملی و فراخوان آن ها به زیر پرچم تحت شرایطی خاص را به عهده دولت فدرال قرار داده است.

(۱۷) اختیار انحصاری در اجرای قانون در این منطقه (که فراتر از ۱۰ مایل مربع نمی رود) که با واگذاری بخش هایی از برخی ایالات و پذیرفتن کنگره صورت می گیرد، مقر دولت ایالات متحده خواهد بود، و در کلیه مکان هایی که برای ایجاد و برپایی استحکامات نظامی، پایگاه های دریایی، انبار مهمات، زرادخانه، تعمیرگاه کشتی، و سایر بناهای مفید در نظر گرفته می شود، اعمال قدرت و نفوذ دارد؛ و

تفسیر:

در این ماده، کنگره نه تنها مرجع قانونگذاری منطقه کلمبیا تعیین می گردد، بلکه در کلیه متعلقات دولت فدرال، مانند استحضامات نظامی، پایگاه های دریایی، زراد خانه ها، و سایر ساختمان های فدرال نیز دارای این اختیارات می باشد.

(۱۸) ایجاد و وضع کلیه قوانین ضروری و مناسب برای به اجرا درآوردن این اختیارات، و دیگر اختیاراتی که از سوی این قانون اساسی به کنگره واگذار گردیده در مورد دولت ایالات متحده یا هر اداره و مقام آن.

تفسیر:

این ماده، در بند معروف "ضروری و مناسب" به کنگره اختیار پرداختن به کلیه امور را تفویض می کند، هر چند در قانون اساسی تصریح نشده باشد. این قابلیت انعطاف نشان دهنده این مطلب است که قانون اساسی ایالات متحده یکی از قدیمی ترین در نوع خود بوده و چرا نیاز اندکی به افزودن متمم های رسمی داشته است.

اصل اول

ماده ۹

اختیاراتی که برای کنگره مجاز نیست

(۱) مهاجرت یا وارد کردن این گونه اشخاص در صورتی که ایالات فعلی آن را قبول دارند، نباید از سوی کنگره تا قبل از سال یک هزار و هشتصد و هشت ممنوع اعلام گردد، اما مجاز است مالیات یا عوارض گمرکی برای وارد کردن این اشخاص در نظر گرفته شود که از ۱۰ دلار تجاوز نکند.

تفسیر:

این بند به تجارت برده اشاره دارد. تجار برده و تعدادی از برده داران می خواستند اطمینان حاصل کنند که کنگره تا قبل از سال ۱۸۰۸ از وارد کردن برده به داخل کشور ممانعت نمی کند. در آن سال، کنگره ورود برده را ممنوع کرد.

(۲) امتیاز داشتن حکم احضار به دادگاه نباید معلق شود، مگر هنگام شورش یا هجوم که مستلزم امنیت عمومی گردد.

تفسیر:

حکم احضار به دادگاه حکمی است که طبق آن، مقامات مراقب فرد، باید او را روانه دادگاه کنند آن ها باید به قاضی توضیح دهند که چرا فرد در بازداشت به سر می برد. در صورتی که توضیحات آن ها برای قاضی متقاعد کننده نباشد، قاضی می تواند حکم به آزادی فرد نماید.

(۳) هیچ لایحه ای برای محرومیت از حقوق اجتماعی یا قانونی که عطف به ما سبق نماید، نباید تصویب گردد.

تفسیر:

لایحه محرومیت از حقوق اجتماعی، مصوبه ای است که برای مجازات فرد بدون برخورداری از محاکمه تصویب می شود. قانون عطف به ما سبق یعنی انجام عملی را جرم بداند در صورتی که قبل از تصویب قانون، آن عمل جرم محسوب نمی شده است. این شامل مصوبه هایی که با عطف به ما سبق موجب شدت مجازات می شوند نیز می گردد.

(۴) هیچ مالیات سرانه ای [یا سایر مالیات های مستقیم] وضع نمی شود، مگر در تناسب با سرشماری یا شمارش برای اخذ آن.

تفسیر:

مالیات سرانه یعنی مالیاتی که همه به طور مساوی مشمول پرداخت آن هستند. دیوان عالی تصمیم گرفت که این ماده شامل مالیات بر درآمد نشود، اما متمم شانزدهم اجرای تصمیم دیوان عالی را ملغا کرد.

(۵) کالاهای صادره از ایالات مشمول پرداخت مالیات و حقوق گمرکی نیستند.

تفسیر:

در این جمله، صادره یعنی ارسال شده به سایر ایالات یا کشورهای خارجی. ایالات جنوبی، ترس از این داشتند که با بستن مالیات به صادرات آن ها، اقتصادشان لطمه ببیند. این جمله، اخذ چنین مالیاتی را ممنوع می کند. با این حال، کنگره حق دارد فرستادن برخی کالاها را ممنوع کرده و ارسال آن را مشمول رعایت شرایطی خاص نماید.

(۶) مقررات تجارت یا مالیات نباید امتیازی برای یک ایالت در برابر دیگر ایالات منظور کند: و کشتی هایی که روانه ایالتی می شوند یا از ایالتی می آیند، مشمول پرداخت مالیات نیستند.

تفسیر:

کنگره نباید مقرراتی را تصویب نماید که به نفع تجارت ایالتی در برابر ایالات دیگر باشد. کشتی هایی که از ایالتی به ایالت دیگر در رفت و آمد هستند، مشمول پرداخت مالیات نمی باشند.

(۷) هیچ پولی از خزانه بیرون آورده نمی شود، مگر قانون مجوز آن را صادر کرده باشد؛ و گزارش منظم دریافت ها و پرداخت ها از محل بودجه دولتی هر چند گاهی باید منتشر شود.

تفسیر:

پول دولت بدون موافقت کنگره نباید خرج گردد و کنگره باید پیش بینی های لازم را برای انتشار

گزارش های مالی بنماید.

(۸) عناوین نجیب زادگی و اشراف زادگی از سوی ایالات متحده اعطا نمی شود: و هیچ شخصی مادامی که مسئولیت مقامی را به عهده دارد نباید بدون موافقت کنگره به پذیرفتن هر گونه هدیه، پول، مقام یا عنوان از سوی شاه، شاهزاده یا دولت خارجی مبادرت نماید.

تفسیر:

کنگره نمی تواند القاب و عناوین نجیب زادگی، مانند کنتس یا دوک، به کسی اعطا کند. مقامات فدرال حق پذیرفتن هدایا، مناصب، پول یا عنوانی را از یک کشور خارجی بدون موافقت کنگره، ندارند.

اصل اول

ماده ۱۰

اختیاراتی که برای ایالات مجاز نیست

(۱) ایالات حق ورود به پیمان، اتحادها یا کنفدراسیون؛ اعطای مجوز ورود به جنگ و اقدامات تلافی جویانه؛ ضرب سکه؛ صدور اسناد اعتباری؛ پرداخت بدهی با غیر از طلا یا نقره؛ تصویب لایحه برای محرومیت از حقوق اجتماعی یا قانونی که عطف به ما سبق نماید؛ یا قانونی برای مخدوش کردن تعهدات قراردادهای، یا اعطای عناوین نجیب زادگی را ندارند.

(۲) هیچ ایالتی حق ندارد بدون موافقت کنگره به وضع مالیات پرداخته یا برای واردات و صادرات مطالبه حقوق گمرکی نماید، مگر این که برای اجرای قوانین بازرسی، ضروری باشد؛ سود خالص ناشی از حقوق گمرکی و مالیات که از سوی ایالت وضع شده و به صادرات و واردات تعلق می گیرد، به استفاده خزانه داری ایالات متحده می رسد؛ و کلیه این قوانین باید توسط کنگره کنترل و باز بینی شوند.

تفسیر:

ایالات بدون موافقت کنگره مجاز به بستن مالیات به کالا هایی که صادر یا وارد می شوند، نیستند، مگر مبالغی مختصر برای هزینه بازرسی.

(۳) ایالات بدون موافقت کنگره مجاز به درخواست مالیات کرایه، داشتن ارتش یا کشتی های جنگی در زمان صلح، ایجاد توافقات یا پیمان با سایر ایالات یا یک قدرت خارجی، یا درگیری در جنگ، مگر این که مورد تجاوز قرار گرفته باشند، یا در برابر خطری که صبر مجاز نباشد، قرار داشته باشند، نیستند.

تفسیر:

فقط دولت فدرال است که قدرت عقد پیمان یا مذاکره با کشورهای خارجی را دارد.

اصل دوم

ماده ۱

قوة مجریه

(۱) قدرت اجرائیه به رییس جمهور ایالات متحده آمریکا سپرده می شود. او در یک دوره چهار ساله، عهده دار وظیفه خود است، و به همراه معاون خود، که او هم برای یک دوره چهار ساله انتخاب می شود، به طریقه زیر انتخاب می شود:

(۲) هر ایالت، طبق قوانینی که مجلس قانونگذاری آن تعیین می کند، تعدادی از رأی دهندگان را تعیین می کند، که این تعداد برابر تعداد کل سناتور ها و اعضای مجلس نمایندگان هستند که از سوی آن ایالت به کنگره فرستاده خواهند شد: اما افرادی که سناتور یا نماینده مجلس هستند، یا دارای مشاغل و مناصب دولتی هستند، به عنوان رأی دهنده تعیین نمی شوند.

تفسیر:

این ماده تعیین کننده هیئت انتخابی است، گروهی از افراد که در هر ایالت طبق قوانین آن ایالت انتخاب می شوند. در حال حاضر در همه ایالات، رأی دهندگان این هیئت را انتخاب می کنند. و این هیئت به نوبه خود رییس جمهوری و معاون رییس جمهوری را انتخاب می نماید.

(۳) [رأی دهندگان در ایالات خود گرد هم می آیند و از طریقه برگه های رأی گیری به دو تن رأی می دهند، که حد اقل یکی از آن ها نباید ساکن آن ایالت باشد. آن ها فهرستی از افرادی که به آن ها رأی داده می شود و همین طور تعداد آرای کسب شده، تهیه می کنند؛ این فهرست از سوی آن ها امضا و تأیید می شود، و بعد از مهر و موم شدن به مقر دولت ایالات متحده ارسال و تسلیم رییس مجلس سنا می گردد. رییس مجلس سنا، در حضور سناتور ها و اعضای مجلس نمایندگان، این گواهی را گشوده و آرای آن شمارش می شود. شخصی که دارای بیشترین تعداد آراست، به ریاست جمهوری انتخاب می شود، این در صورتی است که تعداد آرای او، اکثریت کل آرای رأی دهندگان تعیین شده باشد؛ در صورتی که دو نفر حائز اکثریت آرا بوده و تعداد آرای آن ها مساوی باشد، مجلس نمایندگان بلافاصله و با استفاده از برگه های رأی یکی از آن دو را به ریاست جمهوری انتخاب می کند؛ و چنان چه هیچ کس دارای اکثریت آرا نباشد، مجلس نمایندگان به طریقی که توضیح داده شد، از میان پنج نفر اول که دارای بیشترین تعداد آرا هستند، به انتخاب رییس جمهور می پردازد. اما در انتخاب رییس جمهور، رأی گیری توسط ایالات انجام می شود، به این ترتیب که نماینده هر ایالت دارای یک رأی است؛ حد نصاب برای این مقصود، حضور عضو یا اعضای منتخب دو سوم از ایالات است، و اکثریت ایالات برای انتخاب ضرورت دارد. به هر جهت، بعد از انتخاب رییس جمهور، فردی که دارای بالاترین تعداد آرای رأی دهندگان است، به عنوان معاون رییس جمهور انتخاب می شود. اما در صورتی که دو نفر یا بیشتر آرای برابر داشته باشند، سنا از طریق برگه های رأی گیری به انتخاب معاون رییس جمهوری مبادرت می کند.]

تفسیر:

متمم دوازدهم روند انتخاب رییس جمهوری و معاون رییس جمهوری را تغییر داد.

(۴) کنگره زمان گزینش هیئت انتخابی، و روز رأی دادن را تعیین می کند؛ آن روز در سراسر ایالات متحده، یک روز واحد است.

(۵) هیچ کس مگر افرادی که در ایالات متحده متولد شده یا در زمان به اجرا در آمدن این قانون اساسی شهروند ایالات متحده بوده اند، واجد شرایط به عهده گرفتن ریاست جمهوری، نیست؛ افرادی که دارای سی و پنج سال تمام نبوده و کمتر از چهارده سال در ایالات متحده اقامت داشته اند نیز واجد شرایط احراز این مقام نیستند.

(۶) در صورت برکناری رییس جمهوری، یا فوت او، یا استعفای او یا عدم توانایی در تقبل وظایف و اختیارات این مقام، معاون رییس جمهوری جایگزین او می شود، و کنگره طبق قانون در صورت برکناری، فوت، استعفا یا عدم توانایی هر یک از این دو مقام، اعلام می کند کدام شخصیت باید به عنوان رییس جمهوری و بر همان قرار انجام وظیفه کند، تا زمانی که ناتوانی برطرف شده و رییس جمهوری دیگری انتخاب گردد.

تفسیر:

در ۹ اوت سال ۱۹۷۴، پرزیدنت ریچارد م. نیکسون به عنوان رییس قوه مجریه، استعفا داد و معاون او، جerald ر. فورد جای او را گرفت. تا آن زمان، فقط مرگ موجب کوتاه شدن دوره ریاست جمهوری ایالات متحده شده بود. در متمم بیست و پنجم پیش بینی شده در صورتی که رییس جمهوری دچار عدم توانایی شود، معاونش جای او را گرفته و شرایط جانشینی توضیح داده شده است.

(۷) رییس جمهوری، در مواقع معین، پاداشی برای خدماتی که ارائه می دهد، دریافت می دارد، مبلغ این پاداش در دوران ریاست جمهوری او نه کاهش و نه افزایش می یابد، و او در دوران خدمت خود به عنوان رییس جمهوری مجاز نیست از حق الزحمه دیگری از سوی ایالات متحده برخوردار شود.

تفسیر:

قانون اساسی موجبات رییس جمهوری شدن یک فرد فقیر را با اختصاص دادن یک مقرری به او، فراهم می کند. حقوق رییس جمهوری در دوره ریاست جمهوری او کاهش یا افزایش پیدا نمی کند. رییس قوه مجریه مجاز به دریافت هیچ گونه مقرری دیگری از دولت فدرال یا ایالات نمی باشد، البته از مزایای زیادی برخوردار است.

(۸) قبل از آغاز به کار، او باید این گونه سوگند یاد کند: "من سوگند یاد می کنم (یا شهادت می دهم) که با پای بندی به عنوان رییس جمهوری ایالات متحده انجام وظیفه کرده، و با تمام توان خود، به صیانت، حمایت و دفاع از قانون اساسی ایالات متحده بپردازم."

تفسیر:

در قانون اساسی نیامده است که چه کسی باید رییس جمهوری را سوگند دهد. پرزیدنت جورج واشنگتن در این مراسم، در حضور رابرت ر. لیوینگ استون، که در آن زمان یکی از مقامات ایالت در نیویورک بود، سوگند یاد کرد. بعد از آن، مراسم سوگند رییس جمهور با حضور رییس دیوان عالی انجام می شود. کالوین کولیدج را پدرش که یک قاضی بود، در منزل مسکونی خود در ورمونت، سوگند داد. کولیدج مجدداً در حضور آدولف آ. هولینگ، رییس دیوان عالی منطقه کلمبیا سوگند یاد کرد.

اصل دوم

ماده ۲

(۱) رییس جمهوری، زمانی که به خدمت ایالات متحده گماشته می شود، فرمانده کل قوای ارتش و نیروی دریایی ایالات متحده، و نیروهای شبه نظامی ایالات متعدد است؛ او مجاز است نظر کتبی مقامات اصلی هر یک از بخش های اجرایی در مورد هر موضوعی که مربوط به انجام وظایف آن ها می شود را درخواست نماید. او دارای قدرت لغو کردن حکم اعدام و اعطای عفو در مواردی است که جرمی علیه ایالات متحده واقع شده، مگر در موارد اتهام یک مقام دولتی.

تفسیر:

رییس جمهوری به عنوان فرمانده کل قوا از اختیارات گسترده ای برخوردار است. اما حتی در زمان جنگ، باید تابع قوانین کشور باشد.

(۲) او با صلاحدید و مشورت سنا، و کسب دو سوم از آرای موافق نمایندگان حاضر، اختیار عقد معاهدات را دارد؛ او با صلاحدید و مشورت سنا اختیار تعیین سفیران، قضات دیوان عالی، و سایر مقامات ایالات متحده را که انتصاب آن ها به صورت دیگری ممکن نیست، را داراست. اما کنگره می تواند طبق قانون، اختیار انتصاب مقامات جزء، مانند مقامات دادگاه ها و رؤسای وزارت خانه ها را تنها به او بدهد.

تفسیر:

مؤلفان قانون اساسی قصد داشتند در برخی موارد، مجلس سنا به عنوان مشاور رییس جمهوری، عمل کند، مانند مجلس اعیان که در بریتانیا به شاه توصیه های مقتضی می کرد. رییس جمهوری اختیار عقد معاهدات و تعیین مقامات مختلف دولتی را دارد. اما دو سوم از اعضای حاضر مجلس سنا باید قبل از امضا شدن یک معاهده، آن را تأیید نمایند. و همین طور تعیین مقامات بالا مستلزم تأیید بیش از نیمی از سناتورهای حاضر است.

(۳) رییس جمهوری اختیار دارد در دوره تعطیلی سنا، با مأموریت دادن به اشخاصی به صلاحدید خود کرسی های خالی سنا را پر کند، اما این افراد در پایان دوره کار سنا، کرسی خود را از دست می دهند.

تفسیر:

زمانی که سنا تعطیل است، رییس جمهوری اختیار دارد اشخاصی را که تأیید سنا را لازم دارند به طور موقت برای احراز کرسی های خالی تعیین کند.

اصل دوم

ماده ۳

اواخر چند یک بار موظف است وضعیت کشور را به کنگره گزارش دهد، و از توصیه ها و نظرات آنان در مواقعی که مقتضی شناخته شود، استفاده نماید؛ او در مواقع استثنایی می تواند دستور به تشکیل هر دو مجلس، یا هر یک از آن ها را بدهد، و در صورت عدم توافق میان آن ها، با در نظر گرفتن زمان تعطیلی موقت، می تواند برای تأمل بیشتر، آن ها را برای مدتی موقت تعطیل اعلام نماید؛ رییس جمهور اختیار پذیرفتن سفر و سایر نمایندگان دولتی را دارد؛ او باید مراقب اجرای دقیق قوانین باشد؛ او اختیار دارد به همه مأموران دولت اختیارات لازم را داده و وظایفی به آن ها محول کند.

تفسیر:

رییس جمهوری هر ساله نطقی درباره وضعیت کشور به کنگره ایراد می کند. پرزیدنت جورج واشنگتن و پرزیدنت جان آدامز خطابه های خود را شخصاً ایراد می کردند. تا پیش از ۱۰۰ سال بعد از آن، اغلب رؤسای جمهوری پیامی کتبی ارسال می کردند که در کنگره قرائت می شد. پرزیدنت وودرو ویلسون، پیام خود را شخصاً در کنگره ایراد کرد، و همین طور پرزیدنت فرانکلین د. روزولت، و بعد هم همه رؤسای جمهوری بعد از روزولت. برجسته ترین پیام ها به کنگره، شامل دکترین مونرو، و "چهارده نکته" پرزیدنت ویلسون است.

در قرن نوزدهم، رؤسای جمهوری غالباً کنگره را وادار به تشکیل جلسه می کردند. امروز کنگره غالب اوقات تشکیل جلسه می دهد. تا به حال هیچ رییس جمهوری مجبور به تعطیل موقت کنگره نبوده است. مسئولیت "مراقبت از به اجرا درآمدن کامل قانون"، رییس جمهوری را تبدیل به ریاست اجرای قوانین دولت مرکزی می نماید. هر مأمور فدرال، نظامی یا غیر نظامی، از رییس جمهوری کسب اختیار می کند.

اصل دوم

ماده ۴

رییس جمهوری، معاون رییس جمهوری و کلیه مقامات ایالات متحده در صورت اتهام و یا محکومیت به خیانت، قبول رشوه، یا سایر جرم ها و خطاهای سنگین، از کار بر کنار می شوند.

اصل سوم

ماده ۱

قوة قضاييه

اختيارات قوة قضاييه ايالات متحده به ديوان عالي، و دادگاه هاي بدوي كه كنگره به تشكيل و ايجاد آن ها مبادرت مي كند، سپرده مي شود. قضاات ديوان عالي و دادگاه هاي بدوي تا زماني كه كار خلافي از آن ها سر نزنند در مقام خود ابقا مي شوند؛ آن ها در فواصل زماني تعيين شده، از اجرت خدمات خود برخوردار مي شوند كه در طول خدمت آن ها نبايد از ميزان آن كاسته شود.

تفسير:

طبق قانون اساسي، دادگاه هاي فدرال به نسبت قابل ملاحظه اي از كنگره و رييس جمهوري مستقل هستند. ضمانت اين كه قضاات "تا زماني كه كار خلافي از آن ها سر نزنند" در مقام خود ابقا مي شوند به اين معنا است كه، به غير از مورد اتهام و محكوم شدن، آن ها مي توانند مقام خود را به طور مادام العمر حفظ نمايند. اين قانون موجب حمايت از قضاات در برابر تهديد بركناري از سوي رييس جمهوري كه آن ها را انتصاب مي كند، يا هر يك از ديگر رؤساي جمهوري است. قانون عدم كاهش حقوق يك قاضي، حمايت از او در مقابل فشارهاي كنگره است كه در غير اين صورت امكان دارد با در نظر گرفتن حقوق پايين براي قضاات، آن ها را مجبور به استعفا نمايد.

اصل سوم

ماده ۲

(۱) قوة قضاييه در همه موارد تحت قانون ايالات متحده و مساوات در برابر قانون كه در محدوده اين قانون اساسي قيد شده، عمل مي كند، و اين موارد شامل معاهدات منعقد شده، معاهداتي كه بعداً منعقد مي شود، موارد مربوط به سفيران، ساير نمايندگان و كنسولها، موارد مربوط به فرماندهي نيروي دريائي و حوزه قضايي دريائي، اختلافاتي كه يكي از طرفين را ايالات متحده تشكيل مي دهد، اختلافات ميان دو يا چند ايالت، [ميان يك ايالت و شهروندان ايالت ديگر]، ميان شهروندان ايالات مختلف، ميان شهروندان يك ايالت كه ادعای مالكيّت زمين هاي تحت اختيار ايالتي ديگر را دارند، و ميان يك ايالت و شهروندان آن با دول خارجي، [شهروندان يا تبعه هاي آن]، مي شود.

تفسير:

حق رسيدگي دادگاه هاي فدرال "به مواردی كه در محدوده این قانون اساسی پیش می آید"، مبنای حق ديوان عالي در اعلام مغايرت قوانين كنگره با قانون اساسي است. حق "بررسی قضايي" به زمان تصميم تاريخ ساز جان مارشال، رييس ديوان عالي در پرونده ماربري در برابر مديسون در سال ۱۸۰۳ باز می گردد.

در متمم یازدهم، جمله "میان یک ایالت و شهروندان ایالت دیگر" کنار گذاشته شده و به پرونده های حقوقی شهروندان، علیه یک ایالت، در دادگاه های فدرال رسیدگی نمی شود.

(۲) در مواردی که مربوط به سفیران، نمایندگان دولتی و کنسول های می شود، و در مواردی که یکی از طرفین دعوا را ایالت تشکیل می دهد، دیوان عالی دارای صلاحیت قضایی می باشد. در سایر مواردی که قبلاً ذکر شد، دیوان عالی، در محدوده استثنایها و مقرراتی که از سوی کنگره تعیین می شود، بعد از دادگاه های بدوی اظهار نظر می کند.

تفسیر:

قید این که دیوان عالی دارای صلاحیت قضایی در موارد مربوط به دول خارجی و نمایندگان آن ها و در مواردی که یکی از طرفین دعوا را دولت ایالتی تشکیل می دهد، این است که پرونده های از این دست، مستقیماً به دیوان عالی ارجاع داده می شود. حال آن که در سایر موارد، پرونده ها ابتدا در دادگاه های بدوی مورد رسیدگی قرار می گیرد، و در صورتی که کنگره برای آن ها در خواست استیناف کرده باشد، به دیوان عالی ارجاع می شوند. کنگره اختیار صلب یا تغییر صلاحیت قضایی دیوان عالی را ندارد، اما می تواند حق فرجام خواهی از آن را گرفته یا برای ارائه فرجام خواهی به دیوان عالی، داشتن شروط خاصی را مقرر کند.

(۳) محاکمه کلیه جرائم، به استثنای اتهام یک مقام دولتی، باید با حضور هیئت منصفه انجام گیرد؛ این محاکمه در ایالتی برگزار می شود که جرم در آن وقوع یافته است؛ اما اگر در هیچ یک از ایالات واقع نشده باشد، محاکمه در مکان یا مکان هایی برگزار می شود که کنگره از طریق قانون تعیین کند.

اصل سوم

ماده ۳

(۱) خیانت به ایالات متحده، به معنای جنگیدن علیه آن، یا پیوستن به صفوف دشمن، و کمک به آن است. هیچ کس مگر با شهادت دو شاهد بر انجام گرفتن خیانت، یا اعتراف به آن در دادگاه علنی، نباید محکوم به خیانت گردد.

تفسیر:

نمی توان شخصی را، بدون وجود حداقل دو شاهد که در مورد اقدامات خیانت آمیز او شهادت دهند، یا اعتراف او در دادگاه علنی، محکوم به خیانت به ایالات متحده نمود. صحبت از خیانت یا قصد آن، به معنای انجام آن نیست.

(۲) کنگره اختیار تعیین مجازات برای فرد محکوم به خیانت را دارد، اما محکومیت فرد تقصیر کار به بستگان او بسط نمی یابد، و فقط متوجه او در زمان حیاتش است.

تفسیر:

عبارت "محکومیت فرد تقصیر کار به بستگان او بسط نمی یابد" یعنی خانواده فرد خیانتکار در این گناه مشارکت ندارد. سابق بر این، خانواده افراد مجرم را نیز مجازات می کردند.

اصل چهارم

(بخش های متعددی از این اصل، واژه به واژه از اصول کنفدراسیون اقتباس شده است)

ماده ۱

مناسبات میان ایالات

ایالات باید قوانین و مصوبات، اسناد و مدارک، و حکم های قضایی یک دیگر را محترم بدانند. و کنگره با استفاده از قوانین، توضیح می دهد که این مصوبات، اسناد و مدارک و احکام چگونه اثبات پذیر هستند.

تفسیر:

در این ماده تصریح شده که ایالات باید اعتبار قوانین، اسناد و مدارک و احکام قضایی یک دیگر را به رسمیت بشناسند.

اصل چهارم

ماده ۲

(۱) شهروندان هر ایالت دارای امتیازات و مصونیت شهروندان دیگر ایالات هستند.

تفسیر:

این به آن معناست که شهروندانی که از ایالتی به ایالت دیگر سفر می کنند، می توانند از امتیازات و مصونیت های شهروندان آن ایالت برخوردار باشند. برخی امتیازات، مانند حق رأی، خود به خود با تابعیت همراه نیست، بلکه مستلزم اقامت دوره ای در ایالت و یا کسب صلاحیت های دیگر است. واژه شهر وند در این بند، انجمن های شهر را شامل نمی گردد.

(۲) اگر شخصی در یکی از ایالات به خیانت، جنایت یا جرم های دیگر محکوم شده و از دست قانون بگریزد، و در ایالت دیگری دستگیر شود، باید طبق درخواست مقام اجرایی ایالتی که از آن گریخته است، به ایالتی که جرم در محدوده قضایی آن واقع شده، تحویل داده شود.

تفسیر:

اگر شخصی در ایالتی مرتکب جرم شده و به ایالت دیگری بگریزد، فرماندار ایالتی که جرم در آن واقع شده می تواند درخواست استرداد مجرم را نماید. به این فرایند، استرداد مجرم گفته می شود. در موارد نادری، فرماندار از استرداد مجرم سر باز زده است. علت این کار می تواند وقوع جرم در سال های قبل

بوده، و یا عدم اطمینان فرماندار از برخورداری مجرم از محاکمه ای منصفانه در ایالت دیگر باشد.

(۳) [هیچ فردی که به کار و خدمت در ایالتی، و تحت قوانین آن ایالت اشتغال دارد، در صورتی که به ایالتی دیگر بگریزد مجاز نیست که طبق قوانین و مقررات ایالت دوم، از کار و خدمتش منصرف گردد، بلکه باید به طرف مدعی این کار و خدمت، مسترد شود.]

تفسیر:

منظور از "فردی که به کار و خدمت اشتغال دارد"، برده یا خدمتکار قراردادی (فردی که به واسطه بستن قرارداد های چندین سال موظف به ارائه خدمت است) است. اکنون کسی در ایالات متحده مجبور به خدمت نیست، به همین علت، این بخش از قانون اساسی، با اضافه شدن متمم سیزدهم، قدرت اجرایی ندارد.

اصل چهارم

ماده ۳

مناسبات میان دولت فدرال و ایالات

(۱) اعطای مجوز ورود ایالات جدید در اتحادیه، با کنگره است؛ اما هیچ ایالت جدیدی نباید در حوزه قضایی ایالات دیگر شکل بگیرد؛ یا ایالتی از الحاق دو یا چند ایالت، یا بخش هایی از ایالات، بدون موافقت و تأیید مجالس قانونگذاری ایالات مربوط و همین طور کنگره، تشکیل شود.

تفسیر:

ایالات جدید بدون موافقت مجلس قانونگذاری ایالتی و کنگره، نباید از تقسیم یا الحاق ایالات موجود تشکیل گردند. در طی جنگ های داخلی (۱۸۶۵-۱۸۶۱)، ویرجینیا برای کنفدراسیون مبارزه می کرد اما اهالی غرب این ایالت طرفدار اتحادیه بودند. بعد از جدایی ویرجینیای غربی از ویرجینیا، کنگره موجودیت این ایالت جدید را بر مبنای شورش کردن ویرجینیا قبول کرد.

(۲) کنگره دارای اختیار وضع یا لغو قوانین و مقررات مربوط به سرزمین و مایملک ایالات متحده است؛ و این قانون اساسی نباید طوری تعبیر گردد که در مورد ادعای ایالات متحده یا هر کدام از ایالات موجب پیش دآوری گردد.

اصل چهارم

ماده ۴

ایالات متحده برای هریک از ایالات خود متضمن یک دولت جمهوری است، و از آن ها در برابر تهاجمات دفاع می کند؛ و برای رویارویی با خشونت های داخلی از طریق قوه قانونگذاری یا مجریه (در صورتی که

مجلس قانونگذاری تشکیل نشود) اقدام می کند.

تفسیر:

در این ماده دولت فدرال اطمینان حاصل می کنند که ایالات از حکومت جمهوری برخوردار هستند. در حکومت جمهوری، مردم به انتخاب نمایندگان دولت می پردازند. دیوان عالی مقرر کرده است که کنگره باید در مورد حکومت جمهوری ایالات تصمیم بگیرد، و نه دادگاه ها. هر گاه کنگره، سناتور ها و نمایندگان ایالتی را بپذیرد، به معنای تأیید جمهوری در آن ایالت است.

مجلس قانونگذاری یا فرماندار ایالت، در صورت نیاز به مبارزه با شورش ها یا وقوع خشونت های داخلی، می تواند تقاضای کمک فدرال نماید. اما رئیس جمهور نیازمند رضایت ایالت مذکور جهت اعزام نیروهای فدرال، از جمله نیروهای نظامی جهت برقراری قوانین فدرال، ندارد. هنگام اعتصاب پولمن در سال ۱۸۹۴، دولت فدرال نیروهایی به ایلینوئیس اعزام کرد، هر چند فرماندار این ایالت در خواست کمک نکرده بود. در سال ۱۹۵۷، پرزیدنت آیزنهاور گارد ملی آرکانزاس را اعلام کرد تا آن را از تحت فرماندهی فرماندار آرکانزاس، اوروال فوبوس، در آورده و بتواند آن ها را به طور مشترک با ارتش ایالات متحده، برای به اجرا درآوردن حکم قاضی فدرال منطقه مبنی بر رفع تبعیض نژادی در مدارس لیتل راک، به این محل اعزام کند.

اصل پنجم

اصلاح قانون اساسی

کنگره هنگامی که دو سوم از نمایندگان هر دو مجلس ضروری تشخیص دهند، اصلاحیه هایی به قانون اساسی اضافه خواهد کرد، یا در به اجرا درآوردن قوانین دو سوم از ایالات، برای پیشنهاد متمم ها، کنوانسیون تشکیل می دهد که در هر دو حال، زمانی که از سوی سه چهارم از قانونگذاران ایالات، یا توسط سه چهارم از کنوانسیون های تشکیل شده در ایالات، هر طور که کنگره دستور دهد، تصویب شود، از هر لحاظ معتبر بوده و بخشی از این قانون اساسی شمرده می شود؛ به شرطی که [متمم هایی که قبل از سال یک هزار و هشتصد و هشت تصویب می شوند، شامل بند های اول و چهارم ماده نهم در اصل اول نباشند؛ و] هیچ ایالتی بدون موافقت خود از حق رأی برابر در سنا محروم نشود.

تفسیر:

متمم ها به پیشنهاد دو سوم از آرای هر یک از مجالس کنگره، یا از طریق یک کنوانسیون ملی که توسط کنگره و به درخواست دو سوم از ایالات تشکیل می شود، مطرح می گردند. این متمم ها برای الحاق به قانون اساسی، باید از سوی قانونگذاران سه چهارم از ایالات یا کنوانسیون های سه چهارم از ایالات، تصویب شوند.

مؤلفان قانون اساسی مخصوصاً ترتیبی پیش بینی کرده اند که الحاق متمم ها به سختی صورت بگیرد.

کنگره بیش از ۹,۰۰۰ متمم را مورد بررسی قرار داده اما فقط ۳۳ متمم مطرح شده و به ایالات ابلاغ گردیده است. و از میان آن ها ۲۷ متمم به تصویب رسیده است. فقط یک متمم، متمم بیست و یکم، از طریق کنوانسیون های ایالتی تصویب شد. بقیه، از طریق قانونگذاران ایالتی مورد تصویب قرار گرفتند.

قانون اساسی برای تصویب متمم های پیشنهادی، محدودیت زمانی قائل نمی شود. اما دادگاه ها اعتقاد دارند که این امر باید در مدت زمانی منطقی صورت گیرد، و این مدت زمان منطقی را کنگره تعیین می کند، همان طور که اعلان رسمی متمم بیست و هفتم در ۷ مه ۱۹۹۲ - یعنی بیش از ۲۰۲ سال بعد از پیشنهاد آن - صورت گرفت. از اوایل قرن بیستم، غالب متمم ها مشروط به تصویب در مدت زمانی معادل هفت سال بوده است.

اصل ششم

بدهی های ملی

(۱) کلیه بدهی ها و تعهداتی که قبل از تصویب این قانون اساسی تنظیم شده اند، طبق این قانون اساسی و طبق اصول کنفدراسیون، معتبر هستند.

تفسیر:

در این ماده تصریح شده که کلیه بدهی ها و تعهدات مالی ایالات متحده قبل از تصویب این قانون اساسی، به قوه خود باقی بوده و قابل باز پرداخت هستند.

برتری دولت ملی

(۲) قانون اساسی، و قوانین ایالات متحده که با رعایت آن وضع می شود، و تحت اختیارات ایالات متحده، همه پیمان های منعقد و یا آن هایی که بعداً منعقد می گردد؛ و قضات هر ایالت محدود به همان ایالت هستند، و هر مورد در قانون اساسی یا قوانین هر ایالت، مطیع قانون اساسی که قانون برتر کشور است، هستند.

تفسیر:

این ماده که به آن بند برتری می گویند، رکن اصلی قانون اساسی نام دارد - یعنی محوری که تمامی این ساختار را سر پا نگه داشته است. معنی آن، این است که وقتی قوانین ایالتی با قوانین ملی مغایرت می یابند، قوانین ملی برتر هستند. و این که، اعتبار قوانین ملی در گروه هماهنگی با قانون اساسی است.

(۳) سناتور ها و نمایندگان که قبلاً به آن ها اشاره شد، و اعضای مجالس قانونگذاری ایالات، و کلیه مقامات اجرایی و قضایی ایالات متحده و ایالات، باید در حمایت از این قانون اساسی سوگند یاد کنند؛ اما برای تعیین صلاحیت مقامات ایالات متحده هیچ آزمایش مذهبی جایز نیست.

تفسیر:

در این ماده خواسته می شود که مقامات فدرال و ایالتی، وفاداری خود را به قانون اساسی ایالات متحده اعلام کنند. در این ماده برگزاری هر نوع امتحان اعتقادی برای عهده دار شدن مناصب فدرال مغایر با قانون اساسی شناخته شده است. این پیش بینی فقط مربوط به دولت ملی است، اما متمم چهاردهم، این قانون را به دولت های ایالتی و محلی نیز تعمیم می دهد.

اصل هفتم

تصویب قانون اساسی

تصویب کنوانسیون نه ایالت، برای تثبیت این قانون اساسی میان ایالاتی که آن را به تصویب رسانده اند بسنده می کند.

(نوشته زیر نشان دهنده اصلاحات رونوشت در مورد سند اصلی است.)
کلمه the که میان خطوط هفتم و هشتم صفحه اول نوشته شده، کلمه Thirty که بخشی از آن در پاک شدگی خط پانزدهم صفحه اول است. کلمات is tried در میان خطوط سی و دوم و سی و سوم صفحه اول و کلمه the در میان خطوط چهل و سوم و چهل و چهارم صفحه دوم نوشته شده است.
به گواهی ویلیام جکسون، منشی
تنظیم شده در کنوانسیون به اتفاق آرای ایالات حاضر در روز هفدهم سپتامبر سال میلادی یک هزار و هفتصد و هشتاد و هفت و استقلال ایالات متحده آمریکا دوازدهمین
به عنوان شاهد ما در این جا اسامی خود را ثبت می کنیم،

جورج واشنگتن - رئیس جمهوری و نماینده ویرجینیا

نیوهمشایر

جان لنگدون - John Langdon
نیکلاس گیلمن - Nicholas Gilman

ماساچوست

ناتانیل گورهام - Nathaniel Gorham
روفوس کینگ - Rufus King

کانتیکات

ویلیام ساموئل جانسون -
Wm. Saml. Johnson
راجر شرمن - Roger Sherman

نیویورک

الکساندر هامیلتون - Alexander Hamilton

دلاور

جورج رید - Geo: Read
گانینگ بدفورد جونیور -

Gunning Bedford jun

جان دیکینسون - John Dickinson
ریچارد باست - Richard Bassett
جکوب بروم - Jaco: Broom

مریلند

جیمز مک هنری - James McHenry
دان اف سنت توماس جنیفر -
Dan of St Thos. Jenifer
دانیل کارول - Danl Carroll

ویرجینیا

جان بلر - John Blair
جیمز مدیسون جونیور - James Madison Jr

کارولینای شمالی

Wm. Blount - ویلیام بلونت

Richd. Dobbs Spaight - ریچارد دوبز اسپیت

Hu Williamson - هیو ویلیامسون

کارولینای جنوبی

J. Rutledge - جان روتلج

چارلز کوتسورت پینکنی -

Charles Cotesworth Pinckney

چارلز پینکنی - Charles Pinckney

Pierce Butler - پیرس باتلر

جورجا

William Few - ویلیام فیو

Abr Baldwin - ابراهام بالدوی

نیوجرسی

Wil: Livingston - ویلیام لیوینگ استون

David Brearley - دیوید بریرلی

Wm. Paterson - ویلیام پاترسون

Jona: Dayton - جاناتان دیتون

پنسیلوانیا

B Franklin - بنجامین فرانکلین

Thomas Mifflin - توماس میفلین

Robt Morris - رابرت موریس

Geo. Clymer - جورج کلایمر

Thos. FitzSimons - توماس فیتزسیمونز

Jared Ingersoll - جارد اینگرسول

James Wilson - جیمز ویلسون

Gouv Morris - فرماندار موریس

اصلاحیه های قانون اساسی ایالات متحده

همراه با یادداشت های تکمیلی

۱۰ اصلاحیه نخستین قانون اساسی که به اعلامیه حقوق معروفند، در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۱۷۸۹ طرح و در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱ از تصویب گذشتند. این اصلاحیه ها در ابتدا تنها برای دولت مرکزی (فدرال) محدودیت هایی به وجود آوردند. اما در اصلاحیه چهاردهم اعلام شده که هیچ ایالتی بدون "انجام مراحل قانونی مقتضی" حق سلب آزادی، مالکیت و زندگی از افراد را ندارد. تعبیر دادگاه عالی از این اصلاحیه این گونه است که بخش اعظم اعلامیه حقوق برای ایالات و نیز دولت های محلی آنان محدودیت هایی ایجاد می کند.

اصلاحیه ها و الحاقات قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، پیرو ماده پنج قانون اساسی اولیه آمریکا، از طرف کنگره این کشور طرح شدند به تصویب چندین ایالت رسیدند.

منشور حقوق

اصلاحیه شماره ۱

آزادی مذهب، بیان، و مطبوعات: حق برگزاری اجتماعات و ارائه دادخواست

کنگره در خصوص استقرار مذهب، سلب پیروی آزادانه از آن، یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات، یا حق افراد در برگزاری اجتماعات آرام، و دادخواهی مردم از حکومت برای جبران خسارات، حق قانونگذاری ندارد.

تفسیر:

بسیاری از کشورها مذهب مشخصی را به عنوان مذهب رسمی خود اعلام کرده و با بودجه های دولتی به حمایت از آن می پردازند. این اصلاحیه کنگره را از استقرار یک مذهب مشخص یا کمک به تشکیل یک کلیسای رسمی منع می کند. از این متمم چنین بر می آید که دولت حق پشتیبانی و حمایت از عقاید مذهبی را دارا نیست. علاوه بر این، کنگره حق تصویب قوانینی را که به محدود کردن عبادت و نیز آزادی بیان و مطبوعات می انجامد و یا افراد را از برگزاری اجتماعات آرام باز می دارد ندارد. همچنین کنگره حق بازداشتن مردم را از طرح شکایت برای رهایی از رفتار ناعادلانه دولت و جبران زیانهای وارده به آنان ندارد. دادگاه عالی متمم شماره ۱۴ را به عنوان اولین اصلاحیه قانون اساسی برای ایالات و نیز دولت فدرال لازم الاجرا می داند.

منشور حقوق

اصلاحیه شماره ۲

حق حمل و نگهداری اسلحه

از وجود يك نیروی منظم شبه نظامی ضروری برای امنیت یک ایالت آزاد و نیز حق مردم برای حمل و نگهداری اسلحه جلوگیری به عمل نمی آید.

تفسیر:

این اصلاحیه را می توان به دو صورت تعبیر کرد. برخی افراد بر این باورند که به شهروندان معمولی حق داشتن سلاح گرم را می دهد، و گروهی دیگر معتقدند که این اصلاحیه به ایالات حق داشتن نیروی شبه نظامی خاص خود را می دهد.

منشور حقوق

اصلاحیه شماره ۳

اسکان سربازان

هیچ سربازی چه در زمان صلح چه در زمان جنگ بدون رضایت صاحب خانه نمی تواند در خانه ای سکنی گزیند، مگر قانون اجازه این عمل را داده باشد.

تفسیر:

این اصلاحیه نتیجه مستقیم شکایتی قدیمی علیه بریتانیا بود که مردم را مجبور می کرد سربازان را به خانه های خود ببرند.

منشور حقوق

اصلاحیه شماره ۴

احکام تفتیش و بازداشت

حق مصونیت اشخاص به صورت فردی، در خانه، در نامه ها، اوراق و اسناد آنان و مصونیت دارایی های آنان به واسطه تفتیش و توقیف غیر موجه نباید مورد تعرض قرار گیرد، و هیچ حکمی نباید در این خصوص صادر گردد مگر بر پایه دلیلی محتمل و متکی به سوگند و یا تائید رسمی و به ویژه با شرح و توضیح در باره محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شوند.

تفسیر:

این اقدام مقامات قانونی را از تفتیش، توقیف اموال و یا بازداشت افراد منع نمی کند. بلکه صرفاً بر این امر تاکید دارد که در بیشتر موارد مقامات در صورت نیاز این اقدامات را به قاضی ارائه و از وی حکم دریافت کنند. از دیدگاه دادگاه عالی مدارکی که در نتیجه تخطی از اصلاحیه شماره ۴ به دست آمده باشد، در دادگاه جنایی اعتبار نخواهند داشت.

حقوق مربوط به پرونده های جنایی هیچ شخصی به سبب ارتکاب یک جرم سنگین یا به نحو دیگری ناهنجار، گناهکار شناخته نخواهد شد، مگر بر اساس کیفر خواست یا اعلام جرم هیئت عالی منصفه، مگر در موارد مربوط به نیروهای زمینی، دریایی یا نیروهای شبه نظامی که عملاً در حال خدمت در زمان جنگ یا مخاطرات عمومی باشند. همچنین هیچ کس برای یک جرم دوبار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ کس در هیچ مورد کیفری به اقرار به تخلف خود مجبور نمی شود، و هیچکس بدون طی مراحل قانونی مقتضی از حق زندگی، آزادی و دارایی خویش محروم نخواهد شد. همچنین اموال خصوصی افراد بدون پرداخت غرامت عادلانه برای استفاده عمومی به مصادره در نمی آید.

تفسیر:

جرم سنگین به جرمی اطلاق می شود که مجازات آن مرگ است. جرم ناهنجار جرمی است که می تواند با مجازات مرگ یا زندان همراه شود. این اصلاحیه تضمینی ست بر اینکه هیچ شخصی بدون متهم شدن از سوی هیئت منصفه عالی به واسطه چنان جرمی که جنبه فدرال دارد در دادگاه محاکمه نمی شود. هیات عالی منصفه گروهی است از افراد منتخب برای تصمیم گیری در این مورد که آیا مدارک کافی دال بر برگزاری دادگاه برای یک فرد وجود دارد یا نه. دولت نمی تواند فردی را به دلیل ارتکاب دوباره یک جرم، دو بار به دادگاه بکشانند. اما در صورت عدم حصول اجماع در هیئت منصفه در مورد صدور حکم، و در صورتی که به هر دلیل حکمی نادرست علیه فرد صادر شده باشد، یا وی خواستار محاکمه دیگری شود، وی را می توان برای بار دیگر به دادگاه احضار کرد. این اصلاحیه در عین حال مقرر می دارد که هیچکس را نمی توان به زور وادار به اقرار و شهادت علیه خود کرد.

ماده مربوط به طی "مراحل مقتضی" که اعلام می دارد هیچکس را نمی توان بدون "انجام مراحل قانونی مقتضی" از حق زندگی، آزادی، و تملکات محروم کرد، از مهمترین مواد قانون اساسی ست. عبارت مشابهی در اصلاحیه چهاردهم وجود دارد که به محدودیت اختیارات ایالات اشاره دارد. این عبارت بیانگر این نظر است که زندگی، آزادی و تملکات فرد تحت استیلائی مستقیم مقامات دولتی قرار ندارد. رد این نظر را می توان در ماگنا کارتا [اعلامیه ای که اساس حقوق و آزادی های مردم انگلستان را تشکیل می دهد] جستجو کرد، آن اعلامیه مقرر کرده بود که پادشاه انگلستان قادر نیست فردی را به زندان بیفکند یا به او صدمه ای وارد کند، مگر به موجب یک محاکمه قانونی توسط اعضای مجلس اعیان و یا قوانین کشور. دادگاه عالی ماده مراحل مقتضی را در وضعیت های گوناگونی قابل اجرا می داند، چنین ماده ای همچنین در اصلاحیه چهاردهم وجود دارد که ایالات را با یک رشته محدودیت ها روبرو می سازد. تا اواخر دهه ۱۹۰۰ دادگاه از این ماده برای الغای قوانینی که به مداخله در آزادی های فردی افراد می انجامید سود می جست.

این اصلاحیه همچنین دولت را از توقیف دارایی افراد برای استفاده های عمومی و عدم پرداخت غرامت منصفانه برای آن باز می دارد. حق دولت در توقیف اموال برای مصارف عمومی به "قلمرو برخوردار از اولویت" موسوم است. دولت ها از آن به منظور گرفتن زمین برای ساختن شاهراه، مدرسه، و دیگر تاسیسات و تسهیلات عمومی استفاده می کند، اما آنها موظف اند در عوض آن غرامت منصفانه ای به مالک پرداخت کنند.

منشور حقوق اصلاحیه شماره ۶

حقوق مربوط به محاکمه عادلانه

در تمامی دادرسی های کیفری، متهم از حق محاکمه سریع و علنی توسط هیئت منصفه ای بی طرف از ایالت و منطقه ای که جرم در آن رخ داده برخوردار است، منطقه مذکور باید پیشاپیش از سوی قانون تعیین شده باشد، وی همچنین از حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام خود، حق مواجهه با شهودی که علیه وی شهادت می دهند، داشتن وقت و امکان لازم جهت احضار شهود به نفع خود، و داشتن وکیل به منظور دفاع از خود برخوردار است.

تفسیر:

فردی که به ارتکاب جنایتی متهم شده باید بلافاصله توسط يك هیئت منصفه به طور عادلانه مورد محاکمه عمومی قرار گیرد. نیاز به محاکمه سریع و عمومی از آنجا نشأت گرفته که برخی از محکمه های سیاسی در انگلستان سال ها به تاخیر می افتادند و بعد از آن نیز به طور مخفی برگزار می شدند. فرد متهم باید از تمامی اتهامات وارده به خود آگاهی یابد و باید حق ملاقات رو در رو با شاهدانی را که علیه او شهادت داده اند داشته باشد. در صورتی که دادگاه اجازه دهد که از شهادت شاهدی ناشناس به عنوان مدرک علیه متهم استفاده شود، این احتمال به وجود می آید که فرد بی گناهی مجازات شود. این اصلاحیه تضمین می کند که فرد تحت محاکمه می تواند با مدعی خود روبرو شود و او را مورد پرسش و بازجویی قرار دهد. و سرانجام اینکه فرد متهم در صورت تمایل از حق داشتن وکیل مدافع برخوردار است. چنانچه متهم جنایی توان مالی استفاده از وکیل را نداشته باشد، دادگاه عالی مقرر کرده است که يك نفر به دفاع از متهم منصوب شود.

منشور حقوق اصلاحیه شماره ۷

حقوق مربوط به دعاوی مدنی

در دعاوی مربوط به حقوق غیرمدون، زمانی که که ارزش موضوع مورد اختلاف بیش از بیست دلار باشد، حق دادرسی از سوی هیئت منصفه محفوظ است و هر جرمی که مورد رسیدگی هیئت منصفه قرار گیرد، در هیچ دادگاه دیگری در ایالات متحده به هر روش دیگری مورد رسیدگی مجدد قرار نخواهد گرفت مگر بر اساس موازین ناشی از حقوق غیرمدون.

تفسیر:

اصلاحیه ششم به حق دادرسی هیئت منصفه در موارد جنایی می پردازد. اصلاحیه هفتم به دادرسی های مدنی در صورتی که مبلغ موضوع دعوی از بیست دلار تجاوز می کند، اختصاص دارد. این اصلاحیه تنها در دادگاه های فدرال لازم الاجراست. اما بسیاری از ایالت ها به موجب قانون اساسی نیز حق دادرسی هیئت منصفه را در مورد مسائل مدنی و نیز موارد جنایی لازم می دانند.

منشور حقوق اصلاحیه شماره ۸

وجه الضمان، جریمه و مجازات

دریافت وجه الضمان سنگین، جزای نقدی بیش از حد معمول و یا مجازات ناعادلانه یا غیر متعارف مجاز نیست.

تفسیر:

وجه الضمان و اعمال جریمه و مجازات باید منصفانه و انسانی باشد. در پرونده مربوط به شکایت فورمن علیه ایالت جورجیا، دادگاه عالی در سال ۱۹۷۲ اعلام کرد که مجازات اعدام، به ترتیبی وضع شده که، این اصلاحیه را نقض کرده است. دادگاه اعلام داشت که اعدام مجازاتی ظالمانه و غیر متعارف است زیرا به صورت منسجم و عادلانه اعمال نشده است. پس از این تصمیم، بسیاری از ایالات قوانین جدیدی در خصوص اعمال مجازات اعدام وضع کردند که همگی در مطابقت با دیدگاه های دادگاه عالی بود. دادگاه اعلام کرد که مجازات مرگ را می توان در خصوص جرایم سنگین اعمال کرد، مشروط بر اینکه معیارهای بخصوصی وضع شود تا از اعمال خودسرانه و خلاف قانون مجازات اعدام جلوگیری به عمل آید.

منشور حقوق اصلاحیه شماره ۹

حقوق مردم

برشمردن برخی حقوق در قانون اساسی به مفهوم نفی یا انکار سایر حقوق مردم نیست.

تفسیر:

برخی افراد نگران این مسئله بودند که فهرست کردن پاره ای از حقوق در اعلامیه حقوق را می توان چنین تعبیر کرد که از دیگر حقوقی که در این فهرست نیامده اند دفاع نخواهد شد. این اصلاحیه وضع شد تا از چنان سوء تعبیری جلوگیری به عمل آید.

منشور حقوق اصلاحیه شماره ۱۰

اختیارات ایالات و مردم

اختیاراتی که به موجب قانون اساسی به ایالات متحده اعطا نگشته و یا برای ایالات ممنوع نشده باشد، به ترتیب برای ایالات و یا برای مردم محفوظ خواهد ماند.

تفسیر:

این اصلاحیه وضع شد تا به مردم اطمینان داده شود که دولت ملی حق و حقوق ایالات را زیر پا نخواهد گذاشت. این خود تائیدی ست بر این مطلب که ایالات و یا مردم از تمامی اختیاراتی که به دولت ملی داده نشده برخوردارند. برای مثال، ایالات در مورد مسائلی چون ازدواج و طلاق دارای اختیار هستند.

اصلاحیه شماره ۱۱

دعای علیه ایالات

این اصلاحیه در ۴ مارس ۱۷۹۴ طرح و در ۷ فوریه ۱۷۹۵ به تصویب رسید. اختیارات قضایی ایالات متحده به مفهوم تجاوز از حدود و سوء استفاده در دعوی قانونی از سوی شهروندان يك ایالت دیگر یا یک دولت خارجی علیه شهروندان ایالات متحده نیست.

تفسیر:

این اصلاحیه شهروندان يك ایالت را از طرح شکایت علیه ایالتی دیگر در دادگاه فدرال باز می دارد. این اصلاحیه در پی دعوی شرلی شیزم علیه ایالت جورجیا وضع شد، در این دعوی مردی از اهالی کارولینای جنوبی به خاطر مسائل مربوط به ارث به طرح دعوی علیه ایالت جورجیا پرداخت. ایالت جورجیا اعلام داشت که نمی توان در دادگاه فدرال از آن شکایت کرد، اما دادگاه عالی حکم داد که این کار امکان پذیر است. سپس این ایالت رهبری جنبشی را برای افزودن این اصلاحیه به قانون اساسی به عهده گرفت. با این حال، افراد هنوز هم می توانند علیه مقاماتی که آنان را از حقوق اساسی شان محروم کرده اند، برای احقاق حق خود در دادگاه فدرال دست به شکایت بزنند.

اصلاحیه شماره ۱۲

انتخاب رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری

این اصلاحیه در ۹ دسامبر ۱۸۰۳ طرح و در ۲۷ جولای ۱۸۰۴ به تصویب رسید.

رای دهندگان در ایالات متبوع خود گرد هم می آیند و با رای خود، رئیس جمهوری و معاون وی را که حداقل یکی از آن دو از اهالی ایالت رای دهنده نیست، انتخاب می کنند. رای دهنده در يك برگه، نام شخصی که به عنوان رئیس جمهوری و در برگه ای دیگر نام شخصی که به عنوان معاون رئیس جمهوری مد نظر دارد قید می کند. فهرستی از اسامی کسانی که به عنوان رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری به آنان رای داده می شود همراه با تعداد آراء هر يك تهیه و با امضا و گواهی، مهور شده به مهر حکومت ایالات متحده به رئیس مجلس سنا ارسال می گردد. رئیس سنا در حضور اعضای سنا و مجلس نمایندگان همه تائیدیه را می گشاید و سپس آرا شمارش می شوند. شخصی که بیشترین تعداد آراء را برای تصدی ریاست جمهوری به دست آورده، به عنوان رئیس جمهوری معرفی می شود، مشروط بر آنکه وی اکثریت مجموع آراء نامی رای دهندگان تعیین شده را به دست آورده باشد. چنانچه هیچ فردی حائز اکثریت آراء نباشد، در فهرست کسانی که به آنان به عنوان رئیس جمهوری رای داده شده است، و از میان حداکثر سه نفر که بالاترین تعداد

آراء را به دست آورده اند، مجلس نمایندگان بی درنگ با رای گیری رئیس جمهوری را انتخاب می کند. اما در انتخاب رئیس جمهوری باید از ایالات رای گیری شود و نماینده هر ایالت دارای يك رای است. حد نصاب لازم برای این منظور حضور عضو یا اعضای دو سوم همه ایالات است و رای اکثریت تمام ایالات برای این انتخاب ضروری است. اگر مجلس نمایندگان هنگامی که حق انتخاب به آن تفویض می شود (تا روز چهارم ماه مارس بعد) رئیس جمهوری را انتخاب نکند، به موجب قانون اساسی، معاون رئیس جمهوری همانند مواقع فوت یا سایر ناتوانی های ذکر شده در قانون اساسی، به عنوان جانشین رئیس جمهور انجام وظیفه خواهد کرد. فردی که بیشترین تعداد آراء را به عنوان معاون رئیس جمهوری به دست آورده باشد، دارای این سمت خواهد شد، و چنانچه هیچ کس حائز چنین اکثریتی نشود، مجلس سنا از میان دو نفر از دارندگان بیشترین آراء مربوط به مقام معاونت رئیس جمهوری، يك نفر را انتخاب خواهد کرد. حد نصاب لازم برای این منظور حضور دو سوم از کل اعضای سنا است. برای این انتخاب اکثریت کل آراء ضروری است. اما فردی که از نظر قانون اساسی برای مقام ریاست جمهوری دارای صلاحیت نباشد، برای سمت معاونت ریاست جمهوری ایالات متحده نیز دارای صلاحیت نیست.

تفسیر:

این اصلاحیه مقرر می دارد که اعضای هیئت انتخاب کننده رئیس جمهور، یا همان رای دهندگان، فردی را به عنوان رئیس جمهوری و فردی دیگر را به عنوان معاون وی برگزینند. این اصلاحیه به دنبال انتخابات سال ۱۸۰۰ تدوین شد. در آن زمان، رای دهندگان به دو تن رای می دادند و در برگیره رای آنان اعلام نمی شد که این دو رای مربوط به کدامیک از دو سمت ریاست جمهوری یا معاونت رئیس جمهوری است. فردی که بیشترین آراء را کسب می کرد به عنوان ریاست جمهوری و نفر بعد از او به عنوان معاون وی برگزیده می شد. تامس جفرسون نامزد ریاست جمهوری حزب دموکات و ایرون بور نامزد سمت معاونت رئیس جمهوری آن حزب آراء یکسانی به دست آوردند. این مسئله کار انتخاب را به مجلس نمایندگان گشایند، جایی که حزب مخالف و فدرالیست ها اکثریت کرسی ها را در اختیار داشتند. مجلس سرانجام جفرسون را به عنوان رئیس جمهوری برگزید، اما این انتخاب بسیار طول کشید به حدی که مردم نگران بودند که شاید رئیس جمهوری تا روزی که برای شروع کار رئیس جمهوری مقرر شده بودانتخاب نشود.

اصلاحیه شماره ۱۳

الغای بردگی

این اصلاحیه در ۳۱۴ ژانویه ۱۸۶۵ طرح و در ۶ دسامبر ۱۸۶۵ به تصویب رسید.

بخش ۱

در ایالات متحده یا هر مکان دیگری در حوزه قضایی آن، بردگی و کار اجباری جز به عنوان مجازات جرمی که شخص طبق قانون بدان محکوم شده باشد، مجاز نخواهد بود.

تفسیر:

اعلام آزادی بردگان از سوی آبراهام لینکلن، رئیس جمهور در سال ۱۸۶۳ بردگان را در ایالتهای متحد که هنوز در شورش به سر می بردند آزاد کرد. این اصلاحیه الغای بردگی در ایالت متحده را کامل ساخت.

بخش ۲

کنگره با تصویب قوانین مقتضی، قدرت اجرای این اصل را دارا خواهد بود.

اصلاحیه شماره ۱۴

حقوق مدنی

این اصلاحیه در ۱۳ ژوئن ۱۸۶۶ طرح و در ۹ جولای ۱۸۶۸ به تصویب رسید.

بخش ۱

تمام کسانی که در ایالات متحده متولد شده اند یا تابعیت آن را دارا هستند و شامل قوانین قضایی آن می گردند، تبعه ایالات متحده و ایالت محل اقامتشان محسوب می شوند. هیچ ایالتی قانونی را وضع یا اعمال نخواهد کرد که امتیازات یا مصونیت های اتباع ایالات متحده را کاهش دهد. هیچ ایالتی بدون طی مراحل قانونی مقتضی، فردی را از حق زندگی، آزادی، و یا مالکیت، و نیز، برخورداری از حمایت مساوی قانون محروم نمی کند.

تفسیر:

هدف اصلی این اصلاحیه تبدیل بردگان سابق به شهروندان و اتباع هم در ایالات متحده و هم در ایالت محل سکونت آنان و حمایت از آنان در برابر تبعیضات ایالتی بود. مفاد این اصلاحیه حاکی است که حق تابعیت و شهروندی چگونه به دست می آید. شهروندی ایالتی محصول جنبی شهروند ملی شدن است. هر یک از شهروندان ایالات متحده، به واسطه سکونت در ایالتی خاص به طور خود خود به تابعیت آن ایالت در می آیند. به موجب قانون تمام افرادی کسب تابعیت کرده اند شهروندان ایالات متحده محسوب می شوند. افراد متولد در ایالات متحده نیز بدون در نظر گیری ملیت والدین آنها شهروند این کشور محسوب می شوند، مگر اینکه نماینده سیاسی کشوری دیگر و یا در زمان اشغال (جنگ)، دشمن ایالت متحده محسوب شوند. این اصلاحیه به آمریکائیان بومی که در زمین های ویژه سرخپوستان زندگی می کنند، حق شهروندی اعطا نمی کند، مگر اینکه کنگره با تصویب قانونی چنین اجازه ای را صادر کند.

در عبارت "طی مراحل قانونی مقتضی" که به مفهوم ممنوعیت ایالات از تخطی از بیشتر حقوق مطروحه در اعلامیه حقوق، در نتیجه فشرده نویسی توسط دولت ملی است. از آن همچنین حمایت از دیگر حقوق به واسطه قوت قانونی ویژه خود استناد می شود. بیان این موضوع که هیچ ایالتی نمی تواند از اعطای "حمایت مساوی در برابر قانون" به کسی خودداری اساس بسیاری از احکام دادگاه عالی در مورد حقوق مدنی را تشکیل داده است. برای مثال، دادگاه در سال ۱۹۵۴ (در پرونده براون علیه هیئت آموزش و پرورش) اعلام کرد که جداسازی نژادی در مدارس همگانی انکار حمایت مساوی در برابر قانون از افراد است. از آن زمان دادگاه عالی اعلام کرده است که هرگونه جداسازی نژادی افراد به دستور دولت خلاف قانون اساسی است.

بخش ۲

تعداد کل افراد يك ایالت به جز سرخپوستان معاف شده از مالیات، تعیین کننده تعداد نمایندگان آن ایالت هستند. اما هر گاه در انتخابات گزینش هیئت انتخاب کنندگان رئیس جمهوری، معاون رئیس جمهوری ایالات متحده، نمایندگان کنگره، مقامات اجرایی و قضایی يك ایالت، یا اعضای مجلس قانونگذاری آن، حق رای مردان

بیست و یکساله تبعه ایالات متحده که ساکن ایالتی هستند به هر طریق سلب شود، به جز در موارد مربوط به شرکت در شورش یا سایر جرایم، تعداد نمایندگان به نسبت تعداد مردان آن ایالت، به تعداد کل مردان بیست و یک ساله در این ایالت کاهش می یابد.

تفسیر:

این بخش برای تمام ایالاتی که از دادن حق رای به شهروندان مرد بالغ خود برای شرکت در انتخابات فدرال سرباز می زنند، مجازاتی تعیین می کند. ایالاتی که حق رای این افراد را محدود کنند، از تعداد نمایندگانشان در مجلس کاسته می شود. این مجازات هرگز اعمال نگردد. این بخش به واسطه اصلاحیه نوزدهم و بیست و ششم کنار گذاشته شد.

بخش ۳

شخصی که به عنوان یکی از مقامات ایالات متحده یا به عنوان عضو مجلس قانونگذاری یک ایالت یا در مقام یک مسئول اجرایی یا قضایی ایالتی، برای حمایت از قانون اساسی ایالات متحده قبلاً سوگند ادا کرده باشد، ولی بعداً علیه ایالت خود شورش کند یا به دشمنان وابسته آن یاری دهد، نمی تواند به عنوان نماینده سنا یا نماینده کنگره یا عضو هیئت انتخاب کننده رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری انتخاب شود، یا هر گونه سمت کشوری و لشکری را در ایالات متحده یا در هر یک از ایالات آن تصدی کند. هر چند کنگره می تواند با رای دو سوم اعضای هر یک از دو مجلس، به عدم صلاحیت فرد مذکور پایان دهد.

تفسیر:

این بخش تنها از نظر تاریخی مطرح است. هدف جلوگیری تصدی مقامات فدرال توسط کسانی بود که به به کنفدراسیون [اتحادیه ایالات جنوبی طرفدار بردگی] پیوسته بودند.

بخش ۴

قوت قانونی بدهی های عمومی ایالات متحده که قانون مجاز شناخته است، از جمله بدهی های ناشی از پرداخت حقوق بازنشستگی و جبران اعتبارات مربوط به سرکوب شورش یا طغیان مورد پرسش قرار نمی گیرد. اما ایالات متحده یا هیچ یک از ایالات آن هیچ نوع بدهی یا تعهدی را که برای کمک به شورش که ضد ایالات متحده انجام شده پرداخت نمی کنند و هیچ گونه طلبی را بابت از دست دادن یا آزدسازی برده تقبل نخواهد کرد، کلیه بدهی ها، تعهدات و مطالبات فوق غیر قانونی و بی اعتبار خواهند بود.

تفسیر:

این بخش مقرر می کرد که بدهی های حاصل از جنگ داخلی ایالات باید پرداخته شود، اما تمام بدهی های کنفدراسیون [اتحادیه ایالات جنوبی طرفدار بردگی] را ابطال می کرد. این بخش همچنین اعلام می داشت که برده داران سابق در به جای برده های آزاد شده شان غرامتی دریافت نمی کردند.

بخش ۵

کنگره با وضع قوانین مقتضی، قدرت اعمال مفاد این اصل را دارا است.

اصلاحیه شماره ۱۵

حق رای سیاه پوستان

بخش ۱

این اصلاحیه در ۲۶ فوریه ۱۸۶۹ طرح و در ۳ فوریه ۱۸۷۰ به تصویب رسید.

ایالات متحده یا هر يك از ایالات آن اجازه سلب یا محدود کردن حق رای شهروندان ایالات متحده را به سبب نژاد، رنگ پوست یا شرایط گذشته بردگی، ندارند.

تفسیر:

افراد سیاه پوست که پیش تر برده بودند به موجب اصلاحیه چهاردهم آزاد شدند. اصلاحیه پانزدهم ایالات را از سلب حق رای شهروندان بر اساس نژاد آنان منع می کند. برخی ایالت های جنوبی قادر بودند علی رغم این اصلاحیه تا دهه ۱۹۶۰ حق رای این افراد را سلب کنند، در این سال ها کنگره قوانینی برای اعمال این اصلاحیه تصویب کرد و دادگاه عالی اقداماتی خارج از قانون اساسی و اعمال قانونی مطرح و اعلام داشت تا بدین وسیله از چنان حرکت هایی جلوگیری به عمل آید.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، قدرت اعمال مفاد این اصل را دارا است.

اصلاحیه شماره ۱۶

مالیات بر درآمد

این اصلاحیه در ۱۲ جولای ۱۹۰۹ طرح و در ۳ فوریه ۱۹۱۳ به تصویب رسید. کنگره قدرت وضع و وصول مالیات بر درآمد را از تمام منابع حاصله، بدون تخصیص و تقسیم در میان ایالت های مختلف و بدون در نظر گرفتن هر گونه آمار نفوس یا سر شماری دارا است.

تفسیر:

در سال ۱۸۹۴ کنگره قانونی را در خصوص مالیات بر درآمد تصویب کرد که دادگاه عالی آن را به عنوان مالیات مستقیم اعلام و متعلق به همه ایالات دانست و به این ترتیب امکان وضع آن را از بین برد. این اصلاحیه به کنگره اختیار می دهد که چنان مالیاتی را بدون تقسیم آن بین ایالات جمع آوری کند.

اصلاحیه شماره ۱۷

انتخاب مستقیم اعضای سنا

این اصلاحیه در ۱۳ می ۱۹۱۲ طرح و در ۸ آوریل ۱۹۱۳ به تصویب رسید.

۱- سنای ایالات متحده مرکب از دو نماینده از هر ایالت است که مردم آن ایالت برای مدت شش سال انتخاب می کنند. هر عضو سنا دارای يك حق رای است. رای دهندگان هر ایالت باید از شرایط رای دهندگان برای تعیین نمایندگان در شاخه ای از قوه مقننه بیشترین تعداد نماینده داراست، برخوردار باشند.

۲- هر گاه کرسی نمایندگی ایالتی در سنا بلا تصدی شود، مقام اجرایی ایالت مذکور فرمان انتخابات را برای تصدی کرسی خالی صادر می کند، مشروط بر اینکه مجلس قانونگذاری هر ایالت بتواند به مسئولان اجرایی تابع خود اختیار دهد که تا زمان انتخاب فردی از سوی مردم برای کرسی خالی شده به شیوه تحت هدایت قوه قانونگذاری، کسانی را به طور موقت منصوب کنند.

۳- اصلاحیه حاضر به مفهوم باطل شدن انتخاب یا دوره نمایندگی هر عضو سنا که پیش از تنفیذ اصلاحیه قانون اساسی برگزیده شده، نیست.

تفسیر:

این اصلاحیه قدرت انتخاب نمایندگان سنا را از قانونگذاران ایالتی سلب و آن را به دست رای دهندگان آن ایالت می سپارد.

اصلاحیه شماره ۱۸

ممنوعیت مشروبات الکلی

این اصلاحیه در ۱۸ دسامبر ۱۹۱۷ طرح و در ۱۶ ژانویه ۱۹۱۹ به تصویب رسید.

بخش ۱

يك سال پس از تصویب این اصل، تولید، خرید و فروش و حمل و نقل مشروبات الکلی، واردات یا صادرات آن، به و از ایالات متحده و کلیه نقاط واقع در حوزه قضایی آن، به منظور مصارف نوشیدنی، ممنوع است.

بخش ۲

با وضع قوانین مقتضی، کنگره و چندین ایالات از قدرت متوازی برای اجرای اصل حاضر، برخوردارند.

بخش ۳

اصل حاضر قابل اجرا نیست مگر آنکه ظرف هفت سال از تاریخ تسلیم آن توسط کنگره به هر يك از ایالات، از سوی قانونگذاران چندین ایالت به ترتیب تعیین شده در قانون اساسی، به عنوان اصلاحیه قانون اساسی تصویب شود.

تفسیر:

در این اصلاحیه افراد از تولید، خرید و فروش و حمل و نقل مشروبات الکلی منع می شوند. این اصلاحیه با بیست و یکمین اصلاحیه قانون اساسی در سال ۱۹۳۳ ملغی اعلام شد.

اصلاحیه شماره ۱۹

حق رای زنان

این اصلاحیه در ۴ ژوئن ۱۹۱۹ طرح و در ۱۸ اوت ۱۹۲۰ به تصویب رسید.

بخش ۱

ایالات متحده یا هر يك از ایالات آن حق رای شهروندان ایالات متحده را به لحاظ جنسیت آنان، سلب یا محدود نمی کند.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، قدرت اعمال این اصل را دارا است.

تفسیر:

تا پیش از اصلاحیه حاضر، بیش از چهل سال اصلاحیه هایی برای اعطای حق رای به زنان به طور مداوم به کنگره ارائه می شدند، تا اینکه سرانجام این اصلاحیه به تصویب رسید.

اصلاحیه شماره ۲۰

دوره تصدی رئیس جمهوری و کنگره

این اصلاحیه در ۲ مارس ۱۹۳۲ طرح و در ۲۳ ژانویه ۱۹۳۳ به تصویب رسید.

بخش ۱

دوره تصدی رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری در ظهر روز بیستم ژانویه، و دوره نمایندگی اعضای سنا و نمایندگان مجلس در ظهر روز سوم ژانویه سال هایی که دوره های مذکور در صورت عدم تصویب اصل حاضر، پایان می پذیرفت، خاتمه می یابد، و از آن پس دوره ماموریت جانشینان آنان آغاز می شود.

بخش ۲

کنگره حداقل يك بار در سال تشکیل جلسه می دهد و در صورت عدم تعیین روزی خاص به واسطه قانون، جلسه مذکور در ظهر روز سوم ژانویه آغاز می شود.

بخش ۳

در صورتی که در تاریخ تعیین شده برای آغاز دوره تصدی ریاست جمهوری، رئیس جمهوری منتخب فوت کند، معاون رئیس جمهوری منتخب، به جای او منصوب می شود. چنانچه رئیس جمهوری قبل از موعد مقرر برای آغاز دوره ماموریت انتخاب نشده باشد و یا اگر رئیس جمهوری منتخب حائز شرایط لازم نباشد، معاون رئیس جمهوری منتخب تا زمانی که رئیس جمهوری واجد شرایط لازم شود به عنوان رئیس جمهوری انجام وظیفه خواهد کرد. هر گاه رئیس جمهوری شرایط انتخاب را واجد شود، به عنوان رئیس جمهوری شروع به انجام وظیفه می کند. هر گاه رئیس جمهوری منتخب و نیز معاون رئیس جمهوری منتخب حائز شرایط لازم نباشند، کنگره می تواند به موجب قانون، شخص رئیس جمهوری و نیز نحوه انتخاب وی را اعلام کند. شخص مذکور تا زمانی که رئیس جمهوری یا معاون رئیس جمهور واجد شرایط شوند، بر اساس قانون مذکور انجام وظیفه می کند.

بخش ۴

به موجب قانون و در صورت فوت هر يك از افرادی که مجلس نمایندگان در صورت ضرورت باید يك نفر را از میان آنان به عنوان رئیس جمهور انتخاب کند، و در صورت فوت هر يك از افرادی که مجلس سنا، هنگام ضرورت باید يك نفر را از میان آنان به عنوان معاون رئیس جمهور یا انتخاب کند، کنگره اقدام قانونی لازم را به عمل می آورد.

بخش ۵

بخش های ۱ و ۲ از پانزدهم اکتبر پس از تاریخ تصویب این اصل، لازم الاجرا می شوند.

بخش ۶

اصل حاضر به اجرا در نمی آید مگر آنکه ظرف هفت سال از تاریخ ارائه آن، قانونگذاران سه چهارم ایالات آن را به عنوان اصلاحیه قانون اساسی تصویب کنند.

تفسیر:

این اصلاحیه پایان دوره کاری که به عنوان "اصلاحیه اردک لنگ" مشهور است، تاریخ تصدی سمت ریاست جمهوری و نمایندگی کنگره را به تاریخ انتخابات نزدیکتر می سازد. "اردک لنگ" به مقامی اطلاق می شود که قرار نیست بار دیگر انتخاب شود ولی در خدمت خود باقی است. پیش از اجرایی شدن این اصلاحیه، رئیس جمهوری و نمایندگان کنگره ای که در انتخابات ماه نوامبر شکست خورده بودند تا ماه مارس بعد در سمت های خود باقی ماندند.

اصلاحیه شماره ۲۱

الغای ممنوعیت

این اصلاحیه در ۲۰ فوریه ۱۹۳۳ طرح و در ۵ دسامبر همان سال به تصویب رسید.

بخش ۱

بدین وسیله اصل هجدهم اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده ملغی می گردد.

بخش ۲

بدین وسیله حمل و نقل یا واردات مشروبات الکلی به منظور استفاده یا تحویل آنها در ایالات، قلمرو، یا مناطق تحت تملک ایالات متحده بر خلاف قوانین موجود در آنها، ممنوع می‌گردد.

بخش ۳

اصل به اجرا در نمی‌آید مگر آنکه آن طرف مدت هفت سال پس از تسلیم آن از طرف کنگره به ایالات، از سوی مجامع قانونگذاری چندین ایالت به ترتیبی که در قانون اساسی پیش بینی شده است، به عنوان یک اصلاحیه در قانون اساسی تصویب شود.

تفسیر:

اصلاحیه حاضر، در حکم فسخ اصلاحیه شماره ۱۸ به شمار می‌رود.

اصلاحیه شماره ۲۲

محدودیت دوران تصدی رئیس جمهوری به دو دوره

این اصلاحیه در ۲۴ مارس ۱۹۴۷ طرح و در ۲۷ فوریه ۱۹۵۱ به تصویب رسید.

بخش ۱

هیچ کس بیش از دوبار به سمت ریاست جمهوری انتخاب نخواهد شد، و شخصی که بیش از دو سال تصدی سمت ریاست جمهوری را در غیاب شخصی که به عنوان رئیس جمهور دوره مذکور انتخاب شده بود به عهده داشته باشد، نمی‌تواند بیش از یک بار به سمت ریاست جمهوری انتخاب شود. اصل حاضر در مورد شخصی که در زمان طرح این اصل توسط کنگره عهده دار سمت رئیس جمهوری است لازم الاجرا نیست، و این اصل مانع از نیست که شخصی که طی مدت لازم الاجرا شدن این اصل در سمت ریاست جمهوری یا کفالت ریاست جمهوری است، بقیه دوره را در سمت خود باقی بماند.

بخش ۲

اصل حاضر باطل است مگر اینکه ظرف مدت هفت سال پس از تاریخ آن از سوی کنگره به ایالات، از سوی مجالس قانونگذاری سه چهارم ایالات به عنوان اصلاحیه قانون اساسی تصویب شود.

تفسیر:

این اصلاحیه مقرر می‌سازد که هیچ فردی بیش از دو بار نمی‌تواند به سمت ریاست جمهوری برگزیده شود. کسی که به عنوان رئیس جمهور برای مدت دو سال به جای کسی دیگر انجام وظیفه کرده است نیز بیش از یکبار دیگر نمی‌تواند به این سمت انتخاب شود. هیچ رئیس جمهوری نمی‌تواند بیش از ده سال در این سمت باقی بماند. این اصلاحیه از سوی افرادی پشتیبانی می‌شد که معتقد بودند پرزیدنت فرانکلین دی روزولت نباید چهار دوره عهده دار ریاست جمهوری شود. هیچ رئیس جمهور دیگری بیش از دو بار متوالی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده است.

اصلاحیه شماره ۲۳

حق رای در حوزه کلمبیا

این اصلاحیه در ۱۶ ژوئن ۱۹۶۰ طرح و در ۲۹ مارس ۱۹۶۱ به تصویب رسید.

بخش ۱

ناحیه ای که مقر حکومت ایالات متحده است به شیوه تعیین شده به وسیله کنگره، به شرح زیر کسانی را منصوب می کند:

تعدادی افراد برای انتخاب رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری به شمار مساوی با تعداد نمایندگان که حوزه در سنا و نمایندگان مجاز به داشتن آنها خواهد بود، اما تعداد افراد فوق در هیچ حال نباید از تعداد رای دهندگان کم جمعیت ترین ایالات بیشتر باشد؛ با وجود این، افراد مذکور برای انتخاب رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری در نظر گرفته شوند. آنها درحوزه گرد هم می آیند و وظایف محوله را به موجب اصلاحیه دوازدهم قانون اساسی را به انجام می رسانند.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، از قدرت اجرای اصل حاضر برخوردار است.

تفسیر:

این اصلاحیه به شهروندان حوزه کلمبیا اجازه می دهد در انتخابات ریاست جمهوری رای بدهند. با این حال، آنها دارای نمایندگانی در کنگره نیستند که برای انتخابشان رای بدهند.

اصلاحیه شماره ۲۴

مالیات سرانه

این اصلاحیه در ۲۷ اوت ۱۹۶۲ طرح و در ۲۳ ژانویه ۱۹۶۴ به تصویب رسید.

بخش ۱

حق رای شهروندان ایالات متحده در انتخابات مقدماتی یا انتخابات ریاست جمهوری یا معاون ریاست جمهوری برای انتخاب رئیس جمهور یا معاون رئیس جمهور یا نمایندگان سنا یا نمایندگان کنگره، نباید به دلیل عدم پرداخت مالیات سرانه یا مالیات های دیگر، به وسیله ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن سلب یا محدود شود.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، از قدرت اجرای اصل حاضر برخوردار خواهد بود.

تفسیر:

این اصلاحیه ایالات را از مجبور کردن رای دهندگان به پرداخت مالیات سرانه و یا مالیت های دیگر برای شرکت در انتخابات ملی باز می دارد. دادگاه عالی، بندهای مربوط به حمایت مساوی در اصلاحیه چهاردهم به عنوان منعی برای تحمیل مالیات سرانه برای رای دادن تعبیر کرده است. عبارت "مالیات سرانه" poll tax به معنای مالیات بر رای دادن نیست. این اصطلاح از واژه قدیمی انگلیسی poll به معنای سر head می آید. برخی از ایالات زمانی از این مالیات ها به عنوان وسیله ای برای بازداشتن افراد فقیر و یا سیاه پوست از رای دادن استفاده می کردند.

اصلاحیه شماره ۲۵

ناتوانی رئیس جمهوری و جانشینی او

این اصلاحیه در ۶ جولای ۱۹۶۵ طرح و در ۱۰ فوریه ۱۹۶۷ به تصویب رسید.

بخش ۱

در صورت عزل، فوت یا استعفای رئیس جمهوری از سمت خود، معاون وی به جای او خواهد نشست.

بخش ۲

هر گاه سمت معاونت ریاست جمهوری بلا تصدی شود، رئیس جمهوری يك نفر را به عنوان معاون خود نامزد می کند و وی در صورت کسب اکثریت آرای هر دو مجلس کنگره، سمت مذکور را عهده دار خواهد شد.

تفسیر:

این اصلاحیه برای پر کردن سمت خالی مانده معاونت رئیس جمهور تدوین شده است. در سال ۱۹۷۳ جerald آر. فورد اولین فردی بود که به موجب این اصلاحیه بمقام معاونت رئیس جمهوری رسید. او پس از استعفای اسپرو تی. اگنیو معاون رئیس جمهوری به این مقام رسید. در سال ۱۹۷۴ نیکسون استعفا داد و فورد به ریاست جمهوری رسید. نلسون راکفلر تحت شرایط جدید به معاونت رئیس جمهوری دست یافت. به این ترتیب برای اولین بار در تاریخ ایالات متحده، رئیس جمهوری و معاون رئیس جمهوری هیچکدام به واسطه انتخابات به این مقام دست نرسیده بودند. پیش از به اجرائی در آمدن این اصلاحیه، کرسی بلا تصدی معاونت رئیس جمهوری تا زمان انتخابات دور بعد خالی باقی می ماند.

بخش ۳

هر زمانی رئیس جمهوری به رئیس موقت سنا و سخنگوی مجلس نمایندگان کتباً اعلام کند که توان انجام وظایف محوله را ندارد، و تا هنگامی که اطلاعیه کتبی [دیگری] مبنی بر لغو اطلاعیه پیشین ارسال ارائه نکند، معاون وی به عنوان کفیل وظایف مذکور را عهده دار خواهد شد.

تفسیر:

این بخش مقرر می کند که معاون رئیس جمهوری در صورت ناتوانی رئیس جمهوری جانشین وی می شود. جرح اچ دبلیو بوش اولین معاون رئیس جمعی بود که به عنوان کفیل رئیس جمهوری منصوب شد و

آن هنگامی اتفاق افتاد که پرزیدنت رونالد ریگن تحت عمل جراحی سرطان قرار گرفت، بوش به طور رسمی برای مدت ۸ ساعت در تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۸۵ اداره امور ریاست جمهوری را عهده دار شد.

بخش ۴

در صورتی که معاون رئیس جمهوری و اکثریتی متشکل از مقامات ارشد بخش های اجرایی یا هر مرجع دیگری که کنگره به موجب قانون پیش بینی کند، طی اعلامیه ای کتبی به رئیس موقت سنا و رئیس مجلس نمایندگان اطلاع دهند که رئیس جمهوری توان استفاده از اختیارات و انجام وظایف ریاست جمهوری را ندارد، معاون رئیس جمهوری بی درنگ به عنوان کفیل ریاست جمهوری اختیارات و وظایف وی را عهده دار می شود. از آن زمان در صورتی که رئیس جمهوری با اعلامیه ای کتبی به رئیس موقت سنا و سخنگوی مجلس نمایندگان اطلاع دهد که ناتوانی وی مرتفع گشته است، وی می تواند بار دیگر اعمال اختیارات و انجام وظایف ریاست جمهوری را عهده دار شود، مگر اینکه معاون رئیس جمهوری و اکثریتی متشکل از مقامات ارشد بخش های اجرایی، یا مراجع دیگری که کنگره به موجب قانون پیش بینی می کند، ظرف مدت چهار روز طی اعلامیه ای کتبی به رئیس موقت سنا و سخنگوی مجلس نمایندگان اطلاع دهند که رئیس جمهوری توان استفاده از اختیارات و انجام وظایف ریاست جمهوری را ندارد. در این صورت، چنانچه کنگره در اجلاس نباشد باید ظرف مدت چهل و هشت ساعت تشکیل جلسه دهد و در این خصوص تصمیم گیری کند. چنانچه کنگره ظرف بیست و یک روز پس از دریافت اعلامیه کتبی اخیر و در صورت نداشتن جلسه، ظرف مدت بیست و یک روز پس از درخواست تشکیل جلسه، با دو سوم آرای هر دو مجلس تشخیص دهد که رئیس جمهوری توان استفاده از اختیارات و انجام وظایف را ندارد؛ آنگاه معاون رئیس جمهوری به سمت جانشینی رئیس جمهوری کار وی را ادامه خواهد داد، در غیر این صورت رئیس جمهور وظایف و اختیارات خود را دوباره عهده دار خواهد شد.

اصلاحیه شماره ۲۶

حق رای افراد ۱۸ ساله

این اصلاحیه در ۲۳ مارس ۱۹۷۱ طرح و در ۱ جولای همان سال به تصویب رسید.

بخش ۱

حق رای شهروندان ایالات متحده که هجده سال یا بیشتر دارند، نباید توسط ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن سلب یا محدود شود.

بخش ۲

کنگره با وضع قوانین مقتضی، اختیار به اجرا گذاشتن اصل حاضر را دارا است.

تفسیر:

در صورتی که سن رای دهندگان ۱۸ سال یا بیشتر باشد، این اصلاحیه ایالات را از انکار حق رای شهروندان به دلیل سن آنها منع می کند.

اصلاحیه شماره ۲۷

مقرری اعضای کنگره

این اصلاحیه در ۲۵ سپتامبر ۱۷۸۹ طرح و در ۷ می ۱۹۹۲ به تصویب رسید.

هیچ قانونی در خصوص تغییر میزان مقرری نمایندگان سنا و مجلس نمایندگان در ازاء خدماتشان لازم الاجرا نخواهد بود مگر بعد از انجام انتخابات.

تفسیر:

این اصلاحیه که در اصل توسط جیمز مدیسون پیشنهاد شده، در سال ۱۹۷۹ به تصویب کنگره رسید و برای تایید به ایالات ارسال شد. اما پس از گذشت ۲۰۰ سال رای مثبت ۳۸ ایالت را که لازمه تصویب آن بود، به دست نیاورد. انتقادات عمومی علیه کنگره در زمینه افزایش مقرری اعضای آن سبب شد تا ایالت میشیگان به آن به عنوان سی و هشتمین ایالت رای مثبت دهد و اصلاحیه در ۷ می ۱۹۹۲ به تصویب رسد. این اصلاحیه تضمین می کند که چنانچه نمایندگان سنا و یا نمایندگان مجلس رای به افزایش دستمزد خود دهند، تنها اعضای کنگره بعد (که ممکن است شامل نمایندگان جدید و قدیم باشند) از این افزایش بهره خواهند برد. ■

وزارت امور خارجه ايالات متحده

اداره برنامه های اطلاعات بين المللی

<http://www.america.gov/persian>